

# امامت و مہدویت

در کلام امام جواد علیہ السلام

محمدرضا فوادیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رامت و مہدویت در کلام امام جواد علیہ السلام

محمد رضا فوادیان

سرشناسه : فؤادیان، محمدرضا، ۱۳۵۱ -  
 عنوان و نام پدیدآور : امامت و مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام - محمدرضا فؤادیان  
 مشخصات نشر: قم : سبط النبی علیه السلام، ۱۳۸۷.  
 مشخصات ظاهری : کتابنامه بصورت زیرنویس.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۱۶-۰  
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا  
 یادداشت: کتابنامه : ص ۱۶۸  
 موضوع : محمدبن الحسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. احادیث.  
 ۲. مهدویت - احادیث. ۳. محمدبن علی علیه السلام، امام نهم،  
 ۱۹۵ - ۲۲۰ ق. الف. عنوان)  
 رده‌بندی کنگره : ۸ الف ۸ / ف ۴ / ۲۲۴ BP  
 رده‌بندی دیوبی : ۸ / الف ۸ / ۴ / ۲۲۴ ف ۸ ۱۳۸۷



نشریات سبط النبی  
 ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱

مرکز پخش: قم / خیابان صفائییه / کوچه ممتاز / کوی علمی / پلاک ۱۷ و ۱۹  
 تلفن: ۴ - ۷۷۴۵۰۷۳ فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱  
 صندوق پستی: ۱۱۳۳ - ۳۷۱۵۳  
 مرکز پخش: آبادان - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  
 همراه: ۰۹۱۶۱۳۱۰۹۸۴

## امامت و مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام

مؤلف: محمدرضا فؤادیان

ناشر: سبط النبی علیه السلام

چاپ: اول / ۱۳۸۷

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۱۶-۰

فهرست مطالب

---

### بخش اول: کلیات

---

- |    |   |
|----|---|
| ۱۱ | میلاذ   |
| ۱۴ | دوران حیرت  |
| ۲۴ | امام جواد <small>علیه السلام</small> زمینه ساز امامت امام مهدی <small>علیه السلام</small> |
| ۲۶ | الف: مقابله با جلسات فتنه   |
| ۳۳ | ب: پاسخ به شبهات  |
| ۳۷ | سازمان وکالت  |

---

### بخش دوم: مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام

---

- |    |           |
|----|-----------|
| ۴۲ | روایت اول |
|----|-----------|

۴ \* امامت و مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام

۱- اطاعت از امام	۴۴
۲- ندبه	۴۴
۴- غیبت	۴۹
۵- ویژگی غیبت	۵۰
۶- انتظار	۵۱
۷- شک	۵۲
۸- انکار	۵۲
۹- توقیت	۵۵
۱۰- تعجیل	۵۷
۱۱- تسلیم	۵۹
روایت دوم	۶۵
۱- ولادت مخفیانه	۶۷
۲- ویژگی غیبت	۶۸
۴- همنام و هم کنیه‌ی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	۷۰
۵- ویژگی‌های ظهور	۷۱
۶- یاران	۷۳
۷- شرط ظهور و قیام	۷۵

فهرست مطالب \* ۵

- ۷۶ ۸- قهر الهی
- ۷۷ روایت سوم
- ۷۸ ۱- قائم العیال همان مهدی العیال است
- ۷۹ ۲- وجوب انتظار
- ۷۹ ۳- اطاعت در ظهور
- ۸۰ ۴- نسب
- ۸۱ ۵- ظهور
- ۸۲ ۶- گسترش عدالت
- ۸۲ ۷- ناگهانی بودن ظهور
- ۸۵ ۸- انتظار
- ۸۶ روایت چهارم
- ۸۷ ۱- تشبیه امام به چراغ
- ۸۸ ۲- غیبت
- ۸۹ ۳- شکاکین
- ۹۱ ۴- فرار
- ۹۳ ۵- فتنه‌های آخرالزمان
- ۹۶ روایت پنجم
- ۹۷ ۱- حیرت

۶ \* امامت و مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام

۲- پناهگاه	۹۹
روایت ششم	۱۰۱
۱- سفیانی	۱۰۲
۲- بداء	۱۰۳
۳- وعده‌ی الهی	۱۰۵
روایت هفتم	۱۰۷
روایت هشتم	۱۰۸
۱- یتیمان اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۱۰۹
۲- سرپرستی ایتام	۱۰۹
روایت نهم: دعاهای امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۱۲
الف: قنوت امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۱۲
ب: دعای تعقیب هر نماز امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۱۳
۱- رفع بلا	۱۱۷
خاتمه: رجعت امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۲۳

---

**بخش سوم: احادیث امامت**

---

حدیث اول: آفرینش حجت	۱۲۷
حدیث دوم: گنجینه‌ی علم	۱۳۰

فهرست مطالب \* ۷

- ۱۳۱ حدیث سوم: موارد مواریث  
۱۳۲ حدیث چهارم: گنج‌های زمین  
۱۳۴ حدیث پنجم: تغییر حالات  
۱۳۵ حدیث ششم: علت غیبت  
۱۳۶ حدیث هفتم: حزب اهل بیت علیهم‌السلام  
۱۳۷ حدیث هشتم: آگاه به اسرار  
۱۴۰ حدیث نهم: نیابت اعمال

بخش چهارم: عنایات امام مهدی علیه‌السلام

- ۱۴۵ امام مهدی علیه‌السلام و زیارت کاظمین علیهم‌السلام  
۱۴۶ امام مهدی علیه‌السلام زائر امام جواد علیه‌السلام  
۱۵۱ توسل ملامحمود عراقی و امام جمعه تبریز  
۱۵۴ تشرف امین الواعظین در حرم کاظمین علیهم‌السلام  
۱۵۷ تشرفی از زبان سید بن طاووس در حرم کاظمین علیهم‌السلام  
۱۵۸ رؤیای ابی الحسن محمدبن ابی الیث  
۱۶۰ پایان: دقت‌های ویژه  
۱۶۰ الف: احادیث  
۱۶۱ ۱- دجال  
۱۶۱ ۲- عبادت جهانی  
۱۶۲ ۳- سنت‌های انبیاء علیهم‌السلام  
۱۶۳ ۴- سفیانی



۸ \* امامت و مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام

۵- بیت الحمد	۱۶۳
۶- ندا در ماه رمضان	۱۶۴
۷- سنت جدید	۱۶۴
ب: مادر امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۶۴
سفره جود و احسان	۱۶۴

## سلام

یکی از جلوه‌های ضرورت طرح مباحث مهدویت، به یادگار ماندن احادیث فراوانی در این موضوع است. شیعه با برخورداری از گنجینه‌ای با بیش از دو هزار و پانصد روایت درباره‌ی امام زمان علیه السلام همواره در طول تاریخ پیش‌قدم و پیش‌تاز بوده است.

بسیار لازم و شایسته است که روایت‌ها و توصیه‌های هر یک از معصومین علیهم السلام به طور جدا از هم بررسی شود تا نحوه‌ی زمینه‌سازی و بروز و ظهور این اندیشه را شاهد باشیم ضمن آنکه در هر فرصتی مانند ولادت یا شهادت معصومین علیهم السلام، توانایی بر عرضه‌ی مهم‌ترین بحث دینی (مهدویت) را داشته باشیم.

از این رو بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام واحد آبادان - خرمشهر جهت رشد و شکوفایی مطالب مهدوی از همه‌ی اندیشمندان، متفکران، دانشمندان و نویسندگان حوزه و دانشگاه دعوت به همکاری می‌نماید، تا آثار ویژه‌ی مهدویت آنان به زیور طبع آراسته شود. آرزومند سلامتی و توفیقات روزافزون تمام «مهدی‌پژوهان» هستیم.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

آبادان - خرمشهر - مسعود دریس

## بخش اول: کلیات

### ميلاد

در تاريخ براي تولد اين دو امام، شور و اشتياق خاصي بيان شده است. چشم انتظار بودن در تولد امام جواد عليه السلام و امام مهدي عليه السلام جلوه‌اي خاص دارد؛ چهل و چند سال از عمر شريف امام رضا عليه السلام مي‌گذشت و پسري نداشتند لذا جامعه شيعه بسيار مشتاق تولد امام جواد عليه السلام بود.

همچنين بشارت‌هايي كه به امام مهدي عليه السلام شده بود، سبب شده بود كه شيعيان مشتاق ميلاد امام عصر عليه السلام باشند.

اگر چه اين مسئله براي دشمنان اهل بيت عليهم السلام نيز از سويي حائز اهميت بود. زيرا آنها خواستار متولد نشدن امام جواد عليه السلام براي شكست اين دودمان و يا متولد نشدن امام مهدي عليه السلام براي نداشتن فرجام اين خاندان



بودند. لذا اهل بیت در جریان تولد این دو امام همام علیه السلام تدابیری اندیشیده‌اند که حضور «حکیمه» یکی از آن جلوه‌هاست.

در جریان تولد امام جواد علیه السلام حکیمه دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام حاضر شدند و مأموریت محوئه را به نحو احسن انجام دادند و در جریان تولد امام مهدی علیه السلام حکیمه دختر امام جواد علیه السلام حضور به هم رسانند.

حکیمه خواهر امام رضا علیه السلام می‌فرماید: به هنگام تولد امام محمدتقی علیه السلام برادرم از من خواست نزد خیزران باشم...»

در گزارش میلاد امام مهدی علیه السلام نیز حکیمه دختر امام جواد علیه السلام شاهد و یاری رساننده تولد امام عصر علیه السلام است.

تشابه اسمی حکیمه، منظور و مقصود نیست بلکه حضور یکی از بانوان خاندان عصمت و طهارت، مراد و منظور است.

تمام فعالیت‌های معصومین علیهم السلام، قابل دقت، توجه و تحلیل است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد آنان، دوراندیشی و آینده‌نگری در طول

۱. مناقب، ج ۴، ص ۳۹۴، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶، ج ۵۰، ص ۱۰، الانوار البیة، ص ۲۵۰، حلیة الابرار، ج ۴، ص ۵۲۴، الثاقب فی المناقب، ص ۵۰۴، مدینة المعاجز، ج ۷، ص ۲۶۰: «حکیمه بنت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام قالت: لما حضرت ولادة الخیزران ام ابی جعفر علیه السلام، دعانی الرضا علیه السلام فقال لی: یا حکیمه! احضری ولادتها و ادخلی و ایاها و القابلة بیتا و وضع لنا مصباحا و اغلق الباب علینا، فلما اخذها الطلق طفی المصباح و بین یدیها طست، فاغتممت بطفی المصباح فبینا نحن کذلک اذ بدر ابو جعفر علیه السلام فی الطست و اذا علیه شیء رقیق کهيئة الثوب...»

زندگی است. مثلاً: چرا امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در مدت بیست و پنج سال خانه نشینی به اموری مانند حفر قنات و کشاورزی می پردازد؟ روشن است که این امور، سرپوش بر فعالیت های اساسی حضرت مانند تربیت یاران و رشد و تعالی انسان های مستعد است. وقتی حکومت واگذار می شود، افرادی مانند مالک اشتر، محمد بن ابابکر در کنار حضرت علیه السلام دیده می شوند. که نشانگر این واقعیت است آنها قبلاً تربیت شده اند.

شان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام هدایت و تربیت انسان است، اما به خاطر این که حکومت متعرض او نشود، به ظاهر مشغول تربیت نخل می شود. لذا تشریف فرمایی حکیمه به هنگام تولد امام به صورت ظاهر، حکایت از امری معمولی دارد اما حقیقت آن این است که هدف اصلی، شهادت بر تولد و رفع حیرت شیعه است.

حکیمه خاتون می فرماید: «امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: عمه جان! امشب که نیمه شعبان است، در منزل ما افطار کن، زیرا خداوند متعال امشب حجت خود را آشکار می کند...»<sup>۱</sup>

این حضور سبب شد که وی راوی روایت های تولد امام عصر علیه السلام باشد و شیعه را از حیرت نجات دهد.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۴: «یا عمّة اجعلی افطارک هذه الليلة عندنا، فانها ليلة النصف من شعبان، فان الله تبارک و تعالی سيطهر فی هذه الليلة الحجّة و هو حجتہ فی أرضه...»



## دوران حیرت

در مقایسه مسائل زمان امامت امام جواد علیه السلام و امام مهدی علیه السلام تشابهی یافت می‌شود؛ با فرا رسیدن امامت امام جواد علیه السلام شیعیان چنان دچار اختلاف حیرت و سرگردانی شدند<sup>۱</sup> که سابقه‌ی آن در طول تاریخ امامت قبل از امامت امام جواد علیه السلام بی‌سابقه بود، لذا برخی پیرو عبدالله بن موسی برادر امام رضا علیه السلام شدند،<sup>۲</sup> شمار دیگری نیز به واقفی‌ها که بر امام کاظم علیه السلام توقف کرده بودند، پیوستند<sup>۳</sup> و باقی‌مانده که اکثریت را تشکیل می‌دادند، به امام جواد علیه السلام اعتقاد داشته، اگر چه در قلب‌هایشان، پذیرش امامت او را خوب هضم نکرده بودند.<sup>۴</sup> تا جایی که یونس بن عبدالرحمان

۱. دلایل الامامة، ص ۲۰۳: «... و لما بلغ عمره ست سنين و شهور قتل المأمون اياه و بقيت الطائفة في حيرة و اختلفت الكلمة بين الناس، و استصغر سن ابي جعفر علیه السلام و تحير الشيعة في سائر الامصار» برخی از شیعیان به لحاظ همین مسئله در خانه عبدالرحمن بن حجاج جمع شده، و ضجه و ناله سر دادند. عيون المعجزات، ص ۱۱۹.

۲. البته بعد از آن که از او سوالاتی پرسیدند و او را عاجز و ناتوان دیدند، وی را ترک کردند، شیخ مفید رحمته الله در الفصول المختارة، ص ۲۵۶ و رسول جعفریان در کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، این نظر را بیان داشته‌اند که بعید است آنها به عنوان امام نزد عبدالله رفته باشند. اگر چه در آن روز از طریق دانش امام، امامت را می‌پذیرفتند.

۳. ر. ک: حیات فکری و سیاسی امام شیعه علیه السلام، رسول جعفریان، ص ۴۷۳.

۴. بنا بر نظر نوبختی، آنها، بلوغ را یکی از شرایط امامت می‌دانستند. ر. ک: فرق الشيعة، ص ۸۸، المقالات و الفرق، ص ۹۵.



که از شیعیان قابل اعتماد نزد امام رضا علیه السلام بود گفت: تا زمانی که امام جواد علیه السلام بزرگ شود چه باید بکنیم؟

ریان بن صلت از جای خود برخاست و با اعتراض گفت: تو خود را در ظاهر مؤمن به امام جواد علیه السلام نشان می‌دهی، ولی روشن است که در باطن در امامت او تردید داری! اگر امامت او، از جانب خداوند متعال باشد، حتی اگر طفل یک روزه هم باشد، به منزله‌ی بزرگ است و چنانچه از طرف خداوند متعال نباشد، حتی اگر هزار سال هم عمر کرده باشد مانند سایر مردم است. دیگران نیز برخاستند و ریان را ساکت کردند... سرانجام گروه هشتاد نفری از بزرگان و علمای شیعه با بار یافتن به محضر امام علیه السلام و طرح سئوالات و دریافت پاسخ‌های صحیح، امامت حضرت بر ایشان شفاف شد.<sup>۱</sup>

علامه جعفر مرتضی‌عاملی از آن دوران با عنوان زلزله و طوفان در اعماق شیعه یاد کرده و می‌نویسد:

«با شهادت امام رضا علیه السلام و آغاز امامت فرزند خردسالش، شیعه به خصوص شیعیان معمولی، با نخستین گرداب عقیدتی بسیار خطیر، و در نوع خود بی‌نظیر مواجه می‌شوند و در درون خودشان با زلزله‌ی فکری شدیدی مواجه می‌شوند

۱. اثبات الوصیة، ص ۲۱۳ - ۲۱۵، دلائل الامامة، ص ۲۰۶ - ۲۰۴، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۹۹ - ۱۰۰.



که هستی‌شان را می‌لرزاند و اعماق جانشان را می‌تکاند. این حادثه حتی بعضی از بزرگان شیعه را تحت تأثیر قرار داده است.<sup>۱</sup>

یکی از ویژگی‌ها و جلوه‌های دوران امامت این دو امام همان، مدیریت بی‌نظیر امام در حل این‌گونه بحران‌هاست که به برکت آن، شیعه تاکنون ادامه‌ی حیات و مسیر داده است.

امام جواد علیه السلام در آن دوران حتی اصحاب پدر خویش و شاگردان بسیاری را تحت سرپرستی و تربیت خود قرار داد که یک نمونه آن علی بن مهزیار اهوازی است که می‌تواند رهیافتی برای چگونه بودن ما با امام عصرمان علیه السلام باشد.

وی - که دو کتاب پیرامون مهدویت نیز تألیف کرده است -<sup>۲</sup> نامه‌هایی از امام زمانش دریافت نمود که گویای این حقیقت است؛ امام هر زمانی، ذره‌پرور است و با لطف و عنایت، انسان را به سعادت دنیا و آخرت می‌رساند. امام جواد علیه السلام به پسر مهزیار می‌نویسد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی! خداوند متعال تو را پاداش نیکو دهد و در

۱. زندگانی سیاسی امام جواد علیه السلام، ص ۲۶.

۲. این دو کتاب به نام‌های «کتاب الملاحم» و «کتاب القائم» است. ر. ک: معجم رجال الحدیث، ج

۱۳، ص ۲۰۷.





بهشت جایست دهد و از خواری دنیا و آخرت حفظ نماید و با ما (اهل بیت) محشور گرداند. ای علی! من تو را در طاعت و نصیحت و خدمت و احترام و برپایی مسائل دینی امتحان کردم و آنچه بر تو واجب است، آزموده‌ام. پس اگر بگویم مانند تو را ندیده‌ام امید دارم که صادق باشم. خداوند متعال نعمت‌های بهشتی را به شما پاداش دهد.

جایگاه و خدمت شما در گرما و سرما و شب و روز بر من پوشیده نیست. از خدا می‌خواهم که در روز قیامت با رحمت خویش چنان شما را بپوشاند که مردم غبطه خورند. به درستی که خداوند بسیار شنوای دعای بندگان است.<sup>۱</sup>

امام در جواب نامه دیگر او می‌نویسد: «مرا به وسیله‌ی آنچه ذکر نمودی، مسرور و خوشحال کردی همان‌طور که تو مرا همیشه خوشحال می‌نمایی خداوند رئوف شما را به وسیله بهشت مسرور فرماید. آن طوری که من از تو راضی هستم خداوند از تو خشنود باشد.»<sup>۲</sup>

---

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۳۱۱: «بسم الله الرحمن الرحيم. یا علی! احسن الله جزاک و اسکنک جنته و منعک من الخزی فی الدنيا و الآخرة و حشرک الله معنا، یا علی قد بلوت و خیرتک فی النصیحة و الطاعة و الخدمة و التوقیر و القیام بما یجب علیک، فلو قلت: انی لم ارمثلک لرجوت ان اکون صادقاً، فجزاک الله جنات الفردوس نزلاً، و ما خفی علی مقامک و لا خدمتک فی الحرّ و البرد و اللیل و النهار، فاسأل الله اذا جمع الخلائق للقیامة ان یحبوک برحمة تغتبط بها، انه سمیع الدعاء»

۲. همان.



امام مهدی علیه السلام نیز شیعیان بحران زده‌ی عصر حیرت (غیبت صغرا) را چنان مورد لطف و عنایت قرار می‌دهد که تمام دسته‌جات پراکنده را به یک گروه متحد و منسجم مبدل می‌سازد.

بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام شیعیان تبدیل به فرقه‌ها و گروه‌هایی شدند که در تاریخ تعداد آن دسته‌جات را بین ۱۴ تا ۲۰ فرقه نام برده‌اند.<sup>۱</sup>

تلاش‌های شبانه‌روزی امام مهدی علیه السلام در طول ۶۹ سال غیبت صغرا سبب شد که همه معتقد به یک اصل شوند. شیخ مفید در سال ۳۷۳ قمری می‌نویسد: «در زمان ما، هیچ اثری از این گروه‌ها باقی نمانده است و همه از بین رفته‌اند.»<sup>۲</sup> ضمن آنکه کار امام مهدی علیه السلام از امام جواد علیه السلام از جهت برخی بستگان سخت‌تر بوده است.

اگر رهبر یک نهضت، بستگان و پشتیبان داشته باشد، خطرها و آسیب‌های آن نهضت کمتر می‌شود، و چنانچه نزدیکان یار و همدل و همراه باشند، اهداف نهضت سریع‌تر و بهتر پیش می‌رود، اگر چه امام و رهبر، یگانه و تنها هم باشد، نهضتش را به بهترین نحو، رهبری نموده و اهداف و میثاقش را به اجرا می‌گذارد. تمام این مسئله برای بازتاب

۱. رک فرق الشیعة، نوبختی ص ۷۵، مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۵۷۲.

۲. الفصول المختاره، ص ۳۲۱.



بیرونی مطرح است. لذا اگر در صدر اسلام، تمام بستگان پیامبر ﷺ توفیق یاری اسلام را پیدا می‌کردند، اجرای اهداف پیامبر سریع‌تر و بهتر صورت می‌گرفت.

در عصر امامت امام جواد علیه السلام عموی پدر گرامی‌اش سرباز است<sup>۱</sup> ولی در عصر امامت امام مهدی علیه السلام عموی او سرباز است. و الان که هر دو عصر را پشت سر نهاده‌ایم، بهترین رهیافت آن دوران این است که اگر سرباز یا سرباز امام باشیم، برای امامت تفاوت چندانی وجود ندارد، ولی برای ما تفاوت از زمین تا آسمان بلکه بیشتر است.

عموی پدر امام جواد علیه السلام شخصیتی است که علاوه بر شناخت مقام ولایت، خود را خادم و جان نثار امامش قرار می‌دهد.

«محمد بن حسن بن عمار» می‌گوید: دو سال در مدینه خدمت «علی بن جعفر» می‌رفتم و او روایاتی که از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیده بود برایم می‌گفت و می‌نوشتم، یک روز در مسجد پیامبر ﷺ نزد او نشسته بودم، امام جواد علیه السلام وارد شد. علی بن جعفر بدون کفش و ردا از جا بلند شد و دست آن حضرت را بوسید و تعظیم کرد. امام به او فرمود: ای عمو بنشین خدا تو را رحمت کند. عرض کرد: سرور من چگونه

---

۱. درباره عموهای امام جواد به موسوعة الامام الجواد، ج ۱، ص ۵۵ مراجعه نمایید.



بنشینم در حالی که شما ایستاده‌اید؟ هنگامی که علی بن جعفر به جای خود بازگشت. یاران و معاشرانش او را سرزنش کردند که تو عموی پدر او هستی و اینگونه او را احترام می‌کنی.

علی بن جعفر گفت: ساکت باشید. در حالی که خدای عزیز و جلیل این ریش سفید را - و بر محاسن خود دست نهاد - سزاوار امامت ندیده و این جوان را سزاوار یافته و امام قرار داده [می‌خواهید]، فضیلت او را انکار کنم؟ از آنچه می‌گویید به خدا پناه می‌برم بلکه من بندهٔ اویم.<sup>۱</sup>

این عمو عاشق امام جواد علیه السلام بود. وقتی آن شخص قیافه‌شناس، امام را به درستی شناخت و معرفی کرد علی بن جعفر برخاست و لب امام جواد علیه السلام را چنان بوسید که آب دهان حضرتش را نیز مکید و عرض کرد: نزد خدا گواهی می‌دهم که تو امام من هستی.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۶۶؛ «عن محمد بن الحسن بن عمار قال: كنت عند علي بن جعفر بن محمد جالساً بالمدينة، وكنت اقمته عنده، سنتين اكتب عنه ما يسمع من اخيه، إذ دخل عليه ابو جعفر محمد بن علي الرضا عليه السلام المسجد، فوثب علي ابن جعفر بلا خذاء ولا رداء، فقبل يده و عظمه. فقال له ابو جعفر عليه السلام: يا عم! اجلس رحمك الله! فقال: يا سيدي! كيف اجلس و أنت قائم؟ فلما رجع علي بن جعفر الي مجلسه، جعل اصحابه يوبخونه، و يقولون: انت عم ابيه و انت تفعل به هذا الفعل؟ فقال: اسكتوا إذا كان الله عزوجل - و قبض علي لحيته - لم يؤهل هذه الشيبة و أهل هذا الفتى، و وضعه حيث وضعه، انكر فضله؟ نعوذ بالله مما تقولون، بل انا له عبد.

۲. همان، ج ۱۴: «... قال علي بن جعفر: فقمتم فمصصت ريق ابي جعفر عليه السلام ثم قلت له: اشهد انك امامي عند الله...»

آنقدر عاشق امامش بود که وقتی طیب برای معالجه امام قصد رگزنی داشت، بلند شد و گفت: آقای من! از من شروع کند تا من قبل از شما تیزی آهن را بچشم...

و چون امام جواد علیه السلام برخاست تا برود، علی بن جعفر بلند شد و کفش‌های او را جفت کرد تا آن حضرت بپوشد<sup>۱</sup> و هنگامی که یکی از واقفیها به امام جواد علیه السلام جسارت کرد، بی تفاوت از کنار قضیه نگذشت بلکه با او درگیر شد و گفت: «چه قصدی داری؟ خداوند او را سزاوار امامت دانست و من پیرمرد را لایق ندانست.»<sup>۲</sup>

اما عموی امام زمان علیه السلام با توجه به شرایط دوران امام مهدی علیه السلام به جای آن که یار امام باشد، درد سر شده بود، و اقداماتی انجام داد که در شأن او نبود و سبب شد که عده‌ای به امامت او تن در دهند<sup>۳</sup> مهم‌ترین اقدامات او عبارت است از:

۱. رجال کشی، ص ۴۲۹، ح ۸۰۴، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۶۴، ج ۵۰، ص ۱۰۴، موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۶۵ «... و دنا الطیب ليقطع له العرق، فقام علی بن جعفر، فقال: یا سیدی! یبدأ بی لیکون حدة الحديد بی قبلک. قال: قلت: یهتک هذا عمّ ایبه قال: فقطع له العرق: ثم اراد ابو جعفر علیه السلام النهوض، فقام علی بن جعفر علیه السلام فسوی له نعلیه حتی لیسهما»

۲. رجال کشی، ص ۴۲۹، ح ۸۰۳، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۶۳: «اخذ بلحیة فرفعها الی السماء، ثم قال: فما حیلتی کان الله رآه أهلاً لهذا و لم یر هذه الشیبة لهذا أهلاً»

۳. تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی و دیگران، ص ۲۷۹، آنان که به امامت جعفر پسر امام هادی علیه السلام اعتقاد داشتند به چهار گروه تقسیم کرده و بحث مناسبی ارائه داده است.



الف: بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام قصد داشت بر پیکر امام نماز بخواند که امام مهدی علیه السلام به او فرمود: ای عموا! کنار برو، من شایسته‌ترم که بر جنازه‌ی پدرم نماز بخوانم.<sup>۱</sup>

ب: در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام علیه السلام را تصاحب کند. او گفت: برادرش ابومحمد علیه السلام فرزندی ندارد و تنها وارث برادر اوست، حکومت هم اجازه داد تا بر اموال امام علیه السلام مسلط شود.<sup>۲</sup>

ج: جعفر به وزیر عباسی «عبید الله بن یحیی بن خاقان» گفت: مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می‌پردازم. وزیر در پاسخ به این خواسته‌ی جعفر گفت: ای احمق! سلطان برای کسانی که گمان می‌کنند پدر و برادر تو امام بودند شمشیرش را آماده کرده است، با این وجود موفق نشده است آنان را از این عقیده منصرف نماید، اگر تو نزد شیعیان از همان مقام پدر و برادرت بهره‌مند هستی، نیازی به تأیید سلطان و یا غیر سلطان نداری و اگر آن مقام را نداری سلطان نمی‌تواند این مقام را به تو بدهد.

---

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۷۵: «تَأخَّرَ يَا عَمُّ! فَاِنَا اِحِقُّ بِالصَّلَاةِ عَلٰی اَبِي» از کلمه «تَأخَّرَ» علاوه بر کنار ایستادن می‌توان استفاده کرد که شما هم باید نماز را پشت سر من بخوانی.  
 ۲. کافی، ج ۱، ص ۵۰۵، نقل از تاریخ عصر غیبت، ص ۲۶۲.



سپس وزیر او را مورد اهانت قرار داد و دیگر اجازه نداد که جعفر به نزدش برود. او پس از ناامیدی از وزیر، به نزد سلطان رفت و این خواسته را با او در میان گذاشت و مانند همان پاسخ را از خلیفه عباسی نیز دریافت نمود.<sup>۱</sup>

د: جعفر با علم به وجود امام مهدی علیه السلام دستگاه بنی العباس را بر علیه او تحریک می کرد. حتی گروه قمی ها که از تسلیم پول ها به جعفر خودداری کرده بودند، نیز از تیر سعایت او در امان نماندند، و جعفر از خلیفه خواست، تا آنها را زندانی کند، اما خلیفه به خواسته ی وی پاسخ منفی داد و هنگامی که امام مهدی علیه السلام خادمش را به سوی آنان به خارج شهر فرستاد و با دادن نشانی و گزارش هایی که حضرت بیان داشت، آنان اموال را تحویل دادند.

جعفر مجدداً به نزد معتمد خلیفه ی عباسی رفت و گفت: گروه قمی ها اموال را به مهدی علیه السلام تحویل داده اند. به این ترتیب مقدمات هجوم به بیت امام علیه السلام فراهم شد. آنان منزل امام را غارت کردند، امام علیه السلام از غفلت آنان استفاده کرد و از منزل خارج شد، اما مادر گرامی حضرت را دستگیر و بازجویی کردند و...<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۰۵، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۹، تاریخ عصر غیبت، ص ۲۶۳.

۲. تاریخ عصر غیبت، ص ۲۶۳.



تاریخ همیشه تکرار می‌شود. در زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله عموی او کاری می‌کند که سوره تبت در نکوهش او نازل می‌شود و از سوی دیگر سلمان فارسی کاری می‌کند که مدال «سلمان منّا اهل البیت» را می‌گیرد. امروزه ما نیز با گرایش و عمل کرد خود یا دوست و سرباز امام زمان علیه السلام هستیم و یا دشمن و سربار او هستیم. ولی بدانیم «زمستان می‌گذرد و روسیاهیش برای زغال می‌ماند».

### امام جواد علیه السلام زمینه‌ساز امامت امام مهدی علیه السلام

یکی از قضایایی که در طول نظام هستی برای آن زمینه‌سازی‌های مهم و متفاوتی صورت گرفته است تا انسان‌ها از مدار آن و مسیر هدایت به آن خارج نشوند؛ مسئله امامت و به طور خاص بحث مهدویت است. وصایتی که برای بعضی از انبیاء مطرح است، و پیامبر اسلام با یادآور شدن آن، وصی خود را معرفی می‌کند، بیان‌کننده اصالت خلافت و ولایت است.

و از سوی دیگر هنگامی که در همین کتاب فعلی اهل کتاب (تورات، انجیل، زبور و سایر کتاب‌های ادیان دیگر)، سخن از منجی آخرالزمان مطرح است، و نظریه منجی مشترک در ادیان، نجات تطبیقی، آینده‌ی واحد، و موعود امت‌ها طرح و بحث می‌شود، روشن می‌شود که تمام تاریخ مقدمه و زمینه برای حضور امام مهدی علیه السلام بوده است.





امامت امام جواد علیه السلام هم اولین تجربه شیعه برای امامت در سنین کودکی است. اگر چه در امت‌های پیشین، وجود حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام زمینه‌ی مناسب و مهمی برای امامت امام جواد علیه السلام است. ولی تمام این مسائل، به جهت فراهم شدن بهترین زمینه برای امامت امام مهدی علیه السلام است گویا زمینه‌سازی برای امامت در سنین کودکی در خاندان عصمت و طهارت از زمان امام صادق علیه السلام شروع شده است. ابوبصیر می‌گوید: برای امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که پسر بچه‌ی پنج ساله‌ای مرا گرفته بود.<sup>۱</sup> پس امام فرمود:

چگونه خواهید بود زمانی که همانند سنین این پسر، حجت (خدا) بر شما گردد.

یا فرمود:

به زودی در همانند سنین او، کسی بر شما ولایت خواهد یافت.<sup>۲</sup>

۱. ابوبصیر نابینا بود، لذا شاید آن کودک به این جهت دست او را گرفته بود.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۳، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۲ «قال ابوبصیر: دخلت الیه و معی غلام خماسی لم یبلغ فقال لی: کیف انتم اذا احتج علیکم بمثل سنه؟ او قال: سیلی علیکم بمثل سنه» علامه مجلسی درباره خماسی می‌نویسد: «الخماسی: من کان طوله خمسة اشبار، كما ذكره اللغویون، و قد يطلق فی العرف علی من له خمس سنین فعلى الاول اشارة الى الجواد علیه السلام و علی الثانی الى القائم علیه السلام مع انه یحتمل ان یكون التشبیه فی محض عدم البلوغ.»



بنابراین زندگانی پیامبرانی مانند حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام و فرمایش صادق آل محمد علیهم السلام زمینه‌ای برای امامت امام جواد علیه السلام است که بعد از آن نیز فرزند او علیه السلام امام هادی علیه السلام هم در همین سن و سال به مقام والای امامت نائل می‌شوند و تمام این زمینه‌سازی‌ها برای امامت آخرین امام هستی است.

لازم به ذکر است که این مسئله (امامت در سنین کودکی) یکی از راه‌های اثبات حقانیت شیعه است. زیرا در هیچ جای جهان و هیچ مکتب و مذهبی، سراغ نداریم که زعامت خود را به یک نابالغ سپرده باشند و بعد از آن، منقرض نشده باشند و اگر سپرده باشند، بی‌شک در گرداب و هجمه‌های زمان سربلند بیرون نیامده است. تنها شیعه است که سه تن از رهبران و امامان (امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام) آن کودک بودند. هر مکتبی با آن فشارها و دشمنی‌هایی که شیعه با آن روبه‌رو بوده درگیر می‌شد، از صفحه هستی زدوده شده و در صفحات تاریخ باید نام آنها را دید. اما شیعه در دوران آغاز امامت امام جواد علیه السلام از دو سو مورد تهاجم قرار گرفت و امام جواد علیه السلام هر دو جهت و جبهه را پاسخ داد.

#### الف: مقابله با جلسات فتنه

دستگاه حکومت عباسیان که حضور معصومان را برای تثبیت حکومت خود تهدید می‌پنداشتند، برای مخدوش کردن چهره‌ی امام از



هیچ اقدامی فروگذار نبودند. داناترین، زیرک‌ترین، مکارترین و سیاست مدارترین خلیفه‌ی عباسی، مأمون<sup>۱</sup> برای دور کردن مردم از کانون هدایت و حذف امامت، با برگزاری جلسات (علمی و پرسش و پاسخ) قصد داشت مذهب شیعه را به حافظه‌ی تاریخ بسپارد.

برخی گفته‌اند: «مأمون درباره‌ی<sup>۲</sup> امام جواد<sup>علیه السلام</sup> دست به هر حيله‌ای زد ولی به هیچ نتیجه‌ای نرسید.»<sup>۳</sup>

مأمون بهترین فرصت برای ضربه زدن به پیکر شیعه و شجره‌ی طوبی امامت را در همین ایام می‌دانست او گمان می‌کرد امام جواد<sup>علیه السلام</sup> در مدت کمی که در کنار پدرش زندگی کرده است، علوم و معارف کافی را کسب نکرده است و نمی‌تواند به مسائل پیچیده و مشکل جواب بدهد. لذا از یحیی بن اکثم می‌خواهد با طرح سوالات پیچیده و غیر قابل جواب در حضور بزرگان، فرماندهان درباریان و دیگران طعم شکست را به امام<sup>علیه السلام</sup> بچشانند.

---

۱. مأمون کسی است که بالای سر هر کسی یک خبرچین داشت و کنیزکان را برای جاسوسی به هر کس می‌خواست هدیه می‌داد. زندگانی سیاسی امام جواد<sup>علیه السلام</sup>، ص ۶۹، به نقل از تاریخ التمدن الاسلامی، ج ۲، ص ۴۴۱ ۵۴۹، العقد الفرید، ج ۱، ص ۱۲۸، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۱۴. این روایت از معلی بن محمد نیز روایت شده است. کافی، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۴۱۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۱۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۹۶، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۱.



ولی پاسخ‌های همه جانبه، دقیق و قاطع امام به مسائل مطرح شده، جریان را برعکس ساخت و عظمت را بر همگان حتی دشمنان آشکار ساخت.<sup>۱</sup>

یحیی بن اکثم مانند مار زخم خورده قصد انتقام می‌کند و با رضایت قطعی و موافقت صد درصد مأمون در اقدام جسورانه به طرح سوالات سیاسی و شبهات حساس می‌پردازد.

او از امام جواد علیه السلام می‌پرسد: یا بن رسول الله! درباره‌ی این روایت چه می‌فرمایید: جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: خدا سلامت می‌رساند و می‌فرماید: من از ابوبکر راضی هستم، از او بپرس آیا او هم از من راضی است؟

امام جواد علیه السلام فرمود:

...درباره فضیلت ابوبکر کسی که این خبر را نقل می‌کند لازم است به روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله توجه داشته باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود:

کسانی که بر من دروغ می‌بندند بسیار شده‌اند و بعد از من نیز بسیار خواهند شد. هر کس بر من دروغ ببندد جایگاه او

۱. ر. ک موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰۰ - ۴۱۱ که مناظرات حضرت علیه السلام با مأمون، یحیی بن اکثم، معتصم و بایزید بسطامی ذکر شده است.

از آتش پر می‌شود، پس اگر حدیثی از من برای شما نقل شد، آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه که موافق کتاب خدا و سنت من بود بگیرید و آنچه را که مخالف بود رها کنید و این روایت (رضایت الهی از ابوبکر) با کتاب خدا سازگار نیست. خداوند فرموده است: «ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم در دلش چه چیز می‌گذرد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.»<sup>۱</sup>

پس آیا خشنودی و ناخشنودی ابوبکر بر خدای عزوجل پوشیده و مجهول بوده است تا از آن پرسیده باشد؟! این عقلاً محال است.

یحیی بن اکثم گفت: روایت شده که ابوبکر و عمر در زمین مانند جبرئیل و میکائیل در آسمان است امام علیه السلام فرمود:  
در این روایت نیز باید دقت شود، جبرئیل و میکائیل دو ملک مقرب هستند که هرگز گناهی نکرده و یک لحظه نیز از طاعت دست نکشیده‌اند، ولی ابوبکر و عمر به خدای عزوجل شرک ورزیده‌اند آنها بعد از شرک، اسلام آوردند و بیشتر دوران زندگی‌شان مشرک بودند. پس محال است که این دو به آن دو تشبیه شوند.



یحیی گفت: روایت شده که ابوبکر و عمر دو آقای پیران بهشتند. در این باره چه می فرمایید؟  
امام فرمود:

این روایت صحیح نیست. زیرا تمامی بهشتیان جوان هستند و پیر در میان آنان نیست. این روایت را بنی امیه در مقابل روایتی درست کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند.

یحیی گفت: روایت شده که عمر بن خطاب چراغ اهل بهشت است.  
امام جواد علیه السلام فرمود:

این نیز درست نیست. زیرا در بهشت ملائکه مقرب خدا، آدم، محمد صلی الله علیه و آله و همه انبیاء و مرسلین حضور دارند. چطور بهشت به نور هیچ یک از آنان روشن نمی شود ولی به نور عمر روشن می شود؟!

یحیی گفت: روایت شده که: «سکینه»<sup>۱</sup> به زبان عمر سخن می گوید.

امام جواد علیه السلام فرمود: ... شما که معتقدید ابوبکر افضل از عمر بود، همو بالای منبر گفت: من شیطان دارم که مرا منحرف می کند، هر گاه از راه راست منحرف شدم، مرا استوار سازید.

یحیی گفت: روایت شده که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر من به پیامبری مبعوث نمی شدم، عمر مبعوث می شد.

---

۱. سکینه به معنای آرامش است و در آیات قرآن مانند آیه ۴۰ در سوره توبه خداوند متعال بر پیامبر آرامش می فرستاد.



امام جواد علیه السلام فرمود:

کتاب خداوند متعال از این روایت راست تر است. خداوند متعال می فرماید: «و آنگاه که از پیامبران و از تو و از نوح پیمان گرفتیم.»<sup>۱</sup> پس خداوند متعال از پیامبران پیمان گرفته است. پس چگونه خدا کسی را به پیامبری مبعوث کند که به خدا شرک ورزیده و بیشتر روزگار خویش را با شرک به خدا گذرانده است و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در حالی که آدم بین روح و جسد بود (هنوز آفریده نشده بود) من پیامبر شدم.

یحیی گفت: روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز وحی از من قطع نشد مگر آنکه گمان بردم که بر آل خطاب نازل شده است.

امام جواد علیه السلام فرمود:

این نیز محال است؛ زیرا جایز نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله در نبوت خود شک کرده باشد، خداوند متعال می فرماید: «خدا از ملائکه و از مردم پیامبرانی برمیگزیند.»<sup>۲</sup> پس چگونه ممکن است که نبوت از کسی که خدایش برگزیده به کسی که به خدا شرک ورزیده منتقل شود؟!

۱. سوره احزاب، آیه ۷.

۲. حج، ۷۵.



یحیی گفت: روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: اگر عذاب فرود می‌آید کسی جز عمر از آن نجات نمی‌یافت.  
امام جواد علیه السلام فرمود:

این هم محال است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «خداوند آنان را عذاب نمی‌کند در حالی که شما (پیامبر) در میان آنان هستی و خداوند آنان را عذاب نمی‌کند تا زمانی که از خداوند طلب بخشش می‌کنند» پس خدای سبحان خبر داده است تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در میان آنان است و تا زمانی که استغفار می‌کنند ایشان را عذاب نمی‌کند.

در این مناظره بی‌نظیر، امام علیه السلام آنچنان جلسه را اداره کرد که مأمون و دانشمند دربارش یحیی، نه تنها کوچک‌ترین سودی نبردند، بلکه جایگاه اهل بیت علیهم السلام روشن‌تر شد. امام علیه السلام با استدلال به آیات شریفه قرآن کریم، تمام فضائل دروغین خلفاء را نقش بر آب ساخت.

اگر امام آشکارا فضائل ساختگی خلفا را انکار نمی‌کند، قصد دارد با استفاده از تاکتیک تقیه، بحران و موج فتنه را پشت سر گذاشته و در بهترین فرصت، روشن‌گری و هدایت نماید. شاگردان ائمه علیهم السلام نیز از این تاکتیک قرآنی بهترین سودها جسته‌اند.



حسین بن روح در مجلسی به جهت تقیّه، خلفا را به نیکی یاد می‌کند و این امر، سبب لبخند یکی از دوستانش می‌شود. حسین به او تذکر می‌دهد که چرا خندیدی؟ این کار تو خلاف تقیّه است.<sup>۱</sup>

او در رعایت و حفظ تقیّه، یکی از خدمت‌گذاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن کرد، اخراج کرد.<sup>۲</sup>

### ب: پاسخ به شبهات

صاحبان مسالک و مذاهب که در جهت رشد و بالندگی خود و آشکار کردن ضعف‌ها و نواقص یکدیگر سعی و کوشش می‌کردند با پشتوانه حکومت به القاء شبهه و طرح سوال، سعی در حذف شیعه داشتند. معتزله با پشتوانه حکومت عباسیان، دوران امامت امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام را بهترین فرصت برای از بین بردن شیعه می‌پنداشتند، لذا با تمام توان وارد میدان شدند.

یکی از شبهاتی که برای تزلزل شیعه به آن خیلی دامن زده می‌شد، امامت در سنین کودکی بود.

۱. غیبت طوسی، ص ۳۸۴، ح ۳۴۷.

۲. همان، ص ۳۸۵، ح ۳۴۸.



شخصی به حالت پرسش به امام جواد علیه السلام عرض کرد: آنها درباره کمی سن شما گفتگو می کنند؟  
امام فرمود:

خداوند به داود وحی فرستاد که سلیمان را جانشین خود قرار دهد در حالی که سلیمان کودکی بود که گوسفند به چرا می برد.<sup>۱</sup>

علی بن حسان هم به آن حضرت عرض کرد: آقای من! مردم خردسالی را بر شما خرده می گیرند.  
امام فرمود:

آنها از کلام خداوند چه خرده ای می گیرند که می فرماید:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»<sup>۲</sup>

به خدا قسم! جز علی علیه السلام که در آن زمان نه سال داشت کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی نکرده بود، و من هم نه سال دارم.<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۸۴، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۱؛ موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰۰  
«یا سیدی! ان الناس ینکرون علیک حدیثه سنک! فقال علیه السلام و ما ینکرون من ذلک قول الله عزوجل...  
فوالله! ما تبعه الا علی علیه السلام و له تسع سنین و انا ابن تسع سنین»



امام جواد علیه السلام در برابر این فشارهای دو سویه‌ی سهمگین، شیعه را سرپرستی و از مهلکه‌ها نجات داد. علی بن اسباط می‌گوید: امام جواد علیه السلام به طرف من می‌آمد و من به سراپای او نگاه می‌کردم تا او را برای دوستان خود در مصر توصیف کنم. من در این فکر بودم تا اینکه امام نشست و فرمود:

ای علی! همانا خداوند متعال درباره‌ی امامت حجت آورده، چنانچه درباره‌ی نبوت حجت آورده و فرمود:

وَأَتَيْنَاهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا<sup>۱</sup>

در کودکی به او حکم دادیم.  
و فرمود:

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ<sup>۲</sup>

چون به حد توان رسید.  
و فرمود:

وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً<sup>۳</sup>

چون به چهل سالگی رسید

۱. سوره مریم، آیه ۱۲.

۲. سوره یوسف، آیه ۲۲.

۳. سوره احقاف، آیه ۱۵.



پس رواست به امام در کودکی «حکم» داده شود، همان طوری که در چهل سالگی رواست.<sup>۱</sup>

امام مهدی علیه السلام نیز در آغاز امامت تاکنون، فتنه‌ها و شبهات علیه شیعه را خنثی نموده است. غیبت صفرا که هم‌زمان با حکومت شش خلیفه عباسی (معتضد، معتضد، مکفی، مقتدر، قاهر و راضی) بود، بر شیعیان خیلی سخت و گران بود، اگرچه آن دوران به موازات سختی‌های گذشته بود، اما به جهت وضعیت اجتماعی، دوران اسفناک و ناهنجاری بود و به لحاظ فکری نیز همان زمان با پیدایش مکتب اشعری است.<sup>۲</sup>

یکی از وظایف خطیر امام هر زمانی حفظ و پاسداری از دین خداست. روایات، شأن امام را جلوگیری از تحریف دین و حفظ از تأویل بیان فرموده است<sup>۳</sup> و امام مهدی علیه السلام نیز با وجود غیبت، به این مسئله کاملاً عنایت داشته و از دین الهی حمایت می‌کند و نمی‌گذارد فتنه‌ها و

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۴؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۷؛ موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۸ «علی بن اسباط، قال: رایت اباجعفر علیه السلام و قد خرج علیاً فأخذت النظر الیه، و جعلت انظر الی رأسه و رجلیه لاصف قامته لاصحابنا لمصر. فیینا انا کذلک حتی قعد، فقال: یا علی! ان الله احتج فی الامامة بمثل ما احتج به فی النبوة فقال وَاَتَيْنَهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا [مریم-۱۲] وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ [یوسف-۲۲] وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً [احقاف-۱۵] فقد يجوز ان یوتی الحکمة و هو صبی، و يجوز ان یوتاهها و هو ابن اربعین سنة»

۲. برای آشنایی با وضعیت فکری، سیاسی و اجتماعی شیعه در عصر غیبت صفرا رک تاریخ عصر غیبت، یورسید آقایی، جباری، عاشوری و حکیم.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲: «ان فی کل خلف من امتی عدلا من اهل بیتی ینفی عن هذا الدین تحریف الغالین...»

شبهات، اصل دین و مذهب شیعه را نابود کند<sup>۱</sup> و یکی از ابزار و شیوه‌های حفظ دین، توصیه و تأکید بر نائبان، سفیران و وکیلان است.

## سازمان وکالت

نهاد سفارت و سازمان وکالت که پایه‌های نخستین آن در عصر امامت امام جعفر صادق علیه السلام پیریزی<sup>۲</sup> و در دوران امام رضا علیه السلام بسط و گسترش یافته بود، با امامت امام جواد علیه السلام دچار تزلزل و تردید شد. زیرا با تمام تلاش‌های امام رضا علیه السلام جهت معرفی مقام امام، برخی امامت در سنین کودکی را نمی‌توانستند، تحمل کنند، لذا دچار حیرت و سردرگمی شدند.

بهترین ملجاء در زمان حیرت، سازمان وکالت بود، لذا پس از شهادت امام رضا علیه السلام همین سازمان بود که سران شیعه را در خانه «عبدالرحمن بن حجاج» در بغداد گردآورد<sup>۳</sup> و پس از شهادت امام جواد علیه السلام نیز منزل وکیل برجسته آن جناب یعنی «محمد بن فرج» محل تجمع سران شیعه شد تا درباره امر امامت امام هادی علیه السلام گفتگو کنند.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک. تلاشگر پنهان، از همین قلم.

۲. ر.ک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، محمدرضا جباری.

۳. اثبات الوصیة، ص ۲۱۳.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۴.



بنابراین جایگاه و نقش و کالت، سفارت و نیابت بسیار حائز اهمیت بوده است و ائمه علیهم السلام با کوچک‌ترین انحراف در این سازمان برخورد شدید و مناسب داشتند. در عصر امام جواد علیه السلام فردی به نام «احمد بن محمد سیّاری» مدعی نیابت شد، آن حضرت، طی توقیعی، بطلان دعوی وی را به برخی از شیعیان ابلاغ فرمود.<sup>۱</sup>

این سازمان در آغاز امامت امام جواد علیه السلام با طرح سوالاتی کوشید تا میزان آگاهی امام جواد علیه السلام را بیازمایند، و برخی منحرف شده و بقیه قانع شدند که علم امام جواد علیه السلام جنبه استثنایی دارد و او می‌تواند با سن کم، واجد شرایط امامت باشد، از این رو، امور سازمان را ادامه دادند و مبلغینی را از کوفه و مدینه به استان‌های مختلف فرستادند.<sup>۲</sup>

بنا به نقل نجاشی، بسیاری از محدثین کوفه همچون محمد بن محمد بن اشعث، احمد بن سهل، حسین بن علی مصری و اسماعیل بن موسی کاظم به مصر مهاجرت کردند و فعالیت‌های خود را در آنجا ادامه دادند. از جمله فعالیت‌های آنها این بود که احادیث درباره امام مهدی علیه السلام و اینکه او از نسل امام حسین علیه السلام است را نشر می‌دادند.<sup>۳</sup>

۱. رجال کنی، ص ۶۰۶، ح ۱۱۲۸.

۲. ر. ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ص ۷۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۹۴.



امام جواد علیه السلام در رشد فعالیت این سازمان نقش بسزایی داشتند، زیرا این سازمان برای حیرت در زمان امام هادی علیه السلام و خصوصا امام مهدی علیه السلام باید به حد تکامل می‌رسید، لذا در سراسر حیطه حکومت مأمون، وکلایی را اعزام کرد<sup>۱</sup> و به هواداران خود نیز اجازه داد در دستگاه حکومت عباسیان وارد شده و فعالیت کنند.

---

۱. جاسم حسین در کتابش استان‌های اهواز، همدان، سیستان، ری، بصره، بغداد، کوفه و قم را با شواهدی بیان نموده است. نک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۹.

## بخش دوم: مهدویت در کلام امام جواد علیه السلام

یکی از علت‌های ضروری بودن طرح مباحث مهدویت، سخنان و سفارشات معصومین علیهم السلام در این باره است، همه‌ی معصومین چشم به دولت امام مهدی علیه السلام دوخته‌اند، و در زمان زندگیشان یاد و نام او بر لبانشان نقش بسته بود.

با توجه به نزدیک بودن ولادت و امامت و غیبت امام مهدی علیه السلام به عصر امامت امام جواد علیه السلام که حدود شصت سال می‌شود. ایشان نیز سخنانی مهم و کاربردی در این زمینه داشته‌اند که محدثین و علمای دین آنها را در کتاب‌های خویش برای ما به یادگار نهاده‌اند.

در یک نگاه کلی به روایات مهدوی امام جواد علیه السلام مشخص می‌شود، مهم‌ترین موضوعات آن عبارت است از:

۱- تولد

۲- نسب





۳- نام حضرت و علت‌های آن

۴- انتظار، وظایف منتظران

۵- غیبت، ویژگی‌های آن

۶- ویژگی یاران

۷- ظهور و علایم آن

۸- دعا

۹- رجعت

### روایت اول

صَقْرُ بن اَبی دَلْف نقل می‌کند که از امام جواد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: امام بعد از من پسر من علی است، امرش امر من و سخن او سخن من و اطاعت از او، اطاعت از من است و امام بعد از او پسرش حسن است که امر او امر پدرش و سخن او سخن پدرش و اطاعت از او پیروی از پدرش می‌باشد. سپس سکوت کرد.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام بعد از حسن کیست؟

امام جواد علیه السلام گریه شدیدی کرد و فرمود:

«همانا امام بعد از حسن پسرش که قائم به حق منتظر

است.»

پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! برای چه قائم خوانده می‌شود؟ فرمود:

«برای آنکه او بعد از فراموش شدن نامش و مرتد شدن اکثر

قائلان به امامتش قیام می‌کند.»



پرسیدم: برای چه منتظر نامیده می‌شود؟ فرمود:

«همانا برای او غیبتی است که روزهای آن زیاد و مدت آن طولانی می‌شود، پس مخلصان انتظارش را می‌کشند و افراد شکاک انکارش می‌کنند و منکران، اعتقاد به او را مسخره می‌کنند و کسانی که وقت مشخص می‌کنند، دروغ گویند و عجله کنندگان در عصر غیبت هلاک می‌شوند و تسلیم شدگان در برابر قضای الهی در عصر غیبت نجات می‌یابند.»<sup>۱</sup>

در این روایت نورانی یازده فراز مهم و اساسی وجود دارد که به آنها

اشاره می‌شود:

---

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۷۲: «حدثنا عبدالواحد بن محمد بن العبدوس العطار (رضی الله عنه) قال: حدثنا علی بن محمد بن قتیبه النیسابوری قال: حدثنا حمدان بن سلیمان قال: حدثنا الصقر بن ابی دلف قال: سمعت ابا جعفر محمد بن علی الرضا علیه السلام يقول: ان الامام بعدی ابنی علی، امره امری، و قوله قولی، و طاعته طاعتی، و الامام بعده ابنه الحسن، امره امر ایبه، و قوله قول ایبه، و طاعته طاعة ایبه، ثم سکت. فقلت له: یا ابن رسول الله فمن الامام بعد الحسن؟ فبکی علیه السلام بکاء شديداً، ثم قال: ان من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر فقلت له: یا ابن رسول الله لم سمي القائم؟ قال: لانه يقوم بعد موت ذكره و ارتداد اكثر القائلين بامامته، فقلت له: و لم سمي المنتظر؟ قال: لان له غيبة يكثر أيامها و يطول أمدها فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون و يستهزى بذكره الجاحدون، و يكذب فيها الوقاتون، و يهلك فيها المستعجلون، و ينجو فيها المسلمون.»



## ۱- اطاعت از امام

با توجه به آن که تمام انبیاء و اوصیاء گرامیشان از جانب خداوند متعال برگزیده شده‌اند حرف و سخن همه یکی است و کوچک‌ترین اختلافی در این زمینه با هم ندارند.

پیامبران الهی و یادگاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز هیچ گونه اختلافی در مبانی آنها وجود ندارد. در این روایت هم امام جواد علیه السلام دستور و اطاعت از ائمه را از یکدیگر جدا ندانسته و تاکید دارند که اطاعت از امام بر حق زمان، اطاعت از سلف صالح و امام بر حق پیشین و پسین است.

## ۲- ندبه

یکی از سیره‌های مشترک ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به امام مهدی علیه السلام شور و اشتیاق و ندبه است.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

همه اهل آسمان و زمین، همه عاشقان و دل‌باختگان، و همه دردمندان و دل‌سوختگان برای او گریه می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: با دعای ندبه در نگاه جمعه، استاد علی اکبر مهدی پور.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲. «... عند فقدان الشیعه الثالث

من ولدی یکی علیه اهل السماء و اهل الارض و کل حرّی و حرّان و کلّ حزین لهفان...»



حضرت صادق علیه السلام آن قدر در فراق حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، اشک ریخته که جز خدا نمی‌داند. «سدر صیرفی» می‌گوید: با همراهی «مفضل»، «ابوبصیر» و «ابان» به محضر مقدس امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، او را مشاهده کردیم که بر روی خاک‌ها نشسته، یک جامه خیبری، بی‌یقه و آستین کوتاه بر تن دارد، همانند مادر فرزند مرده گریه می‌کند، سراسر وجود مقدس آقا را حزن و اندوه فرا گرفته، آثار غم و اندوه در سرو صورت ظاهر گشته، رنگ چهره به کلی دگرگون شده، سیل اشک از دلی پر خون و قلبی پر التهاب برخاسته، بر گونه‌های مبارکش فرو می‌ریخت و اینگونه زمزمه می‌کرد:

سیدی غیبتک نَفْتِ رِقَادِی، وَ ضِیْقَتِ عَلٰی مِهَادِی، وَ اَبْتَزَّتْ مَنِّی  
 راحه فوادی....

ای سید و سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده،  
 عرصه را بر من تنگ نموده، آسایش و آرامش را از دلم  
 سلب کرده است....

سدر می‌گوید: هنگامی که امام صادق علیه السلام، را این چنین پریشان دیدیم،  
 دلهایمان آتش گرفت و هوش از سرمان پرید، که چه مصیبت جانکاهی  
 بر حجت خدا روی داده؟ چه فاجعه‌ی اسفباری بر او وارد شده است؟!  
 عرض کردیم: ای فرزند بهترین خلایق! چه حادثه‌ای بر شما روی آورده  
 که این چنین سیل اشک از دیدگانتان فرو می‌ریزد؟! و اشک مبارکتان



چون ابر بهاری بر چهره‌تان سرازیر شده است؟! چه فاجعه‌ای شما را این چنین بر سوک نشانده است؟!

وجود مقدس حضرت صادق علیه السلام چون بید لرزید و نفس‌های مبارکشان به شماره افتاد، آنگاه آهی عمیق از اعماق دل برکشید و به ما روی کرد و فرمود:

امروز صبح کتاب «جفر» را نگاه می‌کردم و آن کتابی است که همه‌ی مسایل مربوط به مرگ و میرها، بلایا و حوادث را تا پایان جهان در بر دارد. این کتاب را خداوند به پیامبر خویش و پیشوایان معصوم از تبار او اختصاص داده است. در این کتاب، تولد، غیبت، طول غیبت و دیرزیستی قائم ما و گرفتاری باورداران در آن زمان، راه یافتن شک و تردید بر دل مردم در اثر طول غیبت و مرتد شدن مردم از آیین مقدس اسلام را خواندم و دیدم که چگونه رشته‌ی ولایت را که خداوند در گردن هر انسانی قرار داده، می‌گسلند و از زمره‌ی اسلام بیرون می‌روند، دلم به حال مردم آن زمان سوخت و امواج غم و اندوه بر پیکرم فرو ریخت.<sup>۱</sup>

۱. کتاب الغیبة، ص ۱۶۷.



مطالعه‌ی احوال شیعیان این زمان، این چنین امام صادق علیه السلام را دگرگون کرده، سیل اشک بر چهره‌ی مبارکشان روان ساخته، ولی ما که آن صلابت و مقاومت امام علیه السلام را نداریم، و سنگینی حوادث تلخ زمان را بر شانه‌های خود لمس می‌کنیم، چه حالی خواهیم داشت؟ اینکه آتش دلمان جهان هستی را طعمه‌ی حریق نمی‌سازد، به این دلیل است که عظمت فاجعه و عمق مصیبت را آنچنان که باید درک نمی‌کنیم.<sup>۱</sup>

### ۳- علت نامگذاری

در این روایت امام جواد علیه السلام علت لقب و نامیدن امام مهدی علیه السلام به «قائم» و «منتظر» را بیان فرموده‌اند که در آن هشدارهایی نیز آمده است: امام جواد علیه السلام علت نامیدن حضرت به «قائم» را قیام بعد از فراموش کردن نام و یاد او بیان فرموده‌اند که اشاره به آسیبی با عنوان «فراموشی یاد امام مهدی علیه السلام» است.

۱. با دعای ندبه در نگاه جمعه، ص ۲۲.



امام صادق علیه السلام علت این نام را «قیام به حق»<sup>۱</sup> و امام باقر علیه السلام قیام به عبادت»<sup>۲</sup> در عالم قبل از این عالم نیز ذکر فرموده‌اند.

در ادامه راوی از امام جواد علیه السلام می‌پرسد: چرا به امام مهدی علیه السلام «منتظر» گفته می‌شود؟ امام می‌فرماید: زیرا در غیبت او، عده‌ای مسلمان خالص انتظار حضرتش را می‌کشند.

مرحوم حاجی نوری درباره‌ی این لقب می‌نویسد: این لفظ از القاب معروف حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

در ادعیه و زیارات نیز این لقب تکرار شده است؛ مثلاً در دعای ندبه عرضه می‌داریم: «این المنتظر لاقامة الامت و العوج؟» کجاست آن امامی

۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۰ و ۲۸۲ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۴۸. «و سَمِيَ الْقَائِمَ لانه يقوم بعد ما يموت انه يقوم بأمر عظیم» و در روایت دیگری آمده است «و سَمِيَ الْقَائِمَ لقيامه بالحق». ارشاد، ص ۳۶۴، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۲. از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند: «فلم سَمِيَ الْقَائِمَ قَائِماً؟ قال: لما قتل جدی الحسين صلی الله علیه و آله ضجّت الملائكة الى الله عزوجل بالبكاء و النحيب و قالوا: الهنا و سيدنا اتغفل عن قتل صفوتک و ابن صفوتک و خيرتک من خلقک، فاوحى الله عزوجل اليهم قروا ملائکتی فوعزتی و جلالی لأنتمن منهم ولو بعد حين ثم كشف الله عزوجل عن الائمة من ولد الحسن علیه السلام للملائكة فسرت الملائكة بذلك فاذا أحدهم قائم یصلی فقال الله عزوجل: بذلك القائم أنتقم منهم.» علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۶۰ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۱۰.

۳. نجم ثاقب، باب دوم، ص ۸۸.

که همگان به منظور برطرف ساختن اساس کژی و انحراف‌ها در انتظار او به سر می‌برند؟

یا در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام آمده است: «السلام علی القائم المنتظر»؛ درود بر آن قیام‌کننده‌ای که جهانیان در انتظار اویند. امام مهدی علیه السلام هم «منتظر» است و هم «منتظر». در برخی از روایات و دعاها امام مهدی علیه السلام را با لقب «منتظر» یاد کرده است. مثلاً در دعای روز عید فطر می‌خوانیم:

اللهم صل علی ولیک المنتظر امرک؛ خدایا بر ولیّ خودت درود فرست؛ آن ولی که منتظر فرمان توست.

#### ۴- غیبت

در این روایت اشاره به اصل وقوع غیبت شده است. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «همانا برای او غیبتی است.» چرا امام جواد علیه السلام در این روایت به این مسئله تأکید فرموده‌اند؟ چرا از همه امامان علیهم السلام درباره‌ی غیبت امام مهدی علیه السلام روایاتی نقل شده است.<sup>۱</sup>

۱. ر. ک: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام همچنین در کتاب موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، از ص ۲۲۹ تا ۲۳۷ روایاتی از هر یک از معصومین علیهم السلام نقل شده است.





در پاسخ باید گفت: غیبت برای جامعه‌ی شیعه تقریباً مسئله جدیدی به حساب می‌آید، گرچه این مسئله برای انبیاء گذشته نیز صورت گرفته بود. اما در جاری شدن شط امامت و ولایت، غیبت مخصوص امام زمان علیه السلام است. لذا ائمه معصومین برای حفظ شیعه این مسئله را بیان فرموده‌اند. و رمز هدایت و پویایی شیعه در گرو پیروی از احادیث و فرامین معصومین علیهم السلام و رهبران راستین و الهی است اهل بیت علیهم السلام برای نجات شیعه از گرفتاری و تباهی‌های آخرالزمان همواره در گوش جان شیعه بیان کرده‌اند که: «آخرین حجت الهی دارای غیبت است» تا از گرداب‌هاب سهمگین نجات یابند.

## ۵- ویژگی غیبت

امام جواد علیه السلام در این روایت به طولانی بودن غیبت اشاره می‌فرماید:  
 له غیبة یكثر ایامها و یطول امدها؛ برای او غیبتی زیاد و مدتی طولانی است.  
 دانستن دو ویژگی «کثرت ایام» و «طولانی بودن زمان» برای غیبت امام زمان علیه السلام هشدار مهمی است که برای جامعه شیعه توجه به آن حائز اهمیت است.

کسب آمادگی‌های لازم، مهیا شدن برای مدت طولانی، از دست ندادن روحیه امید و نیفتادن در دایره شک و تردید و... از بهره‌های این فرمایش



است. فرض کنید به گروهی گفته شود: رهبر شما، مدت زیادی در جمع شما نیست و به گروه دیگری نیز مشابه این سخن گفته شود که: رهبر شما مدتی در جمع شما نیست. آیا آثار و نتایج این دو سخن یکی و همسان است؟ قطعاً امام جواد علیه السلام از به کار بردن واژه «کثرت» و «طولانی» برای مدت و زمان غیبت امام مهدی علیه السلام هدف و منظور خاصی داشته‌اند. که احتمال آن است فرازهای بعدی گویای این مقاصد باشد.

به عبارت دیگر در برابر این مدت طولانی شیعیان به شش گروه تقسیم می‌شوند که دو گروه (مخلصین و تسلیم شدگان) اهل نجات و چهار گروه (شکاکین، منکرین، تعیین کنندگان وقت و عجله کنندگان) اهل هلاکت می‌شوند.

## ع- انتظار

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «افراد مخلص در غیبت امام مهدی علیه السلام انتظار آن حضرت را می‌کشند» یکی از معیارهای شناخت منتظرین حقیقی، خالص بودن آنها از هر گونه شک و تردید است.

به عبارت دیگر: چرا عده‌ای منتظر امام هستند؟ و برخی هم منتظر نیستند؟ زیرا عده‌ای مخلص هستند و برخی نیستند. اگر دل و فکر کسی خالص از هر گونه انکار، تردید و شک باشد، منتظر دلدار می‌شود.



## ۷- شک

در این روایت بیان شده افرادی که به وجود و حضور امام مهدی علیه السلام شک داشته باشند سبب می‌شود او را نیز انکار کنند.

شک‌ها مقدس و نامقدسند. اگر شک سبب حرکت و رسیدن به حقیقت شود، مقدس و اگر سبب انکار و ایستا شود مایه هلاکت و نابودی است چرا امام جواد علیه السلام شک درباره امام مهدی علیه السلام را موجب انکار و هلاکت بیان فرمودند؟

زیرا مسئله مهدویت، پوشیده و دست نیافتنی نیست. اگر برای کسی در این باره شک حاصل شود، منابع رسیدن به حقیقت بسیار روشن و در دسترس است.

یکی از مسائلی که در دین اسلام از مبدأ تا معاد، روایات و احادیث فراوانی را به خود اختصاص داده است، مسئله مهدویت است. بیش از دو هزار و پانصد روایت در این باره از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است. که می‌توان مرزهای شک را پشت سر نهاد و به وادی ایمن حقیقت رسید.

## ۸ - انکار

در بین روایات مهدوی، احادیثی وجود دارد که درباره‌ی انکار امام مهدی علیه السلام قبل از ظهور و بعد از ظهور مطالبی را بیان فرموده‌اند.

امام جواد علیه السلام درباره‌ی انکار قبل از ظهور می‌فرماید: «افرادی که منکر امام مهدی علیه السلام باشند، اعتقاد به مهدویت را مسخره می‌کنند.»  
امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

... در غیبت حضرت عیسی علیه السلام یهودیان و مسیحیان بر نظریه‌ی قتل و کشته شدن او هم داستان شدند. ولی خداوند متعال آنان را تکذیب کرد و فرمود: «او را نکشتند و به دار نیاویختند و مطلب بر آنان مشتبه شد»<sup>۱</sup> غیبت امام مهدی علیه السلام هم همین گونه است، که سرانجام، این امت در اثر طولانی شدن غیبت آن را انکار می‌ورزند. بعضی از هدایت نیافتگان می‌گویند: او متولد نشده است و برخی دیگر می‌گویند: او متولد شده ولی از دنیا رفته است و گروهی هم کافر می‌شوند، به خاطر اینکه می‌گویند: یازدهمین نفر از ما، بدون فرزند بوده است و عده‌ای هم سرکش خواهند شد، زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند، برخی هم نافرمانی و گناه می‌کنند و می‌گویند: روح امام قائم علیه السلام در پیکر شخص دیگری وارد شده و سخن می‌گوید.<sup>۲</sup>

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۴، ب ۳۳، ح ۵۱ «و اما غیبة عیسی علیه السلام فان اليهود و النصارى اتفقت علی انه قتل و کذبهم الله عزوجل بقوله «و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم» کذلک غیبة القائم علیه السلام فان الامة تنکرها [لطولها] فمن قائل بغير هدی بانه لم یولد و قائل یقول: انه ولد و مات و قائل یکفر بقوله ان حادی عشرنا کان عقیما و قائل یرق بقوله انه یتعدی الی ثالث عشر فصاعدا و قائل یعصی الله عزوجل بقوله: ان روح القائم علیه السلام ینطق فی هیکل غیره...»



بعضی از روایات درباره انکار حضرت، پس از ظهور مطالبی دارد. زیرا حضرت مهدی علیه السلام در ایام ظهور جوان هستند و مردم گمان می کنند باید او با سن پیری ظاهر شود.<sup>۱</sup>

این انکارها سبب شقاوت و بدبختی انسان می شود، لذا حضرات معصومین علیهم السلام به شیعیان هشدار می دهند که در زمره منکرین حضرت قرار نگیرند که باعث نگون بختی می شود امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

هر کس به همه ی امامان اعتراف کند، ولی حضرت مهدی علیه السلام را انکار کند، مانند کسی است که به همه ی پیامبران اعتراف کند، ولی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند و هر کس پیامبر را انکار کند مانند این است که همه ی انبیاء را انکار کند، زیرا اطاعت آخرین ما، اطاعت اولین ما و انکار آخر ما، چون انکار اول ماست.<sup>۲</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام هم در این رابطه می فرماید:

---

۱. امام صادق علیه السلام : «انه من اعظم البلیة ان ینخرج الیهم صاحبهم شاباً و هم یحسبونه شیخاً کبیراً» غیبت نعمانی، ص ۲۶۸، ب ۱۰، ف ح ۴۳؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۵۴.  
 ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۱۹، ب ۲۸، ح ۸؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۲۴۷ «اما ان المقر بالائمة بعد رسول الله المنکر لولدی کمن اقر بجمیع انبیاء الله و رسله ثم انکر نبوة محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و المنکر لرسول الله صلی الله علیه و آله کمن انکر جمیع الانبیاء لان طاعة آخرنا کطاعة اولنا و المنکر لآخر کالمنکر لاولنا...»

هر کس یکی از امامان زنده را انکار کند، امامان قبلی را نیز انکار نموده است.<sup>۱</sup>

بنابراین باید نسبت به اعتقاد امامت امام مهدی علیه السلام بسیار دقیق و ظریف بود. چنانچه کسی درباره‌ی او دچار لغزش شود، همه‌ی رسالت‌ها را نادیده گرفته است و طبق فرمایش امام جواد علیه السلام نشانه‌ی منکرین مهدویت، مسخره کردن اعتقاد به امام زمان علیه السلام است.

## ۹- توقیت

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«افرادی که برای ظهور امام مهدی علیه السلام وقت مشخص می‌کنند، دروغگو هستند»

در این رابطه روایات بسیاری از ناحیه‌ی معصومین علیهم السلام رسیده است که از شیعیان خواسته شده از تعیین وقت ظهور پرهیزند و کسانی که وقت مشخص می‌کنند را تکذیب کنند. از امام محمدباقر علیه السلام پرسیدند: آیا برای این امر وقتی معین شده است؟ آن حضرت سه مرتبه فرمودند:

آنان که وقتی برای ظهور تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۳؛ غیبت نعمانی، ص ۶۳.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۲۵: «هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كذل الوقتون، كذب الوقتون، كذب الوقتون.»



از امام جعفر صادق علیه السلام هم وقتی این سوال را پرسیدند، ایشان فرمودند: خداوند متعال برای ظهور وقتی مشخص نکرده، تا شیعیان ما آن را بدانند، من وقتی برای آن تعیین نمی‌کنم، وقتی برای آن هم نمی‌توان مشخص کرد، آن که برای ظهور وقتی مشخص می‌کند، خود را در علم خداوند متعال شریک دانسته و مدعی است که از اسرار الهی آگاه شده است.<sup>۱</sup> آنان که وقتی برای ظهور تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند، ما اهل بیت علیهم السلام زمانی را مشخص نمی‌کنیم... خداوند چنین اراده کرده است که با هر کسی وقتی را مشخص می‌کند، حتما مخالفت نماید و ظهور را در آن وقت قرار ندهد.<sup>۲</sup> ... آن که وقت تعیین کند، دروغ گفته است... ما در گذشته وقتی تعیین نکرده‌ایم و در آینده نیز هرگز وقتی بر آن تعیین نخواهیم کرد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲ «هل للمأمور المنتظر المهدي علیه السلام من وقت موقت يعلمه الناس؟ فقال: حاش لله ان يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا.. فقال: يا مفضل، لا اوقت له وقتا ولا يوقت له وقت، ان من وقت لمهدينا وقتا فقد شارك الله تعالى في علمه و ادعى انه ظهر على سره...»  
 ۲. غیبت نعمانی، ص ۲۹۳: «كذب الوقاتون، انا اهل بيت لانوقت، ثم قال: ابي الله الا ان يخلف وقت الموقتين.»



توقیت از آسیب‌های جدی جامعه‌ی منتظران است، ائمه علیهم السلام هم علت نهی از توقیت را بیان فرموده‌اند، امام موسی بن جعفر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اگر برای این امر وقتی تعیین شود، دل‌ها را قساوت می‌گیرد و توده مردم از اسلام برمی‌گردند. بگویید: چرا زود است! چه قدر نزدیک است! تا دل مردم آرام گیرد و فرج نزدیک شود.<sup>۱</sup>

#### ۱۰- تعجیل

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «عجله‌کنندگان در عصر غیبت هلاک می‌شوند.»

یکی دیگر از آسیب‌های جامعه منتظران عجله داشتن برای ظهور امام مهدی علیه السلام است<sup>۲</sup> که در روایات این امر نکوهش شده است. صادق آل محمد علیهم السلام می‌فرماید:

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹۶؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۶، ب ۱۶، ح ۱۴؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۲۷؛ «لو عين لهذا الامر وقت لقسست القلوب و لرجع عامة الناس عن الاسلام و لكن قالوا: ما اسرعه! ما اقربه! تألفاً لقلوب الناس و تقریباً للفرج.»  
۲. ر. ک: فصلنامه انتظار، ش ۱۵، ص ۵۷ مقاله «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها»، محمدصابر جعفری.





شتاب مردم برای این کار، آنها را هلاک ساخت. خداوند متعال به جهت شتاب مردم، شتاب نمی‌کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر پایانش فرا رسد، آن را ساعتی پیش و پس نیفکنند.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿ أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ﴾<sup>۲</sup> می‌فرماید:

آن امر ماست، خدای متعال امر فرموده که در آن تعجیل نشود تا این که سه لشکر آن را یاری کنند: فرشتگان، مؤمنان، رعب.<sup>۳</sup>

عجله‌ای که در این روایات مذمت شده ضد صبر و تسلیم است که مایه‌ی شتابزدگی بدون تهیه‌ی مقدمات و باعث بروز شک و تردید می‌شود ولی اگر کارهایی که باعث سرعت و شتاب در امر ظهور است. خواهان و خواستار باشیم مذموم نیست، برخی‌ها بدون زمینه‌سازی و تهیه مقدمات، دست به اقدام می‌زنند که از آن نهی شده است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹: «انما هلك الناس من استعجالهم لهذا الامر ان الله لا يعجل لعجلة العباد ان

لهذا الامر غاية ينتهي اليها فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعة و لا يستأخروا».

۲. سوره نحل، آیه ۱.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۰۴.



## ۱۱- تسلیم

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«آنهایی که در برابر قضا و قدر الهی در عصر غیبت صبر و تسلیم داشته باشند، نجات می‌یابند.»

یکی از مقامات رفیع بندگی «تسلیم» در برابر امام زمان علیه السلام است. امیرمؤمنان علیه السلام با به دوش گرفتن تمام مشکلات جهان اسلام می‌فرماید: در هر مصیبت و شدتی، تنها ایمان و سر سپردگی بر حق و تسلیم امر و فرمان ما زیاد می‌شد.<sup>۱</sup>

کوهم و هستی من، بنیاد اوست	ورشوم چون گاه یادم یاد اوست
جز به باد او نجنبد میل من	نیست جز عشق احد سر خیل من

یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت نیز «تسلیم» است. امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید:

مردم سه وظیفه دارند: شناخت امامان و تسلیم آنان بودن در آنچه بر ایشان وارد می‌شود و مراجعه به آنان در اختلافاتی که پیش می‌آید.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خ ۱۲۲، احتجاج، ج ۱، ص ۱۸۵. فما نزداد علی کل مصیبة و شدة الا ایمانا و مضیا علی الحق و تسلیمًا للامر

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۹۰، باب التسلیم. انما کلف الناس ثلاثة: معرفة الائمة و التسلیم لهم فیما ورد علیهم و الرد الیهم فیما اختلفوا فیه



لذا در طول تاریخ ما شاهد اسوه‌های تسلیم هستیم. با طلوع سپیده‌ی اسلام، و درگیری بین اسلام و کفر در بین قوم و قبیله، تنها تسلیم پیامبر صلی الله علیه و آله بودن، کارگشا بود. لذا امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ما با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم، در حالی که پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود را می‌کشتیم و این کار تنها ایمان و تسلیم و مستقیم بودن بر شاه راه صراط و صبر ما را بر دردها و رنج‌ها می‌افزود.<sup>۱</sup>

مالک اشتر نخعی یکی دیگر از اسوه‌های تسلیم است، او که تا کشتن معاویه چند گام بیشتر فاصله نداشت، به پیروی از دستور امام علی علیه السلام و تسلیم در برابر مولایش برمی‌گردد. و با اعطای حکم فرمانداری مصر، به سوی آن سرزمین می‌رود، و نمی‌گوید: علی جان! من دوست دارم در کنار شما باشم. او کاری را می‌کند که مطابق میل امام زمانش باشد، اگر چه فرسنگ‌ها راه بین آنها فاصله شود.

یکی دیگر از الگوهای تسلیم، «عبدالله بن ابی یعفر» است این یار با وفای امام صادق علیه السلام عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله اگر شما اناری را به

---

۱. نهج البلاغه، خ ۱۲۲، وقعة صفین، ص ۵۲۰. و لقد كنا مع رسول الله صلی الله علیه و آله نقتل آباءنا و ابناءنا و اخواننا و اعمامنا ما یزیدنا ذلک الا ایمانا و تسلیما و مضیا علی اللقم و صبرا علی مضض الالم.



دو نیم کنید و نیم آن را حلال و نیم دیگر را حرام بشمارید من نیز نیم اول را حلال و نیم دیگر را حرام خواهم دانست.

امام علیه السلام در پاسخش می فرماید:

«رحمک الله، رحمک الله»؛ خدا رحمت کند، خدا رحمت کند.<sup>۱</sup>

امام جعفر صادق علیه السلام به جهت همین تسلیم و سرسپردگی او در رثایش

در نامه‌ای به مفضل بن عمر می نویسد:

او دیده از جهان فرو بست - که صلوات خدایش بر او باد -  
در حالی که افعالش پسندیده، سعیش مشکور، گناهانش  
بخشوده و به واسطه رضایت خدا و رسول و امامش غرق در  
رحمت بود. سوگند به نسبت فرزندی من به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله  
که در زمان ما فرمانبردارتر از او نسبت به خدا و رسول و  
امامش یافت نمی شد و همواره بر این شیوه بود تا خدا او را  
به رحمت خود گرفت و به سوی بهشت روانه اش نمود او را  
در میان منزل پیامبر خدا و امیر مؤمنان علیه السلام جای داد و با آنان  
همنشین ساخت.<sup>۲</sup>

«کلیب» نیز رادمردی دیگر از بار یافتگان مقام تسلیم است. زید شحام

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که: به آن حضرت عرض کردم: مردی

۱. رجال الکشی، ص ۲۴۸.

۲. رجال الکشی، ص ۲۴۹.



به نام «کلیب» هست که هر حدیث یا حکمی از جانب شما بیاید، او می‌گوید: من تسلیمم؛ لذا ما او را «کلیب تسلیم» نام گذاشتیم.  
زید گوید: آن حضرت علیه السلام برای او طلب رحمت فرمودند و سپس فرمودند:

آیا می‌دانید تسلیم چیست؟ پس ما ساکت شدیم. حضرت فرمودند: تسلیم همان إخبات (فروتنی) است که قرآن کریم به آن اشاره نموده و می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ<sup>۱</sup>

آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند و نسبت به پروردگارشان فروتنی می‌نمایند.

لذا ششمین پیشوای حق به همگان دستور می‌فرماید: «... فَعَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ» بر شماست که تسلیم باشید. چنانچه کسی واقعا به این مقام رسید و عملا ثابت کرد «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ»<sup>۲</sup> قلبم تسلیم قلب شماست و کارم تابع فرمان شماست» سعادت دنیا و آخرت شامل حالش می‌شود.

۱. هود، ۲۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. زیارت جامعه.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

همانا دین خدای عزوجل با عقل‌های ناقص و اندیشه‌های باطل و معیارهای نادرست به دست نمی‌آید و فقط از طریق تسلیم حاصل می‌گردد، پس هر که تسلیم ما گردد سالم می‌ماند و هر که به ما اقتدا کند، هدایت می‌شود و هر که نسبت به احادیث ما یا احکام ما در دل سختی نماید به آن که سبع مثنی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده بدون آنکه خودش بداند.<sup>۱</sup>

امام محمدباقر علیه السلام هم به ابوخالد کابلی می‌فرماید:

قسم به خدا! ای ابوخالد هیچ بنده‌ای تا خدا قلبش را پاک نکند ما را دوست نخواهد داشت و ولایت ما را نمی‌پذیرد. و تا تسلیم ما نشود و نسبت به ما حالت «سلم» نداشته باشد، خدا قلبش را پاک نمی‌کند. پس اگر نسبت به ما سلم بود خدا او را از حساب سخت حفظ خواهد کرد و از ترس و وحشت بسیار بزرگ در روز قیامت در امانش می‌دارد.<sup>۲</sup>

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲. ان دین الله عزوجل لا یصاب بالعقول الناقصة و الاراء الباطلة و المقائیس الفاسدة و لا یصاب الا بالتسلیم فمن سلم لنا سلم و من اقتدی بنا هدی...

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۶۲ باب البر بالوالدین. والله یا ابا خالد لا یحبنا عبد و یتولانا حتی یطهر الله قلبه، و لا یطهر الله قلب عبد حتی یسلم لنا و یکون سلما فاذا کان سلما لنا سلمه الله من شدید الحساب و آمنه من فزع یوم القیامة الاکبر



امام زمان علیه السلام هم خواستار «تسلیم» بوده و هستند ایشان می‌فرمایند:  
 از خدا بترسید و تسلیم ما باشید و امور را به ما واگذارید. بر  
 ماست که شما را از سرچشمه‌ی سیراب آوریم، چنان که شما  
 را به سرچشمه بردیم، و از راست منحرف نشوید و به  
 نادرستی نگرائید و براساس سنت آشکار الهی، با محبت و  
 دوستی، راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید.<sup>۱</sup>  
 بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف ما در عصر غیبت، «تسلیم» است،  
 چنانچه کسی تسلیم نباشد و صبر ننماید و عجله کند، قطعاً نجات  
 نمی‌یابد. همان‌طوری که در روایات بسیاری به این مسئله اشاره شده  
 است. امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند و شتاب‌کنندگان هلاک  
 شده و اهل تسلیم نجات می‌یابند.<sup>۲</sup>

چنانچه شخصی از دایره‌ی تسلیم در عصر غیبت خارج شود، گرفتار  
 افراد فرصت طلب یا مهدی‌های دروغین یا در وادی یاس و نومیدی، شک و  
 تردید، انکار، تاویل و توجیه بی‌خردانه، تمسخر و ترک وظایف می‌افتد.

---

۱. غیبت طوسی، ص ۲۸۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸. فاتقوا الله و  
 سلموا لنا و ردوا الامر الینا فعلینا الاصدار کما کان منا الایراد... و لاتمیلوا عن الیمین و تعدلوا الی  
 الشمال و اجعلوا قصدکم الینا بالمودة علی السنة الواضحة  
 ۲. کافی، ج ۱، ص ۲۶۸، باب کراهیة التوقیت؛ غیبت طوسی، ص ۴۲۶؛ غیبت نعمانی، ص ۱۹۶.  
 کَذِبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَى الْمُسْلِمُونَ



ممکن است کسی بگوید: از یک طرف روایاتی وجود دارد که ما را امر به دعا برای تعجیل فرج نموده‌اند و بر اساس این احادیث عجله کردن مطلوب است.

در پاسخ می‌گوییم: دعا کردن برای فرج آقا امام زمان علیه السلام مخالف با تسلیم نیست و شکوه و شکایت بر غیبت اشکال ندارد: «اللَّهُمَّ نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيْبَةَ وَ لِينَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا...»<sup>۱</sup> اما اگر این شکوه به مرز شتابزدگی و کارهای عجولانه و گاه اعتراض به قضاء و قدر پروردگار متعال منجر شود مخالف تسلیم و قطعاً مطلوب نیست. دعا برای تعجیل فرج نشانه رضایت به قضاء و قدر الهی است و مخالف با صبر و تسلیم و انقیاد نیست.<sup>۲</sup>

### روایت دوم

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را پر از عدل و داد نماید، همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود:

ای ابوالقاسم! هیچ یک از ما نیست جز آن که قائم به امر خدای تعالی و هادی به این الهی است. اما قائمی که خدای

۱. دعای افتتاح.

۲. جهت اطلاع بیشتر ر. ک: آخرین امید، داود الهامی، ص ۳۷۸؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۴.





تعالی به توسط او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می‌سازد، و آن را پر از عدل و داد می‌نماید، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش نهان و بردن نامش حرام است و او همانم و هم کنیه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است و او کسی است که زمین برایش پیچیده شود و هر دشواری برایش هموار گردد و از اصحابش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او جمع گردند و این همان فرمایش خدای تعالی است که فرمود: «هر کجا باشید، خداوند همگی شما را می‌آورد، در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست.»<sup>۱</sup>

هنگامی که این تعداد از اهل اخلاص برگرد او فراهم آیند خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون «عَقْد» که عبارت از ده هزار می‌باشد، کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد، تا خدای تعالی خشنود گردد.

عبدالعظیم گفت: ای سرورم چگونه می‌داند که خدای تعالی خشنود گردیده است؟ امام علیه السلام فرمود:

در قلبش رحمت می‌افکند و چون به مدینه در آید لات و عزی را بیرون کشیده و آن دو را بسوزاند.<sup>۲</sup>

۱. بقره، ۱۴۸.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۷۱: «حدثنا محمد بن احمد الشیبانی (رضی الله عنه) قال: حدثنا محمد بن ابی عبدالله الکوفی، عن سهل بن زیاد الآدمی، عند عبدالعظیم بن عبدالله الحسنى قال: قلت لمحمد ابن علی بن موسی علیه السلام انی لارجو ان تكون القائم و من اهل بیت محمد الذی یملا الارض قسطاً و



امام جواد علیه السلام در این روایت به نه موضوع مهم مهدویت اشاره فرموده‌اند:

### ۱- ولادت مخفیانه

با توجه به احادیث نبوی و بشارت‌هایی که اهل بیت علیهم السلام درباره‌ی تولد فرزندی از یازدهمین پیشوا بیان فرموده بودند، حاکمان بنی عباس نگران و ناراحت بودند که این فرزند حکومت آنان را برچیند، لذا هر چه به تولد امام مهدی علیه السلام نزدیک می‌شویم، شرایط بر خاندان عصمت و

عدلا كما ملئت جورا و ظلما، فقال علیه السلام: يا ابا القاسم! ما منا الا و هو قائمٌ بامر الله عزوجل و هادٍ الى دين الله، و لكن القائم الذي يطهر و الله عزوجل به الارض من اهل الكفر و الجحود و يملأها عدلا و قسطا هو الذي تخفى على الناس ولادته و يغيب عنهم شخصه و يحرم عليهم تسميته و هو سمي رسول الله صلى الله عليه و آله و كنيه و هو الذي تطوى له الارض و يذل له كل صعب و يجتمع اليه من اصحابه عدة اهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا من اقاصي الارض و ذلك قول الله عزوجل: «اين ما تكونوا يات بكم الله و جميعا ان الله على كل شى قدير» فاذا اجتمعت له هذه العدة من اهل الإخلاص اظهر الله امره فاذا كمل له العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج باذن الله عزوجل، فلا يزال يقتل اعداء الله حتى يرضى الله عزوجل. قال عبدالعظيم: فقلت له: يا سيدى! و كيف يعلم ان الله عزوجل قد رضى؟ قال: يلقي فى قلبه الرحمة، فاذا دخل المدينة أخرج اللات و العزى فاحرقهما.»

۱. ر. ک: منتخب الاثر، ف ۲ ب ۲۵ و ۳۴: امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی علت مخالفت و موضع‌گیری در برابر اهل بیت علیهم السلام را وجود همین روایات بیان می‌فرماید: «... انهم قد وقفوا من الاخبار المتواترة على ان زوال ملك الجبابة و الظلمة على يد القائم منا و كانوا لا يشكون انهم من الجبابة و الظلمة، فسعوا فى قتل اهل بيت رسول الله صلى الله عليه و آله و ابادة نسله طمعاً منهم من الوصول الى منع تولد القائم علیه السلام او قتله...» همان، ص ۲۹۱.



طهارت سخت‌تر می‌شود. به ویژه دوران زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام سخت‌تر می‌باشد.

دستگاه خلافت بنی العباس سعی و تلاش می‌کرد، تا امام مهدی علیه السلام به دنیا نیاید لذا دوران حمل و تولد از همگان مخفی شده بود، همان‌طوری که در روایات شباهت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام در پنهان بودن ولادت بیان شده است.

امام رضا علیه السلام هم درباره‌ی این مسئله می‌فرمایند: «خفی الولادة و المنشاء»؛ ولادت و رشد امام مهدی علیه السلام مخفی است.

امام جواد علیه السلام هم در این روایت می‌فرمایند: «تُخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ»؛ ولادت او بر مردم مخفی است.

## ۲- ویژگی غیبت

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «شخص امام مهدی علیه السلام غایب است.»

برای غیبت امام عصر علیه السلام هم در روایات دو ویژگی بیان شده است:

الف: غیبت شخص

ب: غیبت شخصیت

همان طوری که در این روایت از امام جواد علیه السلام نقل شده: «شخص امام غایب است» که در برخی روایات آمده: «جسم او دیده نمی‌شود»<sup>۱</sup> این مسئله همان غیبت شخص است؛ یعنی شخص امام غایب است و دیده نمی‌شود.

در برخی روایات غیبت شخصیت بیان شده است؛ یعنی شخص حضرت دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌شود:

امام صادق علیه السلام یکی از شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام با حضرت یوسف علیه السلام را همین مسئله بیان می‌فرماید که:

خداوند متعال بین امام مهدی علیه السلام و مخلوقین حجابی قرار می‌دهد که دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌شود.<sup>۲</sup>

درباره‌ی این دو ویژگی و مفهوم باید گفت: امام مهدی علیه السلام در برخی موارد از دیدگان پنهان است و شخص حضرتش دیده نمی‌شود و در مواردی دیگر دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌شود، اما در هر دو صورت ایشان در میان مردم حضور دارد و از احوال همه باخبر و آگاه است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۳، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۶۰: امام رضا علیه السلام: «لا یرى جسمه».

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۳، ح ۴۶؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۹۶: «و اما سنة من یوسف فاستر، یجعل الله بینه و بین الخلق حجابا یرونه و لا یعرفونه».



#### ۴- همنام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله

امام جواد علیه السلام می فرماید: «امام مهدی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همنام و هم کنیه است.»

یکی از ویژگی‌های منجی ما شیعیان این است که مطالب و مباحث مربوط به آن بسیار شفاف بیان شده است. یکی از این نمونه‌ها در رابطه با اسم و نام، کنیه و لقب و حسب و نسب است.

چهل و هشت روایت درباره این که اسم و کنیه امام مهدی علیه السلام همان اسم و کنیه رسول الله است وجود دارد.<sup>۱</sup> و بسیار زیباست که در ادامه این روایت‌ها آمده است که سنت و روش امام مهدی علیه السلام همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله است.<sup>۲</sup> اسم اصلی امام مهدی علیه السلام «محمد» است که در روایات زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «مهدی علیه السلام هم نام من است.»

در روایاتی از سوی معصومین علیهم السلام مانند این روایت از امام جواد علیه السلام آمده است: جایز نیست اسم اصلی امام مهدی علیه السلام ذکر شود،<sup>۳</sup> لذا برخی نام حضرت

۱. منتخب الاثر، ص ۲۲۶.

۲. همان «اسمه اسمی و کنیه کنیتی... و سنته سنتی».

۳. آقای نجم‌الدین طبسی در فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۲۰۳ مقاله‌ای تحت عنوان «حکم تسمیه و ذکر نام شریف حضرت ولی عصر علیه السلام» نوشته‌اند و روایات این مطلب را در چهار دسته تقسیم کرده و ادله قائلین به جواز و عدم آن را بررسی کرده است.



را به صورت جدا از هم (م، ح، م، د) می‌نویسند و حتی قائل به حرمت هستند. در این روایت بیان شده که «بردن نام امام مهدی علیه السلام حرام است» نظر برخی بزرگان در این رابطه این است که این احادیث ناظر به عصر غیبت صغرا و زمان تقیه است و امروزه ذکر نام اصلی امام مهدی علیه السلام اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

#### ۵- ویژگی‌های ظهور

در این روایت امام جواد علیه السلام به دو نکته درباره ظهور امام مهدی علیه السلام اشاره می‌فرمایند.

الف: پیچیده شدن زمین

ب: هموار شدن سختی‌ها

یکی از معجزات و کرامات عصر ظهور یا عصر غیبت برای امام مهدی علیه السلام پیچیده شدن زمین یا همان «طی الارض» است که به پیمودن مسافت‌های طولانی در مدت بسیار کم گفته می‌شود. قطعا حجت خدا در همین عصر و زمان کشف و کرامات بسیاری دارند که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین آنان، «طی الارض» است. حتی این مسئله برای یاران و

---

۱. از مراجع حاضر در این عصر، آیت الله مکارم شیرازی از کتاب القواعد الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۰ بحث مفصلی در این رابطه دارند و ثابت می‌کنند که این مسئله حرمت ندارد.



مخلصان او نیز ثابت است. اما در مورد عصر ظهور روایاتی این مسئله را بیان فرموده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، زمین از نور خداوند روشن می‌شود و زمین زیر پای حضرت مهدی علیه السلام به سرعت حرکت می‌کند.<sup>۱</sup>

امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید:

یاران حضرت مهدی علیه السلام از سراسر زمین به سوی او حرکت می‌کنند؛ زمین زیر پای‌شان پیموده می‌شود و با طی الارض به امام علیه السلام می‌رسند و با او بیعت می‌کنند.

اما در مورد هموار شدن همه‌ی سختی‌ها روایت‌های زیادی وجود دارد که در دولت جهانی امام عصر علیه السلام مسئله‌ای که باعث رنج، سختی و دشواری باشد، وجود ندارد. به برکت امام و دست‌آوردهای حکومت او علیه السلام همه‌ی سختی‌ها تبدیل به آسانی و همه‌ی مشکلات تبدیل به شیرینی می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۵، ح ۵ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۳۷۷: «... فاذا خرج

اشرقت الارض بنوره... و هو الذی تطوی له الارض.»

۲. ر. ک: چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام.



## ۶- یاران

امام جواد علیه السلام درباره‌ی یاران امام مهدی علیه السلام در این روایت به سه نکته اشاره می‌فرمایند:

الف: تعداد یاران خاص

ب: اجتماع یاران

ج: فراگیر بودن یاران

درباره‌ی تعداد یاران حضرت مهدی علیه السلام روایات بسیاری نقل شده که سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر می‌باشند<sup>۱</sup> در برخی روایات، یاران حضرت ده هزار نفر<sup>۲</sup> و در نقل‌های دیگر از شمار کمتر و برخی فزون‌تر یاد شده است<sup>۳</sup> که درباره‌ی این روایات گفته شده: «آمارهای یاد شده با یکدیگر تعارض ندارند، بلکه در طول یکدیگرند و در مجموع، نشانگر سیر تکاملی یارانند. سیصد و سیزده نفر، نخستین گروندگان هستند که با اجتماع آنان، دعوت آغاز می‌شود سپس ده هزار یا دوازده هزار که نیروهای مهم انقلاب جهانی را تشکیل می‌دهند به سرعت به

۱. غیبت طوسی، ص ۲۸۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴ «... ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً عدة اهل بدر».

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۰۷، ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۲، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷: «لا یخرج

القائم من مکة حتى تکمل الحلقة قلت: و کم الحلقة؟ قال: عشرة الآف»

۳. الملاحم و الفتن، سیدبن طاووس، ص ۶۵.





آنها می پیوندند و پس از پاک سازی حجاز، توده های انبوه از سراسر جهان به حضرت مهدی علیه السلام می پیوندند.<sup>۱</sup>

اما درباره نحوه ی اجتماع آنان نیز در روایات مطالبی آمده است؛ امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که امر ظهور امضاء شد، امام علیه السلام خدای را با نام عبرانی اش می خواند، آنگاه سیصد و سیزده نفر از یارانش چون پاره های ابر پاییزی به دور او گرد می آیند.<sup>۲</sup>

در برخی روایات آمده است که یاران حضرت مهدی علیه السلام در روز روشن روی ابر سوار می شوند<sup>۳</sup> در روایتی هم آمده است: «آنها شبانه از رختخواب های شان ناپدید می شوند و صبح در مکه می باشند» که حکایت از طی الارض است. امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: شیعیان و یاران حضرت مهدی علیه السلام از سراسر زمین به سوی او حرکت می کنند؛ زمین زیر پایشان پیچیده و جمع می شود و با طی الارض به امام علیه السلام می رسند و با او بیعت می کنند.<sup>۴</sup>

۱. چشم به راه مهدی، ص ۳۶۶.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸: «اذا أذن الامام دعا الله باسمه العبرانی فأتیحت له صحابته الثلاثمائة و الثلاثة عشر قزع كقزع الخریف...».

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸. «و منهم من یری یسیر فی السحاب نهاراً».

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲، غیبت نعمانی، ص ۳۱۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸.



اما درباره فراگیر بودن یاران می‌توان گفت: یاران و نیروهای حضرت مهدی علیه السلام از ملیت‌های گوناگون تشکیل می‌شوند، گاهی از عجم به عنوان سپاهیان حضرت نام می‌برند که همه‌ی غیر عرب را در بر می‌گیرد و گاهی سخن از اقوام خاص رجعت‌کننده مانند اصحاب کهف، مومنان مسیحی و... است که به یاری حضرت می‌آیند.<sup>۱</sup>

#### ۷- شرط ظهور و قیام

امام جواد علیه السلام در این روایت به یکی از شرایط ظهور که وجود یاران است اشاره می‌فرماید: هر گاه سیصد و سیزده نفر مخلص نزد حضرت مهدی علیه السلام جمع می‌شوند، خداوند متعال او را ظاهر می‌سازد و هر گاه تعداد به ده هزار نفر برسد، حضرت مهدی علیه السلام با اجازه پروردگار خروج و قیام می‌فرماید.

در این قسمت از روایت فرق ظریفی بین ظهور و خروج گذاشته شده است؛ شرط ظهور، جمع شدن سیصد و سیزده نفر، اما شرط خروج و قیام اجتماع ده هزار نفری است لذا مشخص می‌شود روایاتی که ظهور امام علیه السلام را هم زمان با ندای آسمانی و در بیست و سوم ماه رمضان و قیام در روز

۱. ر. ک: چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۹۶.



عاشورا، دهم ماه محرم بیان می‌کنند که حدود سه ماه و هفده روز بین آنها فاصله است، نیز هم سو با این روایت می‌باشد.

### ۸- قهر الهی

یکی از جلوه‌های حکومت مهدوی بروز و ظهور قهر و انتقام الهی است، ناگفته پیداست امام مهدی علیه السلام جلوه‌ی رحمت الهی است و او مانند اجداد طاهرینش مهربان‌ترین فرد هستی است. قطعا در دولت امام مهدی علیه السلام خشونت و کشتارهای جمعی وجود ندارد اما کسانی که در برابر حضرت علیه السلام قیام کنند، با جلوه‌ی غضب الهی مواجه خواهند شد. بنابراین قتل یک استثنا است و هیچ‌گاه همگانی نیست.

اما درباره‌ی انتقام گرفتن از گذشتگان باید گفت: رجعت بدکاران مانند کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ظلم کردند، بی‌شک صحیح می‌باشد، و امام مهدی علیه السلام منتقم این خاندان است.



## روایت سوم

عبدالعظیم حسنی می گوید: بر مولای خود امام جواد علیه السلام وارد شدم و می خواستم از قائم علیه السلام پرسش کنم که آیا مهدی هم اوست یا غیر او؟ امام علیه السلام آغاز سخن کرد و فرمود:

ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است کسی که واجب است در غیبتش، او را انتظار کشند و در ظهورش او را فرمان برند. و او سومین از فرزندان من است و سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص گردانید، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید، چنان که امر حضرت موسی کلیم علیه السلام را اصلاح فرمود؛ او رفت تا برای خانواده اش شعله‌ی آتش بیاورد، اما چون برگشت، رسول و پیامبر بود.

سپس فرمود: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.<sup>۱</sup>

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۷۰: «حدثنا عبدالعظیم الحسنی قال: دخلت علی سیدی محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و انا اریدان اساله عن القائم اهو المهدی او غیره؟ فابتدانی هو فقال یا ابا القاسم! ان القائم منا هو المهدی، الذی یجب



امام جواد علیه السلام در این روایت به هشت موضوع اشاره می‌فرمایند که عبارت است از:

### ۱- قائم علیه السلام همان مهدی علیه السلام است

«قائم» در برخی از روایات اختصاص به حضرت مهدی علیه السلام ندارد. مرحوم کلینی در کتاب کافی، بابی را با عنوان «ان الائمة علیهم السلام کلهم قائمون بامر الله» دارند که مشخص می‌کند این واژه مخصوص و منحصر به امام مهدی علیه السلام نیست و شامل قیام‌کنندگان به حق و حقیقت می‌شود، اما تنها کسی که قیام می‌کند و همه مردم را همیشه به سوی حق فرا می‌خواند و مردم را به سوی آن هدایت می‌کند، امام مهدی علیه السلام است.

ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! آیا همه شما قائم بر حق نیستید؟ حضرت فرمودند: بله. پرسید: پس چرا قائم علیه السلام «قائم» نامیده شد؟ حضرت فرمودند:

وقتی جدّم امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، ملائکه به سوی خداوند ناله و زاری کردند. خداوند متعال هم ائمه معصومین

ان ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من ولدي و الذي بعث محمدا بالنبوة، و خصنا بالامامة انه لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه، فيملاها الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا وان الله تبارك و تعالی ليصلح له امره في ليلة كما اصلح امر كليمه موسى علیه السلام اذ ذهب ليقبس لاهله نارا فرجع، و هو نبی مرسل ثم قال علیه السلام: افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج»



از نسل امام حسین علیه السلام به آنها نشان داده، که یکی از آنها ایستاده و نماز می‌خواند. خداوند فرمود: به واسطه این قائم از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام می‌گیرم.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

همانا قائم، مهدی نامیده شد، زیرا مردم را به سوی امری که از آنان گم و کهنه شده است، هدایت می‌کند و قائم نامیده شده، چون قیام به حق می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۲- وجوب انتظار

انتظار یک اصل اسلامی است که آیات و روایات فراوانی را به خود اختصاص داده است اما این فراز از حدیث امام جواد علیه السلام همانند ندارد، این جمله بسیار ژرف و عظیم می‌باشد زیرا وجوب این اصل با این جمله بیان شده است. از لحاظ اعتقادی بر هر شیعه‌ای واجب است که منتظر امام علیه السلام باشد.

## ۳- اطاعت در ظهور

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: همه مردم در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام از او اطاعت می‌کنند این مطلب همسو با روایات فراوانی است که همه‌ی

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۰.



مردم از روی میل و رغبت و یا از روی اکراه و اجبار از حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام پیروی می‌کنند. اما روایتی از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده که همه‌ی هستی حتی از یاران حضرت پیروی می‌کنند. ایشان می‌فرماید:

گویی اصحاب قائم علیه السلام را با چشم خود می‌بینم که میان مشرق و مغرب را تحت سیطره خود در آورند، دیگر چیزی نمانده جز اینکه تحت فرمان آنهاست و تلاش می‌کند که خشنودی آنان را جلب کند! حتی درندگان صحرا و پرندگان آسمان نیز تلاش می‌کنند که رضایت آنها را جلب کنند، چون یکی از یاران قائم علیه السلام روی زمین گام نهد، آن زمین به سرزمین-های دیگر مباحثات می‌کند که امروز فلان یاور قائم علیه السلام بر روی من قدم نهاد.<sup>۱</sup>

#### ۴- نسب

امام جواد علیه السلام در این قسمت از روایت می‌فرماید: «امام مهدی علیه السلام سومین فرزندم است.» درباره این مسئله حدود نود روایت از سوی

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷: «کانی باصحاب القائم و قد احاطوا بما بین الخافین لیس شیء الا و هو مطیع لهم یطلب رضاهم: من سباع الارض و سباع الطیر، تطلب رضاهم فی کل شیء حتی تفخر الارض علی الارض و تقول: مرتبی الیوم رجل من اصحاب القائم.»

معصومین علیهم السلام بیان شده است.<sup>۱</sup> علت زیاد بودن این گونه روایات این است که ائمه علیهم السلام قصد داشتند حسب و نسب و خصوصیات امام مهدی علیه السلام به صورت کامل بیان شود تا انسان‌ها، فریب مدعیان را نخورند. مشخص بودن تمام ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام یکی از امتیازات منحصر به فرد تفکر شیعه در باب منجی‌شناسی است. همه ادیان اعتقاد به منجی دارند، اما هیچ کدام به اندازه شیعه بحث منجی آنان، شفاف و پرمحتوا نیست. ما به برکت احادیث معصومین علیهم السلام از همه مذاهب، گروه‌ها و ادیان بالاتر و برتریم.

## ۵- ظهور

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا این که امام مهدی علیه السلام در آن روز ظهور کند.»

همانند این مسئله در روایات دیگر نیز تکرار شده است<sup>۲</sup> که بیان‌گر این است «ظهور حتمی» است ظهور امام مهدی علیه السلام امری قطعی و غیر قابل

۱. منتخب الاثر، ص ۲۸۲.

۲. آماری که کتاب منتخب الاثر، ص ۱۹۱ درباره ظهور بیان داشته، ۶۵۷ حدیث است که الفاظ برخی مشابه همین قسمت از حدیث است.





انکار است. قطعاً روزی پرده‌های غفلت و غیبت کنار می‌رود و همگان شاهد ظهور حضرت و برپایی حکومت عدل گستر او خواهند بود امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند متعال به ظهور امام مهدی علیه السلام وعده داده است و هیچ گاه او برخلاف وعده عمل نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

### ۶- گسترش عدالت

در بیش از صد روایت آمده است<sup>۲</sup> که جهان پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پر از عدل و داد می‌شود و عدالت در همه هستی سایه می‌افکند. با توجه به این که مهم‌ترین دست آورد حکومت امام زمان علیه السلام عدالت است و مطالب فراوانی در این باره تاکنون ذکر شده است<sup>۳</sup> و همگان در این باره اعتقاد محکمی دارند، دامن سخن را برمی‌چینیم.

### ۷- ناگهانی بودن ظهور

در روایات دربارهی وقت ظهور، زمانی مشخص نشده و همواره وقوع آن را «امر ناگهانی» بیان فرموده‌اند مثلاً از پیامبر مکرم اسلام سوال کردند: یا رسول الله زمان خروج قائم چه هنگام است؟ حضرت فرمودند:

۱. غیبت نعمانی، ص ۴۲۱، ب ۱۸، ح ۱۰ «... ان القائم من الميعاد والله لا يخلف الميعاد».

۲. ر. ک: منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

۳. ر. ک: فصلنامه انتظار، ش ۱۳ و ش ۱۴ ویژه عدالت می‌باشد.



قیام او مانند روز قیامت است، ناگهانی است و هیچ فردی جز خداوند متعال زمانش را نمی‌داند<sup>۱</sup>

خود وجود نازنین امام مهدی علیه السلام نیز می‌فرماید:

امر ما ناگهانی پیش می‌آید، هنگامی که توبه کسی را سود ندهد.<sup>۲</sup>

البته باید بیان داشت این مسئله یکی از سنت‌های الهی است. همواره خداوند متعال به ادیان دیگر نیز مهلت داده است تا حجت خود را یاری کنند، چون به وظایف خود عمل نمی‌کردند با ظهور وعده‌هایی که از قبل به آنها تفهیم شده بود، مهلت توبه از آنان گرفته می‌شد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ أَنْتَظِرُونَ»<sup>۳</sup>

روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت پیدا شود، کسی که از قبل ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۵۷، ح ۲: «... قيل له: يا رسول الله متى يخرج القائم من ذريتك؟ فقال ﷺ مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها الا هو عزوجل، لا ياتيكم الا بغتة»  
۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۲۴: «فان امرنا يبعثه فجأة حين لا ينفعه توبة...»  
۳. سوره انعام، آیه ۱۵۸.



نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد بگو: منتظر باشید که ما هم منتظریم.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز طبق همین سنت الهی است هر گاه ظهور بفرمایند، توبه برخی پذیرفته نمی‌شود<sup>۱</sup> بنابراین باید فرصت را غنیمت شمرد و الان برای یاری امام عصر علیه السلام شتافت که فردا دیر است. برخی می‌پرسند با توجه به روایات علائم ظهور مانند قیام سفیانی (لعنة الله عليه) و مبارزه او با حضرت مهدی علیه السلام چگونه ظهور حضرت ناگهانی است؟

در جواب این سوال توضیحاتی ذکر شده که عبارتند از:

- ۱- ممکن است مقصود از «یک شب» کنایه از سرعت باشد و از آنجایی که معارضة با مخالفان به سرعت و گاه با اعجاز صورت می‌گیرد. از تعبیر به یک شب استفاده شده است.
- ۲- ممکن است مقصود از اصلاح امر در یک شب، بروز و ظهور حضرت باشد ولی پیروزی نهایی به طول می‌انجامد.

---

۱. از امام صادق علیه السلام درباره این آیه سوال شد، حضرت فرمودند: «الآیات هم الائمة و الآیة المنتظرة هو القائم المهدی علیه السلام فاذا اقام لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل قیامه بالسيف و ان آمنت بما تقدمه من آبائنا»

امام جواد علیه السلام نیز در این قسمت می‌فرماید: همان طوری که خداوند متعال کار حضرت موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود، امر حضرت مهدی علیه السلام را نیز در یک شب اصلاح می‌فرماید. حضرت موسی علیه السلام برای گرفتن آتش رفت و حال آن که وقتی برگشت پیامبر شده بود.

### ۸- انتظار

فراز پایانی این روایت این است «با فضیلت‌ترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است» امام جواد علیه السلام در ابتدای این روایت درباره وجوب انتظار سخن فرموده و در پایان نیز تأکید می‌ورزند که این انتظار با فضیلت‌ترین اعمال است.

بنابراین انتظار تنها یک حالت روانی نیست بلکه «عمل» است و یک عمل و کار معمولی نیست بلکه «با فضیلت‌ترین اعمال» است. یعنی انتظار حرکت، تلاش، تکاپو و عمل است.



### روایت چهارهم

عبدالعظیم حسنی می گوید: امام جواد علیه السلام می فرماید:

هنگامی که فرزندم علی وفات یابد، چراغ دیگری پس از او نمایان شود، سپس چراغ بعد از او پنهان می گردد، پس وای بر کسی که شک کند، و خوشا به حال غریبی که با دین خود بگریزد، سپس به دنبال آن وقایعی روی دهد که در آن بر پیشانی‌ها پیری نقش بندد و کوه‌های سخت و سنگین از جای بجنبند.<sup>۱</sup>

نعمانی رضی الله عنه با توجه به وضعیت شیعیان دوران خودش در تفسیر این روایت می نویسد: «کدام حیرتی بزرگ‌تر از این حیرت که مردم بسیار و

۱. غیبت نعمانی، ب ۱۰، ح ۳۷، ص ۲۶۵: «حدثنا محمد بن همام، قال: حدثني أبو عبدالله محمد بن عمام، قال: حدثنا أبو سعيد سهل بن زياد الادمي، قال: حدثنا عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی، عن أبي جعفر محمد بن علي الرضا عليه السلام انه سمعه يقول: «إذا مات اثنى علي بدا سراج بعده ثم خفي، فويل للمرتاب و طوبى للغريب الفار بدینه ثم يكون بعد ذلك احداث تشيب فيها النواصي و يسير الصم الصلاب».

علامه مجلسی رحمته الله درباره آخرین فراز این حدیث می نویسد: «سير الصم الصلاب کنایه عن شدة الامر و تغير الزمان حتی كان الجبال زالت عن مواضعها، او تزلزل الثابتين فی الدین عنه» بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷. ضمناً در این کتاب به جای لفظ «للفریب» لفظ «للعرب» آمده که احتمالاً اشتباهی از سوی نویسندگان نسخه‌ها باشد. آقای کامل سلیمان نیز به جای «یُسیر» واژه «یُسئِل» را استفاده نموده و می نویسد: «معنای آن این است که فلزات سختی چون فولاد در آن زمان ذوب می شود و روان می گردد که در این صورت اشاره به ذوب فلزات خواهد بود» روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۰۹.



گروه‌های فراوانی را از دایره‌ی اعتقاد به این امر خارج ساخته است و به جز تعداد اندک و ناچیزی از آنان که به او اعتقاد داشتند، کسی پابرجا بر آن باقی نمانده، و این خود به خاطر تردید مردم و سستی یقین ایشان و کمی پایداری آنان در برابر مشکلات و سختی‌هایی است که افراد پاک دل و بردبار و ثابت قدم و راسخ در علم آل محمد علیهم السلام به آن گرفتار شده‌اند، همان کسانی که این روایات را از ائمه علیهم السلام روایت کرده‌اند و به مقصود آنان در روایات آشنا هستند و معانی آنچه مورد اشاره ایشان علیهم السلام در روایات بوده است درک می‌کند» در این روایت به پنج موضوع مهم اشاره شده است.

### ۱- تشبیه امام به چراغ

یکی از القاب امام زمان علیه السلام «سراج» است<sup>۱</sup> که اشاره به مقام روشنگری و هدایت او دارد. در قرآن کریم آخرین پیامبر الهی نیز به «سراج» تشبیه شده است<sup>۲</sup> که بیانگر مقام هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان بر حق اوست.

۱. این لقب در زیارت‌نامه حضرت معصومه علیها السلام نیز آمده است، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۶ وَذَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ - وَسِرَاجًا مُنِيرًا.



امام جواد علیه السلام که خود یکی از چراغ‌های هدایت است، امامان بعد از خود را با همین کلمه یاد فرموده است، منتهی از امام مهدی علیه السلام با عنوان «چراغ مخفی و پنهان» یاد فرموده است.

## ۲- غیبت

طرح مسئله غیبت از ابتدای تاریخ اسلام است. در یکی از روایت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله این مسئله این گونه بیان شده است:

مهدی از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه‌ی او کنیه‌ی من است و شبیه‌ترین مردم به من از حیث آفرینش و اخلاق است. او غیبت و دوران حیرتی دارد که مردمان در آن به گمراهی می‌افتند، سپس همانند شهاب می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

از سوی تک تک ائمه معصومین علیهم السلام نیز روایاتی در باب غیبت امام مهدی علیه السلام داریم.<sup>۲</sup> این مسئله در احادیث به عنوان یک سنت الهی مطرح شده است، لذا چنان شایع و معمول شده بود که برخی از فرقه‌ها از همین مسئله سود جسته و قائل به غیبت امام خود شدند. به طور کلی هر یک

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. ر. ک: منتخب الاثر، ص ۳۱۲ و ۳۱۶ بیش از صد روایت اشاره شده است.



از فرقه‌های شیعی که در امامت یکی از ائمه علیهم السلام توقف کردند و مسیر خود را از حق جدا کردند به نوعی غیبت امام خود را طرح کردند. ائمه معصومین علیهم السلام برای گذر شیعه در شرایط آغازین امامت امام مهدی علیه السلام همه‌ی زمینه‌ها را فراهم کرده بودند یکی از این زمینه‌سازی‌ها عدم ارتباط مستقیم امام با مردم است که امام جواد علیه السلام هم به این مسئله عنایت داشتند و از در احادیث خود، مردم را به مسئله غیبت و مسائل مربوط به آن راهنمایی می‌دادند. در این روایت هم اشاره به غیبت حضرت نموده و بدبخت‌ها و نیک‌بختان را معرفی می‌فرماید.

### ۳- شکاکین

یکی از آسیب‌های عصر غیبت شک پیدا کردن به امام زمان علیه السلام است که در روایات از آن نهی شده است پیامبر مکرم اسلام می‌فرماید:

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، قائم اولاد من بر اساس پیمانی که خدا به وسیله من با او بسته از دیده‌ها غایب می‌شود، تا بیشتر مردمان بگویند: خدا نیازی به آل محمد علیهم السلام ندارد، و گروهی در نشانه‌های او دچار شک و تردید شوند. هر کس آن زمان را درک کند محکم به این خود





چنگ بزند و برای شیطان راه شک را ببندد، تا شیطان نتواند  
او را به شک انداخته، از دین و آئین من بیرون ببرد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید:

هر کجا باشید چون مهر تابان بر شما طلوع می‌کند، پس  
هرگز در حق او شک و تردید به خود راه ندهید از صفحه  
دل هر گونه شک و تردید را بزدائید. من شما را بر حذر  
کردم، سخت از آن پرهیزید.<sup>۲</sup>

شک و تردید به امام زمان علیه السلام برای عصر ظهور نیست زیرا او در آن  
ایام همه هستی را روشن می‌سازد بنابراین در عصر غیبت برخی‌ها به  
خاطر طولانی شدن ایام غیبت دچار شک و تردید می‌شوند که اهل  
بیت علیهم السلام ما را انداز داده و بر حذر داشتند.

امام جواد علیه السلام هم می‌فرمایند:

«وای به حال شخصی که در ایام غیبت دچار شک نسبت به  
وجود امام عصر علیه السلام بشود.»

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۶ و در صفحه ۱۴۵ آن قریب به این مضمون از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «و الذی بعثنی بالحق بشیرا، لیغیبن القائم من ولدی، بعهد معهود الیه منی، حتی یقول اکثر الناس: ما لله فی آل محمد حاجة و یشک آخرون بدلائله، فمن ادرك زمانه فلیتمسک بدینه و لا یعجل للشیطان علیه سیلا بشکه فیزیله عن ملتی و یخرجه من دینی»  
۲. همان، ص ۱۴۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۵۳: «یطلع علیکم کما تطلع الشمس اینما تکونون، فایاکم و الشک و الارتیاب، انفوا عن انفسکم الشکوک و قد حذرتم فاحذروا.»



امام رضا علیه السلام هم به ما تعلیم داده‌اند که برای نجات از شک در عصر غیبت این دعا را بخوانیم:

خداوندا و آن را برای ما خالص از هر گونه شک و شبهه و ریا و شهرت طلبی قرار ده تا با آن جز بر تو اعتماد نکنیم و از آن جز رضای تو را طلب ننماییم و تا آنکه ما را به محل او وارد فرمایی و در پناه خود نگاه بدار و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله او دینت را یاری دهی و برای پیروزی با عزت ولی خویش خدمت گزارش گردانی و غیر ما را به جای ما بر این کار مگذار که مبدل ساختن ما را به غیر ما بر تو آسان ولی بر ما بسیار ناگوار است.<sup>۱</sup>

#### ۴- فرار

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«خوشا به حال غریبی که با دین خود در عصر غیبت فرار کند.»

۱. جمال الاسبوع، ص ۵۰۷، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۲۸. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِغَيْرِكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ أَعِزَّنَا مِنَ السَّأَمَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لَدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا تُسْتَبَدِّلُ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ



فرار از فتنه برای حفظ دین امری ضروری و لازم است، اسلام بر مسئله‌ی هجرت برای حفظ عقیده تأکید ورزیده است خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الظَّالِمِينَ أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنَّا قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَنُهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾<sup>۱</sup>

کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه [حال] بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس آنان جایگاهشان دوزخ است و بدسرانجامی است.

اساساً قرآن هجرت را مایه پیدایش آزادی و آسایش می‌داند، همان‌طور که در آیات دیگر نیز بیان شده است<sup>۲</sup> و با صراحت دستور می‌دهد که اگر در محیطی به خاطر عواملی نتوانستید آنچه وظیفه دارید، انجام بدهید، به محیط دیگر هجرت کنید.<sup>۳</sup>

۱. سوره نساء، آیه ۹۷.

۲. سوره نحل - آیه ۴۱ ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبَوِّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ لَآخِرَةٍ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

۳. در تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹۰ مطالب سودمندی در این رابطه ذکر شده است.

اهل بیت علیهم السلام نیز در روایاتی نسبت به حوادث و فتنه‌های آخر الزمان، این مسئله را سفارش کرده‌اند<sup>۱</sup> و خواسته‌اند که شما دین خود را حفظ کنید، اگر در منطقه‌ای ساکن هستید که اسیر فتنه‌ها شده‌اید یا از آنها رنگ پذیرفته‌اید و به جای آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید، در برابر شبهات و شهوت‌ها وظیفه خود را عمل نمی‌کنید و آلوده به معصیت-ها شده‌اید، شایسته و لازم است، برای حفظ دین خود و خانواده به منطقه-ای بروید که از فتنه‌ها خبری نیست یا شدت آن کم‌تر است.

## ۵- فتنه‌های آخر الزمان

با توجه به گرفتاری‌ها و فتنه‌های عصر غیبت، امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «در عصر غیبت وقایع و حوادث رخ می‌دهد که انسان‌ها را پیر می‌کند، حتی انسان‌هایی که مانند کوه ثابت و پابرجا هستند از جایشان حرکت می‌کنند» در روایات فتنه‌های بی‌سابقه<sup>۲</sup> فراگیر<sup>۳</sup> کمرشکن<sup>۴</sup> کور<sup>۵</sup> و پیاپی<sup>۶</sup> ذکر شده است که با بروز و ظهور آنها، افراد متدین و مذهبی

۱. برای اطلاع از این روایات ر.ک روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۰۵-۹۰۶-۹۲۲-۱۰۰۲ و ۱۰۰۴.

۲. ر.ک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۷۴-۷۹۱.

۳. همان، ص ۷۰۵-۷۰۶-۷۲۲-۷۷۹-۸۶۰-۸۹۶-۹۱۰-۹۲۲-۹۲۵-۱۱۲۸.

۴. همان، ص ۸۹۷-۸۹۹-۹۰۵-۹۱۵-۹۶۱-۱۰۶۱.

۵. همان، ص ۸۹۶-۹۰۹-۱۰۹۴-۱۱۳۲.

۶. همان، ص ۸۹۴-۸۹۵-۸۹۷-۹۰۷-۹۱۵-۹۵۲-۹۶۵.



غصه خورده و پیر می‌شوند و چه بسا پای برخی از آنها نیز می‌لغزد و خود را اسیر و بدبخت می‌سازند.

امام جواد علیه السلام در فراز قبلی یکی از راه‌های نجات از این فتنه‌ها را بیان فرمودند. لازم به ذکر است هر گاه روایات آخرالزمان مرور می‌شود، برخی دچار یأس و ناامیدی می‌شوند و گمان می‌کنند هیچ راه و هیچ چاره‌ای برای مصون و محفوظ ماندن از شرّ این آسیب‌ها نیست، و حال آنکه در میان روایات به روزنه‌های امیدی مانند وجود مؤمنان در آخرالزمان، حضور دانشمندان و مکان‌های ذی صلاحی نیز اشاره شده است<sup>۱</sup> مثلاً زید زراء به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: می‌ترسم ما از مؤمنان نباشیم. امام فرمود: چرا چنین فکر می‌کنید؟ می‌گویید: زیرا می‌بینم در میان ما کسی نیست که برادرش را بر درهم و دینار مقدم دارد، ولی این را می‌بینم که درهم و دینار را بر برادر دینی - که ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ما را دور یکدیگر گرد آورده - ترجیح می‌دهیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این چنین نیست که می‌گویید، شما اهل ایمان هستید، اما ایمان شما کامل نمی‌شود مگر هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام

۱. ر. ک: چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۵۰.



قیام کند، در آن هنگام خداوند عقل شما را کامل می‌کند و شما مؤمنان کامل می‌شوید. سوگند به آن خدایی که جانم در دست قدرت اوست، در سراسر جهان، انسان‌هایی هستند که همه دنیا در نظرشان با بال پشه‌ای برابری نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

---

۱. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۵۱؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۵۱.



### روایت پنجم

امیه بن علی القیسی می گوید: از امام جواد علیه السلام پرسیدم، امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندانم علی و دو فرزند علی. سپس مدتی سر را به زیر انداخت. سپس سر برداشت و فرمود: در آتیه ای نه چندان دور حیرتی فرا می رسد.

عرض کردم: در آن موقع به کجا پناه ببریم؟ حضرت مدتی سکوت کرد، آنگاه سه بار فرمود: جایی نیست.  
دوباره سوال خود را تکرار کردم، فرمود: به مدینه  
عرض کردم کدام یک از شهرها منظورتان است؟  
فرمود: همین مدینه که ما در آن هستیم، مگر غیر از این جا،  
مدینه ای دیگر هم هست<sup>۱</sup>!

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۰، ص ۲۶۴، ح ۳۷ «حدثنا محمد بن همام قال حدثنا احمد بن ما بن داود قال: حدثنا احمد بن هلال عن امیه بن علی القیسی قال: قلت لابی جعفر محمد بن علی الرضا علیه السلام من الخلف بعدک؟ فقال: ابنی علی و ابنا علی، ثم اطرق ملیا، ثم رفع راسه، ثم قال: انها ستکون حیره قلت فاذا کان ذلک فالی این؟ فسکت ثم قال: لا این - حتی قالها ثلاثا - فاعدت علیه، فقال: الی المدینه، فقلت ای المدن؟ فقال: مدینتنا هذه، و هذه مدینه غیرها.» بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، کفایة الاثر، ص ۲۰۸.

علامه مجلسی، در ص ۱۵۷ می نویسد: منظور از «لا این» یعنی کسی در نزد او نمی رود تا او را بیابد و بر او ظفر یابد، بلکه حضرت برخی اوقات در مدینه است و برخی از مردم او را می بینند.

امام جواد علیه السلام در این روایت بعد از معرفی امامان بعد از خودشان، به دو نکته اشاره می‌فرمایند:

### ۱- حیرت

سردرگمی و سرگردانی عصر غیبت، در روایات گوناگونی منعکس شده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مثل اهل بیت من در میان این امت، مثل ستارگان آسمان است. که هر وقت ستاره‌ای غروب کند، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند، هنگامی که با یکی از آنها انس گرفتید و در هر حاجتی به سوی او شتافتید، اجل فرا رسیده، پیک مرگ او را از دست شما خواهد گرفت. آنگاه مدتی بس طولانی حیران و سرگردان خواهید ماند تا هنگامی که خداوند ستاره‌ی شما را ظاهر سازد. پس خدا را شکر نموده و از امام خود فرمان ببرید.

در روایت دیگری می‌فرماید:

برای او غیبتی و برای امت حیرتی خواهد بود که خیلی‌ها در آن دوران گمراه خواهند شد.<sup>۱</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۲: «تکون له غیبة و حیرة تضل فیها الامم»





امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید:

برای غیبت او حیرتی است که گروه‌هایی در آن گمراه و گروهی بر هدایت استوار می‌مانند که آنها بهترین امت هستند که با بزرگان عترت همراهند.<sup>۱</sup>

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

بعد از غیبت و حیرت ظاهر می‌شود، در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می‌مانند که در ایمان خود مخلص باشند و با روح یقین همراه و آنها کسانی هستند که خداوند از آنها درباره‌ی ولایت ما پیمان گرفته و در دل آنها ایمان را مستقر ساخته و آنها را با روحی از خود تائید نموده است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

برای او غیبت و حیرتی است که مردمان از دین خود برمی‌گردند و گمراه می‌شوند.<sup>۳</sup>

۱. غیبت طوسی، ص ۲۰۴: «یکون لغیبت حیرة یضل فیها اقوام و یهتدی آخرون، اولئک خیار الامة مع ابرار العترة»

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰ «یخرج بعد غیبت و حیرة، لا یشب فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین الذین اخذ الله میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه»

۳. همان، ص ۷۲: «یکون له غیبة و حیرة، حتی یضل الخلق عن ادیانهم»



امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

حیرت و سرگردانی خواهد بود. اگر برای ظهور وقتی تعیین شود، دلها را قساوت می گیرد و توده‌ی مردمان از اسلام برمی گردند. ولی گفته شود: چه زود است. چه قدر نزدیک است تا دلها آرام بگیرد و فرج نزدیک شود.<sup>۱</sup>

## ۲- پناهگاه

درباره مکان زندگانی حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبرا هیچ دلیل قطعی بر مکان خاصی نداریم، منتهی در روایاتی به مکان‌هایی مانند مدینه - دشت حجاز،<sup>۲</sup> کوه رضوی،<sup>۳</sup> جابلقا و جابلسا<sup>۴</sup> بیت الحمد<sup>۵</sup> و مکان‌های دیگری اشاره شده است. امام جواد علیه السلام در این روایت می فرماید: محل زندگانی امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت شهر مدینه است. امام صادق علیه السلام نیز هنگامی که از غیبت کبرا بحث می کند، می فرماید:

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹؛ غیبت نعمانی، ص ۱۵۸؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۳۷: «انها ستكون حيرة، لو عين لهذا الامر وقت لقت القلوب و لرجع عامة الناس عن الاسلام و لكن قالوا ما اسرعه! و ما اقربه! تالفا لقلوب الناس و تقريبا للفرج.»

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۴. نجم ثاقب، ص ۳۰۰.

۵. غیبت نعمانی، ص ۱۲۶.



چه جایگاه خوبی است، مدینه.<sup>۱</sup>

و هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السلام می‌پرسیدند، اگر حادثه‌ای برای شما روی دهد، کجا از فرزند بزرگوار شما سراغ بگیریم؟ حضرت فرمود: «در مدینه»<sup>۲</sup>

بنابراین یکی از مکان‌هایی که متعلق به زندگانی شخصی حضرت علیه السلام می‌باشد، شهر مدینه است، که ناگفته پیداست، اقامتگاه امام منحصر به این شهر نیست، او امام شرق و غرب عالم و امام جغرافیاست.

---

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۱۳۹.

## روایت ششم

ابوهاشم داود بن قاسم جعفری می گوید: در محضر امام جواد علیه السلام بودیم و سخن از سفیانی و آنچه در روایات آمده، به میان آمد که آمدن او از حتمیات است. من به آن حضرت عرض کردم: آیا خداوند متعال را در امور حتمی بدائی است؟ فرمود: آری. عرض کردیم: پس می ترسیم که در مورد قائم علیه السلام نیز بداء حاصل شود؟ حضرت فرمود:

همانا قائم علیه السلام از وعده هاست و خداوند برخلاف وعده‌ی خود رفتار نمی کند.<sup>۱</sup>

نکته اصلی این روایت «سفیانی است، منتهی دو محور دیگر در این

روایت وجود دارد:

۱. غیبت نعمانی، ب ۱۸، ص ۴۲۱، ح ۱۰: «اخبرنا محمد بن همام، قال حدثنا محمد بن احمد بن عبدالله الخالنجی، قال: حدثنا ابو هاشم داود بن القاسم الجعفری، قال: كنا عند ابي جعفر محمد بن علي الرضا علیه السلام فجرى ذكر السفیانی، و ما جاء فی الروایة من ان امره من المحتوم. فقلت لابی جعفر هل يبدو لله فی المحتوم؟ قال: نعم! قلنا له: فنخاف ان يبدو لله فی القائم؟ فقال: ان القائم من الميعاد، و الله لا يخلف الميعاد.»

علامه مجلسی رحمته الله در توضیح این روایات می نویسد: «لعل للمحتوم معان يمكن البداء فی بعضها و قوله «من الميعاد» اشارة الى انه لا يمكن البداء فيه لقوله تعالى: «ان الله لا يخلف الميعاد» و الحاصل ان هذا شيء و عد الله رسوله و اهل بيته، لصبرهم على المكاره التي و صلت اليهم من المخالفين، و الله لا يخلف وعده. ثم انه يحتمل ان يكون المراد بالبداء فی المحتوم البداء فی خصوصياته لافي اصل وقوعه كخروج السفیانی قبل ذهاب بنی العباس و نحو ذلك» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰



### ۱- سفیانی

اولین نشانه حتمی ظهور امام مهدی علیه السلام خروج سفیانی است که روایات زیادی را به خود اختصاص داده است.<sup>۱</sup> نام مشهور وی، «عثمان بن عنبسه» است<sup>۲</sup> که در روایات با عناوین پلیدترین انسان، سرخ روی، بور، زاغ چشم،<sup>۳</sup> آبله رو، چهره وحشتناک، از تبار یزیدبن ابی سفیان بیان شده که پس از خروج در شهر شام و به تصرف درآوردن سوریه، اردن و فلسطین به سوی عراق می‌رود و بعد از جرم و جنایت در کوفه و نجف خبر ظهور امام مهدی علیه السلام در مکه را دریافت می‌کند. برای جنگ با حضرت، سپاه سفیانی به سوی مکه معظمه حرکت می‌کند، چون به سرزمین «بیداء» می‌رسند، جبرئیل امین فریاد برمی‌آورد که ای سرزمین «بیداء» این گروه ستمگر را در کام خود فرو ببر. که زمین شکافته شده و سپاه او را در کام خود فرو می‌برد و یکی دیگر از نشانه‌های قیام حضرت ولی عصر علیه السلام به وقوع می‌پیوندد.<sup>۴</sup>

۱. آقای نصرت الله آیتی این روایات را در کتاب «سفیانی از ظهور تا افول» مورد دقت و بررسی قرار داده است.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۱.

۳. همان، امام صادق: «انک لورایت السفیانی لرایت اخبث الناس، اشقر، احمر، ارزق»

۴. یکی از آثار سودمند درباره نشانه‌های حتمی ظهور کتاب «لزوم تفکیک علائم حتمی ظهور از علائم غیر حتمی»، تألیف استاد علی اکبر مهدی‌پور است که در ۶۸ صفحه قطع پالتویی اطلاعات مفیدی به خواننده می‌دهد.

## ۲- بداء

تغییر و تبدیل حکم خدا را «بداء» می‌گویند مانند تغییر قبله مسلمانان، که ابتدا رو به بیت المقدس نماز می‌خواندند و چند سال بعد «بداء» حاصل شد و حکم الهی تغییر یافت و همه مسلمانان به سوی کعبه نماز می‌خوانند طبق این روایت امام جواد علیه السلام می‌توان قائل شد که در علائم حتمی مانند خروج سفیانی احتمال بداء وجود دارد یعنی سفیانی قیام نکند ولی امام مهدی علیه السلام ظهور بفرمایند.

امام محمدباقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ»<sup>۱</sup> فرمودند:

آنها دو اجل‌اند: اجل محتوم و اجل موقوف. حمران می‌پرسد: اجل محتوم چیست؟ حضرت فرمودند: آن چه خداوند اراده‌اش به او تعلق گرفته است. حمران گفت: امیدوارم سفیانی از علایم موقوف باشد، امام فرمودند: به خدا سوگند که چنین نیست. او از حتمیات است.

۱. سوره انعام، آیه ۲.



امام علیه السلام در این روایت، اجل محتوم را از اجل‌هایی دانسته‌اند که وابسته به اراده و مشیت خداوند است، بنابراین ممکن است خداوند اراده تحقق آن را بنماید و ممکن است اراده بدا در آن باره کند.<sup>۱</sup>

خلاصه با توجه به روایاتی که از مؤمنان خواسته شده، پیوسته در هر صبح و شام منتظر فرج و ظهور باشند<sup>۲</sup> و احادیثی که ظهور حضرت علیه السلام را ناگهانی<sup>۳</sup> و امر فرج در یک شب اصلاح می‌شود<sup>۴</sup> می‌توان گفت: ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام وابسته به پدیدار شدن سفیانی نیست و احتمال بداء وجود دارد. اگر انسان‌ها شرایط ظهور را محقق سازند، خداوند متعال پرده‌ی غیبت را کنار زده و همگان شاهد جمال یوسف زهرا علیها السلام خواهند بود.

- 
۱. دراسات فی علامات الظهور و الجزيرة الخضراء، ص ۶۳. برای آشنایی بیشتر با ادله قائلین به بداء ر. ک سفیانی از ظهور تا افول، ص ۲۳.
  ۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۰، ب ۱۰، ح ۱، امام صادق علیه السلام: «توقعوا الفرج صباحا و مساء».
  ۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۳، ب ۲۵، ح ۶: امام رضا علیه السلام: «مثله کمثل الساعة التي لا یجلیها الوقتها الا هو... لا یاتیکم الا بغتة».
  ۴. همان، ص ۷۰، ب ۶۳، ح ۱: امام جواد علیه السلام: «ان الله تبارک و تعالی لیصلح له امره فی لیلۃ کما اصلح امر کلیمه موسی علیه السلام».



### ۳- وعده‌ی الهی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي  
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ  
الَّذِي أَرْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا  
يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنان‌اند که نافرمانند.

در زیارت حضرت مهدی علیه السلام نیز عرضه می‌داریم:

درود بر آن مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه وعده‌ی ظهور او را به امت‌ها داده است که به وسیله‌ی او وحدت و





یکپارچگی را جایگزین پراکندگی و تفرقه نموده و وعده‌هایی که به مؤمنان داده شده است به دست او عملی خواهد شد.<sup>۱</sup>

بنابراین چون امام مهدی علیه السلام همان خلیفه‌ی الهی است که وعده‌ی ظهور حکومت عادلانه‌ی او توسط تمام سفیران آسمانی به افراد تمام جوامع بشری داده شده، ایشان را به عنوان «موعود» می‌خوانند و همه ملت‌ها علی‌رغم اختلافات نظری که در بیان مشخصات و اوصاف او دارند، ولی معتقد به او هستند.<sup>۲</sup>

از آنجایی که خداوند متعال اراده‌ی حکومت صالحان را دارد و این کار با آمدن امام مهدی علیه السلام محقق می‌شود و خداوند نیز به آن وعده داده است، حتماً روزی خواهد آمد و همان طوری که در قرآن کریم می‌خوانیم:

«خداوند به وعده‌اش عمل می‌کند و خلاف وعده، عمل نخواهد کرد.»<sup>۳</sup>

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام، السلام علی المهدی الذی وعد الله عزوجل به الامم...

۲. موعودنامه، فرهنگ الفبایی مهدویت، مجتبی تونه‌ای، ص ۷۰۶.

۳. سوره رعد، آیه ۳۱ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْوَعْدَ».



## روایت هفتم

اسماعیل بن مهران می گوید: امام جواد علیه السلام دو مرتبه از مدینه به بغداد رفت، اولین باری که از مدینه می رفت، به حضرت عرض کردم: فدایت شوم، من در این راه بر شما نگران هستم امر امامت پس از شما با کیست؟ حضرت امام جواد علیه السلام با لبان خندان فرمود: آن غیبتی که گمان می کنی در این سال نیست؟...

روح این حدیث مسئله غیبت امام عصر علیه السلام است که درباره ی آن در روایت اول و دوم و چهارم مطالبی ذکر گردید.

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۳: «علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن اسماعیل بن مهران قال: لما خرج ابو جعفر علیه السلام من المدینة الی بغداد فی الدفعة الاولى من خرجتیه، قلت له عند خروجه: جعلت فداک انی اخاف علیک فی هذا الوجه، فالی من الامر بعدک؟ فکر بوجهه الی ضاحکا و قال: لیس الغیبة حیث ظننت فی هذه السنة...» ارشاد، ص ۳۲۷.



## روایت هشتم

امام جواد علیه السلام می فرماید:

به درستی که هر که سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله - همان - هایی که از امامشان دور افتاده و در حیرت جهل غوطه ور در دستان دشمنان ناصبی ما اسیرند - را بر عهده گیرد و ایشان را نجات داده و از سرگردانی برهاند و شیاطین را با دفع وسوسه هایشان مغلوب سازد، و بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام توسط حجت های پروردگار و دلائل امامانشان چیره شود، مقام و منزلتش نزد خداوند به بهترین وجهی بر شخص عابد برتری و فضیلت یابد، فضیلتی به مراتب بالاتر از فضل آسمان بر زمین و عرش و کرسی و پرده های آسمان، و برتری این جماعت بر گروه عابدان مانند فضیلتی است که ماه شب بدر بر کم سوترین ستاره آسمان دارد.<sup>۱</sup>

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۹ «من تکفل بایتام آل محمد صلی الله علیه و آله المنقطعين عن امامهم، المتحيرين في جهلهم، الاسارى في ايدي شياطينهم و في ايدي النواصب من اعدائنا، فاستنقذهم منهم و اخرجهم من حيرتهم و قهر الشياطين برد وساوسهم و قهر الناصبين بحجج ربهم و دلائل ائمتهم ليحفظوا عهد الله على العباد بافضل الموانع، باكثر من فضل السماء على الارض و العرش و الكرسی و الحجب على السماء...»



در این روایت، دو بحث مهم وجود دارد:

### ۱- یتیمان اهل بیت علیهم السلام

امام جواد علیه السلام در این روایت معنای واقعی یتیم را بیان می‌فرمایند، برخی گمان می‌کنند که یتیم تنها به کسی گفته می‌شود که پدر و مادر خود را از دست داده باشد. اما در حقیقت کسانی که در عصر غیبت، امامشان غایب است نیز یتیم هستند. زیرا طبق این روایت آنها:

الف: از امامشان دور افتاده‌اند.

ب: در حیرت جهل فرو رفته‌اند.

ج: دشمنان آنها را اسیر خود ساخته‌اند.

بنابراین باید برای سرپرستی این گونه از ایتم کاری کرد و نگذاشت آنها دچار زیان و ضرر شوند که بحث دوم شکوفا می‌شود.

### ۲- سرپرستی ایتم

امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

علمای شیعه در مرزهایی که شیطان و ایادی او در پشت آنها کمین کرده‌اند پاسداری داده و آنها را از اینکه بر شیعیان ناتوان هجوم ببرند، باز می‌دارند، و اجازه نمی‌دهند که



شیطان و پیروان او و دشمنان اهل بیت بر ضعفای شیعه تسلط یابند.<sup>۱</sup>

علما و بزرگان شیعه تاکنون ایام آل محمد علیهم السلام را سرپرستی کرده و با تألیف، تحقیق، تبلیغ و مجاهدت‌های فراوان همه را سرپرستی کرده‌اند. امام هادی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«اگر بعد از غیبت قائم شما علما نبودند؛ علمایی که مردم را به سوی او می‌خوانند و به سوی او راهنمایی می‌کنند، و با برهان‌های الهی از دین او پاسداری می‌کنند، و بندگان بیچاره خدا را از دام‌های ابلیس و پیروان او و همچنین از دام‌های دشمنان اهل بیت رهایی می‌بخشند هیچ کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند. اما علمای دین دل‌های متزلزل شیعیان ناتوان را حفظ می‌کنند، همچنان که کشتیبان (ناخدا) سگان کشتی را حفظ می‌کند، این دسته از علما در نزد خداوند متعال دارای مقام و فضیلت بسیاری هستند.»<sup>۲</sup>

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۸: «علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یشکک ابلیس و عفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا و عن ان یتسلط علیهم ابلیس و شیعته و النواصب»

۲. همان، «لولا من یشکک بعد غیبته قائمکم علیه السلام من العلماء الداعین الیه و الدالین علیه، و الذابین عن دینه بحجج الله و المنقذین لضعفاء عباد الله من شبک ابلیس و مردته من فخاخ النواصب لما بقی احدالا ارتدعن دین الله و لكنهم الذین یمسکون ازمة قلوب ضعفاء الشیعة کما یمسک صاحب السفینة سکانها، اولئک هم الافضلون عند الله عزوجل.»



امام جواد علیه السلام ضمن بیان مقام والا و فضیلت فراوان سرپرستی یتیمان، توصیف و تشبیه زیبایی بیان فرمودند که عبارت است از:

۱- بالاتر از فضیلت آسمان بر زمین

۲- برتری آنان مانند نور ماه شب چهارده بر نور ضعیف یک ستاره

دوردست.

بنابراین شایسته و لازم است همه‌ی افرادی که می‌توانند در بسط و گسترش فرهنگ مهدویت کوشا باشند، ساکت و آرام ننشینند.



روایت نهم: دعا‌های امام جواد علیه السلام

الف: قنوت امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام در قنوت نمازش بعد از اقرار به بزرگی خداوند حمد و سپاس الهی، ستم ستمکاران که موجب دوری مردم از هدایت و منجر شدن غیبت امام عصر علیه السلام شد را بیان نموده و نام آخرین حجت الهی را بر زبان جاری ساخته است:

خدایا!... آنان که بندگان را گمراه کرده و کتابت را تحریف نموده، و احکامت را عوض کرده، و حقت را منکر شده، و در جایگاه اولیاءات جای گرفتند و بر اثر جسارت بر تو و ستم نمودن بر خاندان پیامبرت صلی الله علیه و آله گمراه شده و بندگان را گمراه کردند... و زمینت را در کوری و کوری و تاریکی و حشتناکی قرار دادند... پس خدایا! ایمان آورندگان را بر دشمنت و دشمن دوستانت یاری فرما تا پیروز گردند، و به سوی حق بخوانند، و پیرو امام منتظر که به عدالت قیام می‌کند، باشند. خدایا! و بر دشمنانت و دشمنان آنان عذاب و آتش دوزخت را دو چندان گردان، عذابی که آن را از گروه ستمگران باز نمی‌داری...<sup>۱</sup>

۱. «اللهم... الذین اضلّوا عبادک و حرقوا کتابک، و بدلّوا احکامک و جحدوا حقک و جلسوا مجالس اولیائک جرأة منهم علیک و ظلّما منهم لاهل بیت نبیک... و ترکوا اللهم عالم ارضک فی



### ب: دعای تعقیب هر نماز امام جواد علیه السلام

در قنوت دیگری امام جواد علیه السلام بعد از دعاهای فراوانی به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

... خداوندا! آن گروهی را که ایمان آوردند یاری و تائید فرما تا بر دشمنانت و دشمنان دوستانت پیروز شوند و آنها را به حق و حقیقت فراخوانند و دنباله رو امام منتظری باشند که برای برقراری عدل و داد قیام می‌کند...<sup>۱</sup>

در فراز دعایی که مورد سفارش امام جواد علیه السلام بعد از نماز است آمده است:

... خدایا! ولیات فلانی را از پشت سر، و از طرف راست، و از طرف چپ، و از بالای سر، و از زیر پا حفظ فرما، و عمرش را طولانی گردان، و او را قیام کننده به امرت و یاور دینات قرار بده، و به او آنچه دوست دارد و آنچه چشمش به آن روشن می‌گردد، بنمایان و نیز در مورد خود و فرزندان و

---

بکماء عمیاء، ظلماً مدلهمة... اللهم الذین امنوا علی عدوک و عدو اولیائک فاصبحوا ظاهرین و الی الحق داعین و للام المنتظر القائم بالقسط تابعین و جدد اللهم علی اعدائک و اعدائهم نارک و عذابک الذی لاتدفعه عن القوم الظالمین» بلد الامین، ص ۶۵۶، مهج الدعوات، ص ۸۰.

۱. مهج الدعوات، ص ۸۰؛ البلد الامین، ص ۶۵۶؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۹۰؛ صحیفه مهدیه، ص ۱۵۳ «... فاید اللهم الذین آمنوا علی عدوک و عدو اولیائک فاصبحوا ظاهرین و الی الحق داعین و للامام المنتظر القائم بالقسط تابعین»





خاندان و اموال و شعیان و دشمنش نیز این چنین عمل کن،  
و به دشمنانش از او چیزی را نشان بده که از آن می ترسند،  
و به او درباره ایشان آن چیزی را نشان بده که دوست دارد  
و چشمش روشن می گردد، و سینه های ما و سینه های گروه  
مومنان را به واسطه او شفا عنایت فرما.<sup>۱</sup>

به هنگام دعا اول تو را مدنظر دارم

تمنای وصال را من بی پا و سر دارم

چرا روشن نباشد قلب من چون وادی سینا

که من در آسمان دل چو تو قرص قمر دارم

همه در برابر امام زمان علیه السلام، مسئول هستند و وظایفی دارند؛<sup>۲</sup> یکی از

آن وظایف، انجام دادن اعمالی است که موجب تندرستی ایشان می شود،

مانند صدقه دادن و دعا کردن.

۱. «اللهم ولیک فلان فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمنیه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امدد فی عمره و اجعله القائم بامرک و المنتظر لدینک و اره ما یحب و ما تقر به عینه و فی نفسه و ذریته و فی اهله و ماله و فی شیته و فی عدوه و ارحم منه ما یحذرون و اره فیهم ما یحب و تقر به عنه و اشف به صدورنا و صدور قوم مومنین» کافی، ج ۲، ص ۵۴۸، بحار، ج ۸۶، ص ۴۲، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۶، نقل شده از معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۸۹؛ صحیفه امام جواد، ص ۱۱۲.

۲. مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی، در مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۱ - ۵۶۸ هشتاد وظیفه را بیان کرده اند.

نکته مهم این است که این گونه اعمال، قبل از آن که آثاری برای امام داشته باشد، فواید و نتایجی برای عامل دارد.<sup>۱</sup> حتی اگر کسی برای سلامت امام زمان علیه السلام صدقه ندهد و دعا هم نکند، پروردگار متعال وجود گرامی ایشان را از گزند حوادث و بلاها محفوظ می‌دارد. کسی که برای تن‌درستی آن حضرت دعا می‌کند و صدقه می‌دهد، فواید فراوانی نصیبش می‌شود، مانند نماز خواندن که اگر همه‌ی انسان‌ها کافر شوند و نماز نخوانند، ذره‌ای از عظمت پروردگار کم نمی‌شود، و خداوند متعال نیز محتاج عبادات نیست:

﴿إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾<sup>۲</sup>

۱. همان، در جلد اول کتاب، بیش از یکصد فایده برای دعا در حق امام مهدی علیه السلام ذکر شده که مهم‌ترین آنان عبارتند از:

(الف) دعا برای ایشان نشانه علاقه و محبت است و ازدیاد محبت امام در دل موجب تقویت ایمان می‌گردد؛

(ب) دعا اظهار تجدید عهد و پیمان با حضرت است؛

(ج) دعا سبب زنده نگه داشتن یاد امام در دل منتظران است؛

(د) کسی که سلامت امام زمان علیه السلام برایش اهمیت دارد، مسلماً آزردهن حضرت نیز برایش سخت است، در نتیجه دعا برای سلامت حضرت، انسان را به انجام دادن اعمالی وامی‌دارد که موجب خشنودی پروردگار متعال و حضرت می‌گردد؛

(هـ) دعا مسئله‌ای مهم و مؤثر است لذا موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می‌شود.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۸.



اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید، بی گمان، خداوند بی نیاز ستوده است.

انسان براساس وظیفه و احتیاج به عنایت پروردگار، عبادت می کند و نماز می خواند. بنابراین، کسی که نماز می خواند و شکر نعمت پروردگار را انجام می دهد، فواید زیادی نصیبش می شود. زیرا:

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾<sup>۱</sup>

اگر واقعاً سپاسگزاری کنید شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.

از نتایج دعا برای امام زمان علیه السلام توجه و عنایت خاص ایشان است. بنابر آیه شریفه ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾<sup>۲</sup> و آیهی ﴿وَإِذَا حُيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾<sup>۳</sup> علاوه بر عنایات فراوان، امام مهدی علیه السلام در حق شخص دعا کننده، دعا می کند.

۱. همان، آیه ۷.

۲. «مگر پاداش احسان، جز احسان است؟» (سوره الرحمن، آیه ۶۰)

۳. «و چون به شما درود گفته شد، شما [صورتی] به بهتر از آن، درود گوید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید.» (سوره نساء، آیه ۸۶)



## فوائد دعای سلامت

بحث فوائد دعا به معنای این نیست که امام مهدی علیه السلام برای رسیدن به کمالات و سلامتی نیازی به ما دارد. او نیازمند به خداست، و خداوند متعال نیز اگر بخواهد، لطف نموده و دعای ما را مقدمه و زمینه‌ساز سلامتی حضرت قرار می‌دهد.

ما معتقدیم همه خوبی‌ها و خیرها به واسطه‌ی حضرت به ما می‌رسد، حتی دعاهای ما هم به برکت ایشان مستجاب می‌شود. لذا مفید بودن دعاهای ما منافاتی با وساطت فیض ایشان ندارد.

لذا اگر گفته می‌شود: دعای ما برای حضرت فایده دارد، منظور مانند فایده رساندن به دیگران نیست. حجت الهی به ما هیچ نیازی ندارد اما برخی از فوائد دعا عبارتند از:

### ۱- رفع بلا

ائمه علیهم السلام بشر هستند، لذا برایشان سختی‌ها، گرفتاری‌ها و بلاهایی وجود دارد. مثلاً در تاریخ نوشته شده که امیر مؤمنان در جنگ خیبر چشم درد سختی شده بودند یا در زندگانی برخی از اهل بیت علیهم السلام نوشته شده که طیب برای رفع بیماری و معالجه نمودن امام، به محضر امام وارد شده است و یا این که ائمه علیهم السلام برای رفع بیماری دعا می‌کردند.



به طور کلی امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان یک سری ناراحتی‌ها و رنج‌ها و غصّه‌ها را متحمل می‌شوند و از این بابت گرفتاری پیدا می‌کنند. خداوند برای رفع انواع گرفتاری‌ها چنانچه یک بار وقتی حضرت صادق علیه السلام بیمار شده بودند، کسی را به حرم امام حسین علیه السلام روانه کردند تا برای رفع بیماری آن حضرت در آن مکان مقدّس دعا کند. آن شخص می‌گوید: همین‌طور که امام حسین علیه السلام امام مفترض الطاعة هستند خود امام صادق علیه السلام نیز امام واجب الطاعة است. پس چرا باید به حرم امام حسین علیه السلام رفت؟ با توضیحی که خود امام صادق علیه السلام دادند، معلوم می‌شود که ایشان دعای آن فرد عادی را زیر قبّه‌ی سیدالشهداء علیه السلام برای رفع بیماری خود مؤثر می‌دانستند.<sup>۱</sup>

بنابراین دعا کردن برای امام مهدی علیه السلام هم معنا و مفهوم می‌یابد و ما می‌توانیم برای رفع بلاها و جلب عنایات برای ایشان دعا کنیم. البته خوب می‌دانیم که آنچه همه‌ی دردها و رنج‌های امامان را یکجا برطرف می‌کند، چیزی جز مژده‌ی ظهور ایشان از جانب خداوند نمی‌باشد. بنابراین بهترین دعایی که برای رفع همه‌ی گرفتاری‌های حضرتش می‌-

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۲۱، ح ۲: «ان الله تعالى بقاعاً يستجاب فيها الدعاء فتلك البقعة من تلك البقاع»؛ خداوند متعال مکان‌هایی دارد که دعا در آنجا مستجاب است و حرم امام حسین علیه السلام یکی از آن مکان‌هاست.



توانیم بکنیم، دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار است. لذا در صدر همه‌ی دعاها و بیش از آنها، برای تعجیل فرج ایشان دعا می‌کنیم و می‌دانیم اگر این دعا مستجاب شود، همه‌ی خواسته‌های دیگر هم در ضمن آن محقق می‌گردد.

## ۲- جلب عنایات

یکی دیگر از فوائد دعا برای امام عصر علیه السلام درخواست عنایات پروردگار برای ایشان است. زیرا رحمت الهی بسیار گسترده و بی‌کران است و امام مهدی علیه السلام هم محدودیتی برای پذیرش این عنایات ندارد مانند صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام که برای آنها فایده دارد. حتی درخواست بالا رفتن درجه پیامبر در تشهد نماز مستحب است.<sup>۱</sup>

هر کس حتی غیر مسلمان برای پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کند فایده دارد.<sup>۲</sup>

۱. گفتن ذکر: «و تقبل شفاعته و ارفع درجته» بعد از صلوات مستحب است. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۱.

۲. رجوع شود به فرمایش امیرالمومنین علیه السلام در بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴. «لا تستحقروا دعوة احد، فانه يستجاب لليهودي فيكم، و لا يستجاب له في نفسه» و در کافی، ج ۴، ص ۱۷، همین روایت با تغییر مختصری آمده است.



### ۳- تعجیل فرج

با ظهور امام مهدی علیه السلام و گشایش در همه‌ی امور غم و غصه ایشان نیز پایان می‌پذیرد. لذا در اواخر این دعا برای ظهور و فرج ایشان نیز دعا می‌شود. ناگفته پیداست که ما انسان‌ها می‌توانیم ظهور حضرتش را به تقدیم یا تأخیر بیان‌دازیم. صریح‌ترین دلیل در این خصوص حدیث امام صادق علیه السلام است که مطابق آن می‌توان گفت: خداوند برای فرزندان حضرت ابراهیم از همسرش ساره (بنی‌اسرائیل) چنین مقدر فرموده بود که مدت چهارصد سال در رنج و عذاب باشند. اما بنی‌اسرائیل با ضجه زدن و گریستن به پیشگاه خداوند توانستند، ظهور منجی خود (حضرت موسی علیه السلام) را صد و هفتاد سال به جلو اندازند. عین عبارت امام صادق علیه السلام چنین است:

پس وقتی مدت عذاب بر بنی‌اسرائیل طولانی شد، چهل صباح به پیشگاه الهی ضجه و گریه کردند تا اینکه خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از (شر) فرعون خلاص کند. به این ترتیب صد و هفتاد سال از (عذاب) ایشان کم کرد. وضع شما نیز همین‌طور است؛ اگر چنین کنید (می‌گردید)، خداوند فرج ما را می‌رساند، اما اگر چنین نباشید، کار به آخرین حد خود خواهد رسید.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۴۹. فلَمَّا طَالَ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَ بَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ. هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَىٰ مُنْتَهَاهُ.



## پیشینه‌ی دعا برای سلامت امام زمان علیه السلام

اهل و لا ڇو روی به سوی خدا کنند

اول به جان گمشده‌ی خود دعا کنند<sup>۱</sup>

دعا کردن برای آخرین حجت الهی خصوصاً برای سلامت ایشان، سیره و سنت پیشوایان در همه حال و در بهترین حالات، به هنگام نماز و راز و نیاز بوده است. امامان معصوم علیهم‌السلام، بارها برای آخرین فرزند معصومشان دست به دعا برداشته‌اند. مرحوم صاحب مکمال المکارم بیش از یک صد دعا را که از ناحیه‌ی مقدس معصومان صادر شده، تقدیم منتظران داشته است.<sup>۲</sup> ضمناً ایشان در اثری دیگر می‌نویسد: «پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرين علیهم‌السلام داشته باشد، اینکه چه قدر اهتمام در امر دعا نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام و مسئلت فرج آن جناب از خداوند عالمیان جلّ شأنه داشته و دارند و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدّعی آگاه شوی، ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه‌السلام را در ضمن حدیث روایت شده در «غیبت نعمانی» و دعای حضرت سیدالساّجدین علیه‌السلام را در روز عرفه در «صحیفه سجّادیّه» و بعد از نماز

۱. مجاهدی، یار غایب از نظر، ص ۲۰۸.

۲. ج ۲، ص ۲۵ - ۱۰۳.





ظهر و نماز عصر روز جمعه در «جمال‌الاسبوع»، و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز ظهر در «فلاح‌السائل» و «بحار»، و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان در «اقبال» و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر، در «فلاح‌السائل» و دعای حضرت امام رضا علیه السلام در «جمال‌الاسبوع» و دعای امام محمدتقی علیه السلام در «کافی»، و دعای امام حسن عسکری علیه السلام در «مُهَجِّجُ الدَّعَوَاتِ»، و دعای روایت شده از خود آن جناب در «کمال‌الدین» و قنوت نماز ظهر جمعه در «جمال‌الاسبوع» و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب، در «مصباح‌المتهجد» و «مفتاح‌الفلاح» و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی‌قعدة، و دعای صبح‌های روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه، و دعای افتتاح و غیر اینها، که ذکرش موجب طول است. بلکه از عبارت دعای روز عرفه، و روایت شده در «جمال‌الاسبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعض ادلّه دیگر، ظاهر می‌شود که مؤمن هر دعایی که می‌نماید، باید ابتدا کند به دعای از برای حضرت صاحب‌الزّمان «عجل الله تعالی فرجه و ظهوره».<sup>۱</sup>

۱. مرحوم میرزا محمدتقی اصفهانی، کنز‌الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام، ص ۷۲ و ۷۳.



به راستی این چه سرّ و رمزی است که قبل از تولد امام مهدی علیه السلام عاشقان و عارفان کوی الهی، بخشی از بهترین حالات خود را برای او اختصاص داده‌اند؟ مسئله‌ای با این پیشینه‌ی عمیق و وسیع می‌طلبد که بیشتر مطرح گردد تا راز و رمز آن کشف شود.

### خاتمه: رجعت امام جواد علیه السلام

یکی از وقایع مهم عصر ظهور، رجعت است که برخی از بندگان صالح و همچنین عده‌ای از کفار و منافقان با همان ویژگی‌های روحی و جسمی زمان خودشان بر اساس حکمت‌ها و علت‌هایی به دنیا برمی‌گردند. شیخ مفید رحمته الله در این باره می‌فرماید:

«همانا خداوند گروهی از مردگان را با همان صورت و چهره-ای که داشتند به دنیا برگرداند، گروهی را عزیز و گروهی را ذلیل می‌کند. این هنگام قیام و ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام محقق می‌شود.»<sup>۱</sup>



یکی از رجعت کنندگان، امام جواد علیه السلام است و در دادگاهی که در دولت امام مهدی علیه السلام تشکیل می‌شود شکایت مأمون را به جدش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌نماید.<sup>۱</sup>

همچنین خود امام جواد علیه السلام سخن از رجعت خویش به میان آورد<sup>۲</sup> و شکایت از ظلمی که به مادرش حضرت زهرا علیها السلام شده را طرح می‌کند. زکریا بن آدم می‌گوید: هنگامی که در نزد امام رضا علیه السلام بودم، امام جواد علیه السلام که سنش کمتر از چهار سال بود را آوردند. دست خود را بر زمین زد و سر را به سوی آسمان بلند کرد و مدت زیادی در اندیشه فرو رفت. امام رضا علیه السلام به او فرمود: فدایت شوم، برای چه این قدر فکر می‌کنی؟ فرمود: در اندیشه آن [ظلم‌هایی] هستم که درباره مادرم فاطمه انجام دادند. اما به خدا سوگند! آن دو نفر را بیرون می‌آورم، سپس آن دو را آتش می‌زنم و خاکسترشان را پراکنده می‌کنم و به دریا می‌ریزم، چه دریا ریختنی؟!

۱. «... و يقوم محمد بن علی بن موسی علیه السلام و شکوا الی جده رسول الله صلی الله علیه و آله ما نزل به من المأمون الی ان قتله بالغلما...» موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۵۷۴ به نقل از هداية الکبری، ص ۳۹۲.  
 ۲. متاسفانه در کتاب رجعت یا حیات دوباره، احمد علی طاهری ورسی، ص ۵۲ آمده است: «از امام جواد علیه السلام درباره رجعت اثری نرسیده است.»



حضرت رضا علیه السلام امام جواد علیه السلام را نزد خود خواست و میان دو دیده‌ی آن حضرت را بوسید و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد. تو از برای امامت شایسته هستی.<sup>۱</sup>

---

۱. دلائل الامامة، ص ۴۰۰، ح ۳۵۸: «اخبرني ابوالحسين محمد بن هارون بن موسى قال حدثنا ابي رضى الله عنه قال: اخبرني ابو جعفر محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، قال: حدثنا محمد بن احمد بن ابي عبدالله البرقي قال حدثني زكريا بن آدم، قال: انى لعند الرضا علیه السلام اذ جىء بابى جعفر علیه السلام و سنه اقل من اربع سنين، ف ضرب بيده الى الارض و رفع راسه الى السماء، فاطال الفكر. فقال له الرضا علیه السلام: بنفسى انت لم طال فكرک؟ فقال علیه السلام: فيما صنع بامى فاطمة. اما و الله! لاخر جنهما، ثم لاحتقنهما، ثم لاذرینهما، ثم لاسفنهما فى اليم نسفا. فاستدناه و قبل ما بين عينيه، ثم قال: بابى انت و امى انت لها» اثبات الوصية، ص ۲۱۸.

## بخش سوم: احادیث امامت

امام جواد علیه السلام سخنان و فرمایشاتی داشته‌اند که مقام و جایگاه امام را در هر عصر و زمان مشخص و معرفی می‌کند. اگر چه این روایات منحصر و مخصوص به امام مهدی علیه السلام نیست. لیکن امروزه جز ایشان هیچ شخصی مصداق آن نیست. از این رهگذر این کلام‌های تابناک را مورد بررسی قرار می‌دهیم، تا معرفت و شناخت به امام عصر علیه السلام کامل‌تر و روشن‌تر شود.

### حدیث اول: آفرینش حجت

امام جواد علیه السلام در سن طفولیت (سال ۲۰۵ هـ. ق) در معرفی خودش، خطبه‌ی بلیغ و فصیحی خواند، و فرمودند:



شکر و سپاس مخصوص خدایی است که ما را از نور خودش  
و با دستان خودش آفرید و ما را از میان همه خلائق به  
امامت برگزید و ما را امین بر خلق و وحی خویش قرار داد.<sup>۱</sup>  
در این روایت به سه موضوع امامت اشاره شده است:

۱- کیفیت خلق؛ خداوند متعال اهل بیت علیهم السلام را از نور خودش آفریده  
است؛ در دعای ندبه می‌خوانیم: «پیامبر و حضرت علی علیه السلام از یک اصل  
نشأت گرفته‌اند و سایر انسان‌ها غیر از معصومین علیهم السلام از جاهای دیگر  
آفریده شده‌اند.»<sup>۲</sup>

پیامبر به بُریده اسلمی فرمود:

ای بُریده! با علی دشمنی مکن زیرا او از من است و من از  
اویم، مردم از درختان مختلف، آفریده شده‌اند و من و علی از  
یک درخت خلق شدیم.<sup>۳</sup>

۱. دلائل الامامة، ص ۳۸۴، ح ۲۴۲: «كان ابو جعفر عليه السلام... يقول: الحمد لله الذي خلقنا من نوره بيده،  
و اصطفانا من بريته و جعلنا امناءه على خلقه و وحيه...» بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۸، مدينة  
المعاجز، ج ۷، ص ۲۶۴، ح ۲۳۱۲، حلية الابرار، ج ۴، ص ۵۳۴، موسوعة الامام الجواد عليه السلام، ج ۱،  
ص ۲۰۲ ف ص ۵۲۵.

۲. «انا و على من شجرة واحدة و ساير الناس من شجرة شتى»

۳. تلخيص الشافى، شيخ طوسى، ج ۳، ص ۸ «يا بريده! لا تبغض علياً فإنه منى و انا منه و ان الناس  
خلقوا من شجر شتى و خلقت انا و على من شجرة واحدة» مشابه این روایت در منابع اهل سنت نیز  
آمده است.



خود امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید:

من نسبت به پیامبر، مانند دو نخل در کنار هم و روئیده از  
یک اصل می باشیم.<sup>۱</sup>

و در جای دیگر می فرماید:

شما را به خدا سوگند می دهم آیا در میان شما کسی جز من  
هست که پیامبر درباره اش فرموده باشد: مردم از درخت های  
پراکنده اند و من و تو از یک درختیم؟<sup>۲</sup>

در حقیقت، ماهیت رسالت و ولایت، یکی است، آنها براساس لیاقت  
در خلقت امتیاز دارند. آنها بر میثاق های الهی وفادارند، و براساس همین  
عهد و پیمان الهی جایگاه خاصی در آفرینش دارند.

۲- برگزیده بودن؛ خداوند متعال آنها را از میان همه مخلوقین،  
برگزید تا سرپرست باشند.

۳- امین الهی؛ امامان نور علیهم السلام امین الهی هستند.

بنابراین جایگاه خلقت امام مهدی علیه السلام در این عصر و زمان ویژه است و  
خداوند متعال او را برای سرپرستی بر ما انتخاب نموده است و او در  
اجرای وظایفش امین الهی است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. احتجاج، ج ۱، ص ۲۰۸: «نشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله صلی الله علیه و آله الناس من اشجار  
شتی و انا و انت من شجرة واحدة، غیری»



### حدیث دوم: گنجینه‌ی علم

علی بن اسباط می‌گوید: از کوفه با امام جواد علیه السلام در حالی که سوار بر چهارپایی بود خارج شدیم. در راه به گله‌ی گوسفندی برخوردیم، گوسفندی از گله جدا شد و نزد امام علیه السلام آمد و شکایت چوپان را به امام علیه السلام کرد؛ که او ظلم نموده و شیرش را حیف و میل می‌کند و برای صاحبش چیزی باقی نمی‌گذارد. اگر او از ظلمش دست برندارد، نفرینش می‌کند تا عمرش کم شود. امام علیه السلام به چوپان مطالب را بازگو نمود. چوپان گفت: شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و وصایت شما می‌دهم. لطفاً به من بگوئید شما این مطلب را از کجا و چگونه دانستید؟ امام جواد علیه السلام فرمود:

ما گنجینه‌دار علم خدائیم، عالم به غیب و حکمت و علم اوصیای پیامبران و بندگان شایسته‌ایم.<sup>۱</sup>

۱. الناقب فی المناقب، ص ۵۲۲، ح ۴۵۵؛ مدینه المعاجز، ج ۷، ص ۳۹۶، ح ۲۴۰۴، موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۲: «خرجت مع ابی جعفر علیه السلام من الکوفة، و هو راكب علی حمار، فمر بقطیع غنم، فترکت شاة الغنم وعدت الیه و هی ترغو، فاحتبس علیه السلام و امرنی ان ادعو الراعی الیه ففعلت. فقال ابو جعفر علیه السلام ایها الراعی! ان هذه الشاة تشکوک و تزعم ان لها راجلین و انک تحیف علیها بالحلب، فاذا رجعت الی صاحبها بالعشی لم یجد معها لبنا، فان کففت من ظلمها و الا دعوت الله تعالی ان یتبر عمرک. فقال الراعی: انی اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و انک وصیه، اسالک لما اخبرتنی من این علمت هذا الشان؟ فقال ابو جعفر علیه السلام: نحن خزان الله علی علمه و غیبه و حکمته و اوصیاء انبیائه و عباد مکرمون.





از این روایت سه موضوع روشن می‌شود:

۱- ظلم به حیوان هم اثر وضعی مانند کوتاهی عمر دارد.

۲- امام زبان حیوانات را می‌فهمد.

۳- امام به همهٔ امور آگاه است.

امام زمان علیه السلام هم مانند امام جواد علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام علاوه بر دانستن زبان همهٔ حیوانات، همهٔ امور را می‌داند، اگر کسی به حیوانی یا انسانی ظلم کند، امام علیه السلام آگاه است.

### حدیث سوم: مواریت

محمد بن فضیل صیرفی گفت: نامه‌ای به امام جواد علیه السلام نوشتم و در آخر نامه اضافه کردم که آیا سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله نزد شماست؟ ولی فراموش کردم نامه را بفرستم. امام علیه السلام نامه‌ای به من نوشتند که دستورهایی در آن فرموده بودند و در آخر نامه نوشته بودند:

سلاح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد من است. سلاح آن جناب مانند تابوت بنی اسرائیل است که با ما است هر کجا باشیم در اختیار ماست...<sup>۱</sup>

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۸۷، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۵۳، موسوعه امام جواد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۵: «محمد بن فضیل الصیرفی قال: کتبت الی ابی جعفر علیه السلام کتابا و فی آخره: هل عندک



از این روایت نیز دو نکته‌ی برجسته استفاده می‌شود:

- ۱- علم و آگاهی امام به ضمیر و نهای انسان‌ها
  - ۲- موارث انبیاء و اولیاء نزد امام هر عصر و زمانی است.
- در این عصر و زمان حضرت ولی عصر علیه السلام از همهٔ امور آگاه است و همهٔ موارث مانند پیراهن حضرت یوسف علیه السلام انگشتر سلیمان علیه السلام عصای موسی علیه السلام و... نزد اوست. و روزی که ظهور بفرمایند همگان از هر دینی شاهد این عظمت و فضیلت خواهند بود.<sup>۱</sup>

### حدیث چهارم: گنج‌های زمین

ابراهم بن سعد می‌گوید: امام جواد علیه السلام را دیدم که نزدش چیز سیاه رنگی بود، وقتی دستش را بر آن کشید، قرمز رنگ شد، سپس دوباره بر آن دست کشید، سفید شد، سپس با کف دست بر آن کشید، دوباره سیاه شد و به حالت اولیه درآمد.

سلاح رسول الله صلی الله علیه و آله و نسبت ان ابعث بالكتاب. فكتب الی بحوائج له، و فی آخر کتابه: عندی سلاح رسول الله صلی الله علیه و آله و هو فینا بمنزلة التابوت فی بنی اسرائیل، یدور معه حیث درنا و هو مع کل امام...»

۱. البته برخی نیز موارث را کنایه و سمبل می‌دانند. یعنی اگر گفته می‌شود: عصای حضرت موسی علیه السلام همراه با امام مهدی علیه السلام است، کنایه از معجزه و قدرت و ید و بیضاء است. اگر گفته می‌شود: انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام دارد یعنی: قدرت و سیطره بر جهان دارد. رک یاد مهدی، خادمی شیرازی.



امام علیه السلام به من فرمود: این از نشانه‌های قدرت امام است.  
عرض کردم: پدر گرامیتان را دیدم که خاک را با دستان مبارک  
تبدیل به طلا و نقره می‌کردند.

امام فرمود: به خاطر این بود که در شهر شما گمان می‌کردند،  
امام علیه السلام محتاج به مال است، پس پدرم این کار را کردند تا  
شماها بدانید که تمام گنج‌های زمین در دست امام است.<sup>۱</sup>

از این روایت شریف سه نکته استفاده می‌شود:

۱- قدرت امام و کرامات او

۲- تناسب افعال امام با زمان و مکان

۳- همه گنج‌ها و ثروت‌های هستی در اختیار امام است

بنابراین اگر گفته می‌شود برای سلامتی امام زمان علیه السلام صدقه بدهید.  
معنایش احتیاج امام نیست، تمام ثروت‌های هستی در دست امام زمان علیه السلام  
است، ما محتاج عنایت او هستیم.

---

۱. دلائل الامامة، ص ۲۹۷، ح ۲۴۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۵۴؛ مدينة المعاجز، ج ۷، ص ۳۱۷، ح ۲۳۵۱؛ موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۱ «حدثني ابراهيم بن سعد [سعيد] قال: رايته محمد بن علي بن الرضا علیه السلام و له شعرة - او قال: و فرة - مثل حلك الغراب مسح يده عليها فا- حمرت، ثم مسح عليها بظاهر كفه فابيضت ثم مسح عليها بباطن كفه، فعالت سوداء كما كانت فقال لي: يا ابن سعد! هكذا تكون آيات الامام. فقلت: رايته اباك علیه السلام يضرب بيده الى التراب، فيجعله دنانيرو دراهم. فقال: في مصرک قوم يزعمون: ان الامام يحتاج الى مال، فضرب بيده لهم ليبلغهم ان كنوز الارض بيد الامام.»



### حدیث پنجم: تغییر حالات

عسکر غلام امام جواد علیه السلام گفت: نزد امام جواد علیه السلام رفتم در حالی که ایشان در وسط ایوانی که پنج متر بود نشسته بود. با خود گفتم: سبحان الله چه قدر مولایم سبزه و بدن شریفش درخشان و نورانی است به خدا قسم هنوز این سخن دلم تمام نشده بود، دیدم بدن مبارک امام علیه السلام آن چنان بزرگ شد که تمام آن فضا را تا سقف و اطراف تا دیوارهایش را فرا گرفت، متوجه شدم رنگش هم آن چنان سیاه شده که همانند شب تار است، دوباره سفید و از برف هم سفیدتر شد، سپس از خون، قرمزتر شد و سپس از برگ درختان سبزتر شد. همان موقع بدن مبارک کوچک شد تا به صورت اول برگشت. از آنچه مشاهده کردم، به سجده افتادم. امام علیه السلام فرمود:

عسکر! آیا درباره ما شک، و قلب‌هایتان را ضعیف می‌کنید، به خدا قسم به حقیقت معرفت ما نرسیده است مگر کسی که خداوند بر او منت نهاده و به سرپرستی ما راضی شده باشد.<sup>۱</sup>

۱. دلائل الامامة، ص ۴۰۴، ح ۲۶۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۴۶ و بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۵۵ به صورت مرسل و مختصر از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۸۷ نقل کرده است: «عن عسکر مولى ابى جعفر محمد بن على الرضا علیه السلام قال: دخلت علیه و هو جالس فى وسط ایوان له، یكون عشرة اذرع، قال: فوقف بیاب الایوان و قلت فى نفسى: یا سبحان الله! ما اشد سمره مولای و أضو أجسده! قال: فوالله ما استتممت هذال القول فى نفسى، حتى عرض فى جسده و تطاول، و امتلاً به الایوان الى سقفه مع جوامع حیطانه، ثم رایت لونه قد اظلم حتى صار كاللیل المظلم، ثم ایضاً حتى



حقیقتاً امام علیه السلام قدرت هر کاری را به اذن و اجازه‌ی پروردگار دارد. اگر امام چنین قدرتی دارد که در یک لحظه این گونه تغییراتی در جسم خود ایجاد کند، آیا امام مهدی علیه السلام قدرت بر طول عمر خود ندارد؟ و همان طوری که در این روایات آمده است، اگر کسی به این امور مانند طول عمر شک داشته باشد، حقیقت امامت را درک نکرده است.

### حدیث ششم: علت غیبت

خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها، معصومین علیهم السلام را قرار داد، تا انسان‌ها در پرتو نور آنان به هدایت و تکامل برسند، اما انسان‌های قدرشناس و ناشایست، قدر این نعمت را ندانستند و آنها را به شهادت رسانند و برای امام مهدی علیه السلام هم غیبت حاصل شد.

امام جواد علیه السلام یکی از علل غیبت را غضب الهی بر ناسپاسی مردم بیان می‌فرماید، ایشان در پاسخ به نامه‌ی محمدبن فرج می‌نویسند:

اگر خداوند متعال بر خلقش غضب نماید، ما را از میانشان برمی‌دارد.<sup>۱</sup>

---

صار کابيض ما يكون من الثلج الابيض، ثم احمر، فصار كالعلق المحمر، ثم اخضر، حتى صار كأعظم شيء يكون في الاعواد المورقة الخضر، ثم تناقض جسده حتى صار في صورته الاولى، و عاد لونه الى اللون الأول فسقطت لوجهي لهول ما رايت. فصاح بي: يا عسكري! كم تشكون فينا، و تضعفون قلوبكم، و الله لا يصل الى حقيقة معرفتنا الا من من الله بنا عليه، و ارتضاه لنا ولياً»

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۴۳: «اذا غضب الله تبارك و تعالی علی خلقه، نحانا عن جوارهم»



برداشتن اهل بیت علیهم السلام از میان مردم این است که مردم از شعاع وجودی امام بی بهره می شوند. یعنی وقتی امام علی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام شهید شدند، مردم بهره های فراوانی را از دست دادند و اگر امروزه آخرین حجت الهی غایب است، تقصیر انسان ها می باشد و از خیرها و برکات بی شماری محروم هستند «غیبتنا منّا» غیبت امام مهدی علیه السلام به خاطر عمل کرد بشریت است.

### حدیث هفتم: حزب اهل بیت علیهم السلام

معمربن خلاد می گوید: امام جواد علیه السلام از خداوند متعال برای اسماعیل بن خطاب و صفوان بن یحیی درخواست رحمت نمود و فرمود:  
این دو نفر از حزب پدرانمان علیهم السلام بودند. و هر کس از حزب ما باشد، خداوند او را در بهشت جای دهد.<sup>۱</sup>

طبق این فرمایش قرار گرفتن در حزب اهل بیت علیهم السلام عاقبت بسیار خوشی دارد امروزه نیز تنها مصداق امام حی و حاضر و باقی مانده از اهل

---

۱. رجال کشی، ص ۵۰۲، ح ۹۶۲؛ موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱۰، ح ۵۲۲ «معمربن خلاد قال: رفعت ما خرج من غلة اسماعیل بن خطاب بما اوصی به الی صفوان بن یحیی. فقال: رحمه الله اسماعیل بن الخطاب بما اوصی به الی صفوان بن یحیی، و رحم صفوان، فانهما من حزب آبائی علیهم السلام و من كان من حزبنا ادخله الله الجنة»



بیت علیه السلام وجود مبارک امام عصر علیه السلام است که تنها راه رسیدن به خداوند و تنها راه نجات و تنها راه عاقبت به خیری و ورود به بهشت است.

### حدیث هشتم: آگاه به اسرار

علی بن محمد می گوید: بامداد روزی که امام جواد علیه السلام با دختر مامون عروسی کرده بود من نخستین کسی بودم که خدمتش رسیدم. کناری نشستم، در حالی که به شدت تشنه بودم و نمی خواستم آب طلب کنم، امام به چهره ام نگاه کرد و فرمود: دیشب دارو خوردی و الان عطش داری و خجالت می کشی آب بخواهی.

گفتم: بله. امام آب طلبید، من در دلم گفتم: ای کاش آب نیاورد. زیرا گمان می کردم آب مسموم باشد. لذا وقتی خدمت گذار آب آورد، امام یک نگاه به آب انداخت و در حالی که لبخند بر لب داشت نگاهی به من فرمود و آب را گرفت و نوش جان کرد، لحظه ای گذشت دوباره عطش بر من غلبه کرد و خجالت کشیدم آب بطلبم.

امام دوباره آب طلبید، دوباره در دلم مثل او گفتم: کاش آب نیاورد. خدمت گذار آب آورد، امام آب را گرفت و اول مقدار کمی نوش جان کرد و سپس آب را به من داد.

گفتم: «لا اله الا الله» چه دلیلی بر امامت او بالاتر از این که می داند در دل من چه می گذرد.



امام جواد علیه السلام فرمود: یا علی! به خدا سوگند ما کسانی هستیم که خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«آیا می‌پندارند که ما را از آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم؟

چرا، و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می‌کنند.»<sup>۱</sup>

از جا برخاستم و برای کسی که با من بود، گفتم: در همین جلسه، سه

برهان و دلیل از امامت امام جواد علیه السلام دیدم،... و خداوند را حمد و سپاس

گفتم از این که جهلم را برطرف نمود و به معرفت رسیدم.<sup>۲</sup>

حقیقتاً امام علیه السلام آگاه به درون و ضمیر انسان است. و جای هیچ‌گونه

شک و ابهامی در این باره نیست.

قاسم بن عبدالرحمن - که فردی زیدی بود - نیز می‌گوید: به بغداد

رفتم، روزی دیدم مردم می‌دوند و بر بلندی‌ها می‌روند و می‌ایستند، گفتم:

چه خبر است؟ گفتند: ابن الرضا. ابن الرضا. گفتم: خدا لعنت کند معتقدین

۱. سوره زخرف، آیه ۸۰ ﴿أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ﴾

۲. الهدایة الکبری، ص ۳۰۱، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۵ با کمی تفاوت آورده است؛ بحار الانوار،

ج ۵۰، ص ۵۴؛ موسوعه امام جواد علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۱: «دخلت علی ابی جعفر علیه السلام فی صبحه

عرسه بام الفضل بنت المامون و کنت اول من دخل علیه فی ذلک الیوم، فدنوت منه و قعدت،

فوجدت عطشا شديدا، فجعلته ان اطلب الماء فنظر الی و قال: یا علی شربت الدواء باللیل و تغدیت

علی بكرة فاصبت العطش و استحیت تطلب الماء منی... فقال: یا علی! و الله نحن کما قال تعالی ﴿ام

یحسبون اننا لانسمع سرهم و نجواهم بلی و رسلنا لدهم یکتبون﴾ فقلت لمن کان معی: هذه

ثلاث براهین رایتها من ابی جعفر علیه السلام فی مجلس هذا...»





به امامت را که می‌گویند خدا پیروی از این (کودک) را واجب کرده است. پس او به سوی من برگشت و گفت، ای قاسم بن عبدالرحمان، «آیا یک بشر از خودمان را پیروی کنیم؟ ما در این هنگام در گمراهی و آتش خواهیم بود»<sup>۱</sup>

پیش خود گفتم: به خدا قسم ساحر است. باز به سوی من برگشت و این آیه را تلاوت فرمود: «آیا در میان ما ذکر (وحی) بر او فرمود آمده بلکه او دروغگویی برتری جو است.»<sup>۲</sup>

در این هنگام من از عقیده سابق خود برگشتم و به امامت معتقد گشتم و به اینکه او حجت خدا بر خلق است گواهی داده و معتقد شدم.<sup>۲</sup> در این عصر و زمان، امام مهدی علیه السلام عالم به همه امور و حقایق و ضمیر انسان‌هاست. او علیه السلام از خواسته‌ها و خواهش‌ها و نیازهای ما مطلع هستند. اعمال خوب و بد را می‌بینند. پس ما باید چگونه باشیم؟

۱. قمر، آیه ۲۴ ﴿أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾

۲. همان، آیه ۲۵ ﴿أَوَلَيْكَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ﴾

۳. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۴.



### حدیث نهم: نیابت اعمال

موسی بن قاسم می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: می خواستم از سوی شما و پدر بزرگوارتان طواف کنم به من گفته شد: به نیابت از اوصیاء طواف کردن درست نیست. آن حضرت به من فرمود: بلکه هر قدر می توانی طواف کن که جایز است. سپس بعد از سه سال به آن حضرت گفتم: قبلا از شما اجازه خواستم که از سوی شما و پدر بزرگوارتان طواف کنم و شما به من اجازه فرمودید. لذا آنچه خداوند متعال خواست از طرف شما و پدر گرامیتان طواف کردم سپس چیزی بر دلم گذشت و به آن عمل کردم. فرمود: آن چه بود؟ عرض کردم: روزی از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله طواف نمودم. آن حضرت سه بار فرمود: درود خدا بر رسول خدا. عرض کردم: روز دوم از طرف امیر مؤمنان علیه السلام و روز سوم از طرف امام حسن علیه السلام و روز چهارم از طرف امام حسین علیه السلام و روز پنجم از طرف امام سجاد علیه السلام و روز ششم از طرف امام باقر علیه السلام و روز هفتم از طرف امام صادق علیه السلام و روز هشتم از طرف امام موسی بن جعفر علیه السلام و روز نهم از طرف پدر گرامیتان امام رضا علیه السلام و روز دهم از طرف شما طواف کردم. و اینان کسانی هستند که به ولایتشان خداوند متعال را دین داری می کنم فرمود: لذا به خدا سوگند! خدای را دین داری می کنی به دینی که جز آن را از بندگان نمی پذیرد. عرض کردم: و چه بسا از طرف مادر



بزرگوار و گرامیتان حضرت زهرا علیها السلام طواف کردم و گاهی طواف ننمودم. فرمود: این طواف را بسیار انجام بده که انشاء الله بهترین عملی است که تو انجام داده‌ای.<sup>۱</sup>

از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که طواف و نیابت اعمال خیر، از سوی فرد زنده جایز است. اگر انجام امور مستحبی برای امام زمان علیه السلام جایز نباشد امام جواد علیه السلام این شخص را از این کار نهی می‌فرمود.

مرحوم موسوی اصفهانی در بیست و هفتمین وظیفه‌ی بندگان نسبت به امام مهدی علیه السلام می‌نویسد: «طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام علیه السلام و نایب ساختن دیگری از طرف حضرت از وظایف منتظران است... زیرا این کار از احسان و دوستی می‌باشد و رجحان و خوبی آن به حکم عقل ثابت است.»<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۴، ص ۳۱۴، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۱؛ موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۵۳۷؛ «قلت لابی جعفر الثانی علیه السلام قد اردت ان اطوف عنک و عن ایبک، فقیل لی: ان الاوصیاء لایطاف عنهم فقال لی: بل طف ما امکنک، فانه جایز. ثم قلت له بعد ذلك بثلاث سنین: انی کنت استاذتک فی الطواف عنک و عن ایبک، فاذنت لی فی ذلك، فطفعت عنکما ما شاء الله، ثم وقع فی قلبی شیء فعملت به: قال: و ما هو؟ قلت طفعت یوما عن رسول الله صلی الله علیه و آله فقال ثلاث مرات: صلی الله علی رسول الله. ثم الیوم الثانی عن امیرالمومنین... و الیوم العاشر عنک یا سیدی، و هولاء الذین ادین الله بولایتهم. فقال: اذن و الله! تدین الله بالذین لایقبل من العباد غیره. قلت: و ربما طفعت عن امک فاطمه علیها السلام و ربما لم اطف: فقال: استکثر من هذا، فانه افضل ما انت عامله ان شاء الله.»

۲. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۴.

## بخش چهارم: عنایات امام مهدی علیه السلام

### دعای امام مهدی علیه السلام در سالروز تولد امام جواد علیه السلام

یکی از نسیم‌های جانفزا در دوران زندگی، سالروز تولد حضرات معصومین علیهم السلام است، که با بزرگداشت، تجلیل جشن تولد و برگزاری مجالس جشن و سرور در آن روز، توجه و تقرب خاصی تحصیل می‌شود. در حقیقت این شادی‌ها و یا به ماتم نشستن در سالروز وفات معصومین علیهم السلام یکی از امتیازات مذهب شیعه است و سبب این است که مذهب شیعه بسیار فعال و سرزنده است.



امام مهدی علیه السلام هم با دعا کردن در سالروز تولد امام جواد علیه السلام ما را به این امر مهم راهنمایی فرموده‌اند.

ابن عیاش می‌گوید: این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح رضی الله عنه رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حقّ دو مولود به دنیا آمده در ماه رجب، یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد که او را برگزیده‌ای؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می‌جویم. ای کسی که هر نیکی را از او درخواست می‌کنند، و به آنچه نزد اوست مشتاق می‌شوند. از تو درخواست می‌کنم همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، گناهانش او را به هلاکت و عیب‌هایش او را در بند کشیده؛ دیر زمانی است که بر اشتباه کاری‌ها عادت کرده و کارش با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛ از تو درخواست توبه می‌کند و می‌خواهد بازگشت نیکو و بیرون آمدن از گناه و آزادی از آتش جهنم و بخشش از آنچه در بند اوست را نصیبش سازی. ای مولای من! تو بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا! از تو به

---

۱. درباره سال تولد امام جواد علیه السلام اتفاق است اما درباره ماه ولادت دو قول است: ۱- ماه رمضان (کافی ۴۹۱/۱، مناقب ۳۷۱/۴) ۲- ماه رجب. این زیارت، دلیل مناسبی بر تولد امام جواد علیه السلام در ماه رجب است.



حق درخواست‌های شرافت‌مندانه‌ات، و دستاویزهای والایت؛ درخواست می‌کنم که مرا در این ماه در رحمت بی‌کرانت غرق گردانی، و بر من نعمت‌های فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که در قبر فرود آیم و در منزل آخرت سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شتابد، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشد.<sup>۱</sup>

### امام مهدی علیه السلام و زیارت کاظمین علیهم السلام

تشریف حاج علی بغدادی را به برکت کتاب «مفاتیح الجنان» اکثراً شنیده و خوانده‌اید و نزد برخی اساتید مانند یک روایت صحیح‌السند، اعتبار و حجیت دارد.<sup>۲</sup>

۱. المصباح: ص ۷۰۳، مصباح المتعجد: ص ۸۰۵، ح ۸۷۶، بحار الانوار: ج ۹۸، ص ۳۹۳، إقبال الأعمال: ص ۱۴۶. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي، وَ ابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُتَشَجَّبِ، وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ التَّقَرُّبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، وَ فِيمَا لَدَيْهِ رُغِيبٌ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْثَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَ أَوْثَقَتْهُ عَيْبُهُ، فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دَوُّوبُهُ، وَ مِنْ الرِّزَايَا خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَ حُسْنَ الْأَوْتَةِ، وَ النَّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَ مِنْ النَّارِ فَكَأكَ رَقَبَتَهُ، وَ الْعَفْوَ عَمَّا فِي رِقَبَتِهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَ تَقْتِهِ. اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَ وَسَائِلِكَ الْمُثِيفَةِ، أَنْ تَتَّعِدَّنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ، وَ نِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَ نَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَابِعَةً إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ، وَ مَخْلٍ الْآخِرَةِ، وَ مَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ.

۲. جنة الماوی، ص ۱۳۸، نجم ناقب، ص ۴۸۴، مفاتیح الجنان بعد از زیارت امام جواد علیه السلام، ص



حاج علی بغدادی که از زیارت کاظمین (امام موسی بن جعفر و امام جواد علیه السلام) برمی گشت، توفیق زیارت امام مهدی علیه السلام نصیبش می شود، حضرت با ایشان احوال پرسی نموده و به او می فرماید: امشب شب جمعه است، دوباره برای زیارت کاظمین برگرد.

او نیز به همراه امام مهدی علیه السلام به سوی کاظمین رهسپار می شود و در طی مسیر سوالاتی از حضرت علیه السلام می پرسد و جواب می شنود تا به حرم مطهر رسیده و از طرف «باب المراد» که از سمت شرقی و طرف پایین پا است وارد حرم مطهر می شوند.<sup>۱</sup>

### امام مهدی علیه السلام زائر امام جواد علیه السلام

ابوالحسین بن ابی البغل کاتب نقل می کند:

از طرف «ابی منصور ابن صالحان»، کاری را به عهده گرفتم؛ ولی اتفاقی افتاد که باعث شد من خودم را از او پنهان کنم، او هم در جست و جوی من برآمد. مدتی پنهان و هراسان بودم، آن گاه قصد کردم به «مقابر قریش» یعنی مرقد منور حضرت کاظم علیه السلام بروم و شب جمعه را آن جا

۱. محدث نوری در رابطه با این تشرف در نجم ثاقب می نویسد: «اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت متقنه صحیحه که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکی ها واقع شده، هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست آن.»

بمانم و دعا و مسئلت کنم تا خدای تعالی به برکت آن حضرت فرجی در کار من بنماید.

آن شب باد و باران بود. از «ابو جعفر قیم» خواهش کردم درهای حرم مطهر را ببندد و سعی کند آن جا خالی باشد تا من در حرم خلوت کنم و بتوانم آنچه را می‌خواهم انجام دهم.

ابو جعفر همین کار را کرد و درها را بست. نصف شب شد و به قدری باد و باران آمد که تردد زوار را از آن مکان مقدس قطع نمود. من هم در آن جا ماندم و دعا و زیارت می‌کردم و نماز می‌خواندم، ناگاه صدای پایی از سمت ضریح مولایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم و مردی را دیدم که زیارت می‌کند، او در زیارت خود بر حضرت آدم و انبیاء و اولوالعزم علیهم السلام و بعد بر یک یک ائمه سلام کرد تا به صاحب الزمان علیه السلام رسید ولی ایشان را ذکر نکرد.

از این عمل تعجب کردم و گفتم: شاید حضرتش را فراموش کرده یا ایشان را نمی‌شناسد و یا این یک مذهبی است که خودش برای خودش دارد.

وقتی از زیارت فارغ شد دو رکعت نماز خواند و رو به طرف مرقد حضرت امام جواد علیه السلام کرد و حضرتش را مثل امام کاظم علیه السلام زیارت نمود و دو رکعت نماز خواند.





من ترسان بودم و او را نمی‌شناختم، دیدم شخصی است که سن جوانی را تمام کرده و در زمرة افراد کامل محسوب می‌شود، پیراهن سفیدی به تن و عمامه‌ای با تحت الحنک بر سر دارد و ردایی بر کتف انداخته بود. در این هنگام فرمود: «ای ابوالحسین بن ابی‌البغل، چرا دعای فرج را نمی‌خوانی؟»

گفتم: مولای من، دعای فرج کدام است؟

فرمود: «دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی:

یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ وَ السَّرِيرَةَ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، وَ يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِئَ الْبَلَاءِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، (یا رَبَّاهُ) ده مرتبه (یا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ) ده مرتبه  
أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَ نَفَّسْتَ هَمِّي، وَ فَرَّجْتَ غَمِّي، وَ أَصْلَحْتَ حَالِي.

و بعد از این دعا هر چه می‌خواهی بطلب. آن گاه طرف راست صورت خود را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در سجده می‌گویی: «یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ، یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَ اَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ.»



بعد طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: «أَذْرِكُنِي» و آن قدر می‌گویی: «الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ» تا نفست تمام شود، بعد هم سرت را از سجده بردار؛ به راستی که خدای تعالی به کرم خود حاجت تو را ان شاء الله برمی‌آورد.»

ابن ابی البغل می‌گوید: وقتی مشغول نماز و دعا شدم او بیرون رفت. هنگامی که نمازم تمام شد نزد ابوجعفر رفتم تا از او راجع به این مرد سوال کنم که چطور داخل شده است؛ اما با کمال تعجب دیدم درها به حال خود بسته و قفل است!

با خود گفتم: شاید دری در این جا باشد که من نمی‌دانم. و خود را به ابوجعفر رساندم، او هم از اتاق «زیت» (اتاقی که محل روغن چراغ حرم بود) به طرف من آمد. جریان آن مرد و کیفیت داخل شدنش را پرسیدم، گفت: درها همان طوری که می‌بینی قفل است و من آنها را باز نکرده‌ام. قضیه را خبر دادم، در این جا ابوجعفر گفت: این آقا، مولا ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام است و من مکرر حضرتش را در مثل چنین شبی که حرم خالی از مردم است مشاهده نموده‌ام.

با این کلام ابوجعفر، به خاطر آنچه از دستم رفته بود تأسف خوردم. نزدیک طلوع فجر از حرم مطهر خارج شدم و به «کرخ» (محلّی که پنهان بودم) رفتم. هنوز آفتاب بالا نیامده بود که اطرافیان «ابن صالحان» جویای ملاقات من شدند و راجع به من از دوستانم سوال می‌کردند. آنها



با خود امان نامه‌ای از وزیر آورده بودند. من هم همراه شخص امینی از دوستان، نزد او حاضر شدم.

«ابن صالحان» از جای خود برخاست و مرا در آغوش گرفت طوری که تا آن وقت از او چنین کاری را ندیده بودم و بعد گفت: کار تو به جایی رسید، که از من نزد حضرت صاحب الزمان علیه السلام شکایت کنی؟

گفتم: دعایی می‌کردم و سوالی از آن جناب داشتم. و این جمله را به این خاطر گفتم که از گفته خود صرف نظر کند، ولی او گفت: دیشب (شب جمعه) مولایم حضرت صاحب الزمان علیه السلام را در خواب دیدم، آن حضرت با من طوری درشتی کردند که ترسیدم و دستور دادند هر کار نیک و خوبی را نسبت به تو انجام دهم.

ابوالحسین بن ابی‌البغل می‌گوید گفتم: لا اله الا الله، گواهی می‌دهم ایشان حقند؛ شب گذشته مولایم را در بیداری زیارت کردم، ایشان به من فرمودند: «فلان کار را بکن».

و شرح آنچه را در حرم مطهر دیده بودم برایش گفتم. او تعجب کرد و بعد از آن نسبت به من کارهای بزرگ و خوبی‌هایی انجام داد و به برکت مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام به مقاصدی که گمانش را هم از او نداشتم رسیدم.<sup>۱</sup>

۱. عبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۷۳، س ۲۰.



این حکایت به نقل برخی از بزرگان از اسرار است و تأثیرات زیادی داشته که مجرب هم می‌باشد لذا نمونه‌هایی را ذکر می‌نماییم.

### توسل ملامحمود عراقی و امام جمعه تبریز

ملامحمود عراقی رحمته الله در کتاب «دارالسلام» می‌فرماید:

سال ۱۲۶۶ با امام جمعه تبریز حاج میرزا باقر تبریزی رحمته الله در تهران بودم و در خانه آقا مهدی ملک التجار تبریزی منزل داشتیم. من مهمان امام جمعه بودم ولی ایشان به خاطر این که از طرف شاه، اجازه نداشت که به تبریز مراجعت کند و با من هم انسی داشت، مرا نزد خود نگه داشت و مخارج خورد و خوراکم را می‌داد. من هم چون فکر نمی‌کردم که مسافرت طول بکشد، پول کافی همراه نداشتم. به همین جهت از نظر مخارج جانبی از قبیل حمام و امثال آن در فشار بودم و چون کسی را هم نمی‌شناختم، نمی‌توانستم قرض بگیرم.

روزی در میان تالار حیاط، با امام جمعه نشسته بودم. برای استراحت و نماز برخاستم و به اتاقی که در بالای شاه نشین تالار واقع است رفتم و مشغول خواندن نماز ظهر و عصر شدم. بعد از نماز در طاقچه اتاق، کتابی دیدم. آن را برداشتم و گشودم، دیدم ترجمه جلد سیزدهم بحار است که در احوالات حضرت حجت، عجل الله تعالی فرج الشریف، می‌باشد. وقتی



نظر کردم، قضیه «ابی البغل کاتب» را در باب معجزات آن حضرت دیدم و خواندم.

بعد از خواندن قضیه، با خود گفتم: با این حالت و شدتی که دارم، خوب است این عمل را تجربه نمایم. برخاستم نماز و دعا و سجده را به جا آوردم و از خدای متعال برای خود، فرج و گشایش طلب کردم. بعد هم از اتاق پایین آمدم و در تالار نزد امام جمعه نشستم.

ناگاه مردی از در وارد شد و نامه‌ای به دست ایشان داد و دستمال سفیدی جلویش گذاشت. وقتی نامه را خواند، آن را با دستمال به من داد و گفت: اینها مال تو است. ملاحظه کردم دیدم آقا علی اصغر تاجر تبریزی که در «سرای امیر» تجارتخانه داشت، بیست تومان پول در دستمال گذاشته است و در نامه‌ای به امام جمعه نوشته که این پول را به فلانی بدهید. وقتی خوب دقت کردم دیدم که از زمان تمام شدن دعا و استغاثه تا زمان ورود نامه و دستمال، بیشتر از آن که کسی از سرای امیر بیست تومان بشمارد و نامه‌ای بنویسد و به اینجا بفرستد و وقت نگذشته بود!

جریان را که دیدم تعجب کردم و سبحان الله گویان خندیدم. اما جمعه از علت تعجب من پرسید. واقعه را برای او نقل کردم. گفت: سبحان الله! پس من هم برای فرج خود این کار را انجام دهم. گفتم: زود برخیز. او هم برخاست و به همان اتاق رفت. نماز ظهر و عصر را خواند و بعد از نماز، عمل مذکور را انجام داد. خیلی نگذشت؛ امیری را که



سبب احضار او به تهران شده بود، ذلیل و معزول کردند و به کاشان فرستادند و شاه به عنوان عذرخواهی نزد امام جمعه آمد و ایشان را با احترام به تبریز برگردانید.

بعد از آن، این عمل را ذخیره کردم و در مواقع شدت و حاجت به کار می‌بردم و آثار سریع و غریبی مشاهده می‌نمودم. از جمله اینکه سالی در نجف اشرف، مرض وبای شدیدی آمد که بعضی مردم را هلاک و بعضی دیگر را مضطرب کرده بود. وقتی این وضع را دیدم از دروازه کوچک شهر نجف بیرون رفتم و در خارج دروازه، این عمل را تنها بجا آوردم و رفع وبا را از خدا خواستم.

روز بعد به آشنایان خبر دادم که وبا رفع شد. گفتند: از کجا می‌گویی؟ گفتم: دلیلش را نمی‌گویم، اما تحقیق کنید اگر از دیشب به بعد کسی مبتلا نشده باشد، راست است. گفتند: فلان و فلان امشب وبا گرفته‌اند. گفتم: نباید این طور باشد بلکه باید پیش از ظهر دیرز و قبل از آن باشد. وقتی تحقیق نمودند همان طور بود که من گفته بودم و بعد از آن، دیگر مرض وبا در آن سال دیده نشد و مردم آسوده شدند ولی علت را ندانستند. مکرر اتفاق افتاده است که برادرانی را در شدت دیده‌ام و به این عمل واداشته‌ام و آنها سریعا به فرج رسیده‌اند، حتی یک روز در منزل یکی از برادرانم بودم. آنجا بر شدت و مشکلاتش مطلع شدم. این عمل را به او تعلیم نمودم و به منزل آمدم، بعد از مدتی، صدای در بلند شد دیدم همان



مرد است و می‌گوید: از برکت دعای فرج، برای من فرجی حاصل شد و پولی رسید؛ تو هم هر قدر لازم داری بردار. گفتم: من از برکت این عمل، به چیزی احتیاج ندارم؛ اما بگو بینم جریان چیست؟

گفت: من بعد از رفتن تو، به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم و این عمل را به جا آوردم. وقتی بیرون آمدم، در میان ایوان مطهر، کسی به من برخورد و آن قدری که نیاز داشتم پول در دست من نهاد و رفت.

خلاصه؛ من از این عمل، آثار سریعی دیده‌ام، اما در غیر موارد حاجت و اضطرار به کسی نداده و به کار نبرده‌ام؛ زیرا از این که آن بزرگوار علیه السلام این نماز و دعا را «دعای فرج» نامیده‌اند، معلوم می‌شود که در وقت فشار و شدت، اثر می‌نماید.<sup>۱</sup>

### تشریف امین الواعظین در حرم کاظمین علیهما السلام

حاج میرزا حسن امین الواعظین می‌گوید:

حدود سال ۱۳۴۳ به زیارت عتبات مشرف شدم و همیشه بین حرم‌های مقدس و مسجد کوفه و سهله در تردد بودم و مقصد نهایی و مهمترین حاجات من در این مکان‌ها تشریف به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام بود.

۱. میرمهر، ص ۲۲۷.



ضمن این که عادت من، چه در گذشته و چه حال، این بود که روزهای جمعه بعد از غسل و اداء نماز ظهر و عصر تا بعد از نماز مغرب و عشاء برای انجام مستحبات در حرم مطهر می‌ماندم و بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم خارج می‌شدم.

روز جمعه‌ای به حرم مطهر در کاظمین مشرف شدم و بالای سر حضرت جواد علیه السلام نشستم و مشغول قرائت قرآن شدم تا وقت دعای «سمات» که ساعت آخر روز جمعه است بشود. ازدحام جمعیت زیاد بود و جا تنگ شد و ربع ساعت بیشتر به مغرب نمانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سماء شدم.

ناگاه در کنار خود مرد زیبایی را که عمامه سفید و محاسن سیاهی داشت دیدم. لباس ایشان متوسط و قامت و محاسن میانه‌ای داشتند و بر گونه راستشان خالی بود. نزد من نشستند و به دعا خواندنم گوش می‌دادند، گاهی غلط‌های مرا نیز تذکر می‌دادند از جمله این که من خواندم: «و اذا دعیت بها علی العسر لیسر تیسرت.» فرمود: «چرا فعل را مونث می‌خوانی و حال آن که فاعل مونث نیست.» یعنی روی قاعده بایستی این طور خوانده می‌شد: «و اذا دعیت به علی العسر لیسر تیسر.»

گفتم: به خاطر رعایت مجانست با ماقبل و مابعد که مونثند، چون افعال در آنها مونث هستند.





فرمود: «این مطلب غلط است.» بعد فرمود: «مقصود من ایراد گرفتن به تو نبود، خواستم این مطلب را بدانی چون تو از اهل علمی و باید دقت بیشتری داشته باشی.»

از ایشان تشکر نمودم و آن جناب از جای خود برخاستند و رفتند. همان وقت به قلبم خطور کرد بینم این شخص با این اوصاف کیست و چگونه در جای به این تنگی نزد من نشست، چون جا به طوری کم بود که حتی در موقع نشستن جای خود من هم تنگ شده بود چه رسد به این که یک نفر دیگر کنارم بیاید؛ لذا دعا را رها کردم و به دنبال او رفتم تا تفحص کنم که ایشان کیست؟

با تلاش زیادی جست و جو نمودم ولی ایشان را نیافتم، بعد هم بقیه دعا را با تأسف و اشک‌های جاری و ناله خواندم و هر وقت آن قضیه به یادم می‌آمد آه می‌کشیدم تا وقتی که به وطن برگشتم و جریان را فراموش نمودم.

بعد از حدود سه سال شبی در عالم رؤیا دیدم در حرم مطهر کاظمین علیهم السلام مشرف شده‌ام و حضرت جواد علیه السلام نشسته‌اند. آن حضرت گندمگون بودند و من از ایشان مسائل مشکل را سؤال می‌نمودم، که آنها را الآن فراموش کرده‌ام. از جمله عرایض این بود که من دائماً در مشاهده مشرفه از خدای تعالی و شما و اجدادتان خواسته‌ام که مرا به زیارت



حضرت ولی عصر علیه السلام مشرف گردانید؛ اما دعای من تاکنون مستجاب نشده است.

فرمودند: «این طور نیست، تو آن حضرت را در سفر اولت به مشاهده مشرفه دو مرتبه دیده‌ای؛ یک بار در راه سامرا و مرتبه دیگر در حرم کاظمین وقتی که بالای سر نشسته بودی و دعای سمات می‌خواندی، آن شخصی که نزد تو نشسته بود و اشکالی بر تو وارد کرد یعنی در فقره، «و اذا دعیت بها علی العسر للیسر تیسرت» به تو فرمود، چرا فعل را مونث می‌خوانی و حال آنکه فاعل آن مونث نیست آن شخص امام زمانت بود.»<sup>۱</sup>

### تشریف از زبان سید بن طاووس در حرم کاظمین علیه السلام

سید بن طاووس رحمته الله می‌فرماید: شخص موثقی که اجازه نداده نامش را بگویم برایم نقل کرد، از خدا خواستم حضرت ولی عصر علیه السلام و امام زمان خود را ببینم. در خواب دیدم کسی به من فرمود: «آن حضرت را در فلان وقت مشاهده خواهی کرد.»

۱. برکات حضرت ولی عصر، ص ۲۲۵.



در همان وقت به کاظمین رفتیم. وارد حرم مطهر شدم، ناگاه صدایی شنیدم که صاحب آن صدا، حضرت امام محمد تقی علیه السلام را زیارت می کرد. من صاحب صدا را قبل از این جریان می دیدم ولی نمی دانستم وجود مقدس امام زمان علیه السلام است؛ اما در این جا ایشان را شناختم. در عین حال نمی خواستم بدون مقدمه خدمتشان مشرف شوم. لذا داخل حرم شدم و سمت پایین پای حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ایستادم.

ناگاه همان بزرگوار، که می دانستم حضرت بقیه الله علیه السلام هستند با یک نفر دیگر که همراه ایشان بود از حرم بیرون رفتند. من آنها را می دیدم؛ اما مهابت حضرت و رعایت ادب مانعام شد از ایشان چیزی بپرسم.<sup>۱</sup>

### رؤیای ابی الحسن محمد بن ابی اللیث

جناب شیخ طبرسی رحمته الله علیه در کتاب «کنوز النّجاح» می فرماید:

یک وقتی «ابی الحسن محمد بن ابی اللیث» از ترس کشته شدن به کاظمین فرار کرد و به قبر مطهر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و امام جواد علیه السلام پناه آورد.

۱. برکات حضرت ولی عصر، ص ۴۵.



او در آن جا آقا امام زمان علیه السلام را در عالم رؤیا زیارت کرده بود و حضرت این دعا را تعلیمش داده بودند تا بخواند و از کشته شدن نجات یابد.

ایشان فرموده بودند بگو:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ انْكَشَفَ  
الْغِطَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ  
الْمُشْتَكَى، وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَوْلِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،  
فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجاً عاجِلاً قَرِيباً كَلِمَاحِ  
الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي، وَ  
انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ  
الْغَوْثَ الْغَوْثَ اذْرِكْنِي اذْرِكْنِي اذْرِكْنِي.

و در وقت گفتن «یا صاحب الزمان» حضرت به سینه خود اشاره فرموده بودند.

محمد بن ابی اللیث می گوید: وقتی این دعا را همان طوری که فرموده بودند خواندم به برکت آن از کشته شدن رهایی یافتم.<sup>۱</sup>



## پایان: دقت‌های ویژه

### الف: احادیث

درباره امام جواد علیه السلام به دو مطلب باید دقت ویژه ورزید:

در متون روایی شیعه سه تن از امامان علیهم السلام کنیه‌ی ابوجعفر دارند؛ امام محمدباقر علیه السلام با عنوان ابوجعفر اول و امام جواد علیه السلام به ابوجعفر ثانی<sup>۱</sup> و امام هادی علیه السلام به ابوجعفر ثالث مشهور و معروف است.

این مسئله سبب شده که برخی از افراد، با علم به مطالب ذکر شده، روایاتی که با عنوان ابوجعفر آمده را به امام دیگری نسبت دهند. لذا در رابطه با همین موضوع نمونه‌هایی ذکر می‌شود، تا روایات امام جواد علیه السلام در موضوع مهدویت کاملاً مشخص باشد.<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۷۹، اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۳۲.

۲. در روایاتی امام رضا علیه السلام فرزند گرامیش را با همین کنیه معرفی فرموده‌اند: ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۳۲۱ و ۳۲۲، ارشاد، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

۳. البته این مسئله در نگارش طبیعی است و دلالت بر ضعف نویسنده نیست. زیرا شخصیت کم نظیر حدیث علامه مجلسی رحمته الله در بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۸ روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام در باب «ما روی فی ذلک عن الجواد علیه السلام» آورده است.



## ۱- دجال

در کتاب موسوعة الامام الجواد علیه السلام روایتی درباره دجال به این گونه نقل شده است:

مردی از اهل بلخ به خدمت حضرت امام جواد علیه السلام رسید. حضرت به وی فرمود: ای مرد خراسانی! فلان بیابان را می‌شناسی؟ گفت: آری. حضرت فرمود: آیا شکافی به این اوصاف را در آن بیابان سراغ داری؟ گفت: آری حضرت فرمود: دجال از آنجا بیرون می‌آید.<sup>۱</sup>

اما کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام<sup>۲</sup> این روایت را در بخش روایات امام باقر علیه السلام ذکر نموده و آقای علی دوانی نیز در ترجمه بحارالانوار<sup>۳</sup> این روایت را به امام محمد باقر علیه السلام نسبت داده است.

## ۲- عبادت جهانی

در کتاب موسوعة الامام الجواد علیه السلام روایتی درباره نحوه و گستردگی عبادت بعد از ظهور از امام جواد علیه السلام نقل شده است.<sup>۴</sup>

۱. موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج ۱، ص ۵۶۹ (به نقل از بصائر الدرجات، ص ۱۶۱، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰)

۲. معجم، ج ۳، ص ۳۲۸.

۳. مهدی موعود علیه السلام، ص ۹۵۸.

۴. «ولکن اذا قام القائم علیه السلام لم یعبدا الا الله عزوجل»، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۷۵۲ این روایت ذکر شده و تصریح به امام جواد علیه السلام نشده است.



در حالی که منبع این روایت<sup>۱</sup> تصریح به نام امام ندارد و راوی این حدیث از اصحاب سه امام است که آقای خوبی او را از اصحاب امام رضا علیه السلام معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

### ۳- سنت‌های انبیاء علیهم السلام

در کتاب مسند الامام الجواد علیه السلام<sup>۳</sup> روایتی از امام جواد علیه السلام بدین گونه نقل شده است:

صاحب این امر (امام مهدی علیه السلام) چهار سنت از چهار پیامبر دارد: غیبت از حضرت موسی علیه السلام خوف از حضرت عیسی علیه السلام و زندان از یوسف علیه السلام و از پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر است.

در حالی که راوی این حدیث ابوبصیر از یاران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است، لذا کمال‌الدین<sup>۴</sup> و معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام<sup>۵</sup> این روایت را در بخش روایات امام محمدباقر علیه السلام ذکر کرده‌اند.

۱. تاویل الآیات الظاهرة، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ش ۷۹۲۷.

۳. مسند، ص ۱۳۲.

۴. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۹۷.

۵. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۴۰.



#### ۴- سفیانی

در کتاب مسند الامام الجواد علیه السلام<sup>۱</sup> روایتی از امام جواد علیه السلام نقل شده است:

آنچه انتظارش را می کشید، رخ نخواهد داد تا این که سفیانی بر منبر خطبه بخواند. وقتی چنین شد قائم آل محمد علیه السلام از سمت حجاز با شتاب به سوی شما می آید.

این روایت از ابوبصیر نقل شده و او از اصحاب امام جواد علیه السلام نبوده، لذا در معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام<sup>۲</sup> از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

#### ۵- بیت الحمد

در کتاب مسند الامام الجواد علیه السلام<sup>۳</sup> روایتی از امام جواد علیه السلام نقل شده است:

برای صاحب این امر خانه‌ای است که به آن «بیت الحمد» گفته می شود؛ در آن از روزی که متولد شده چراغی نورافشانی می کند تا زمانی که با شمشیر قیام فرماید.

۱. مسند، ص ۱۳۲.

۲. معجم، ج ۳، ص ۲۷۱، ح ۷۹۹.

۳. مسند، ص ۱۳۳.





این روایت را ابوبصیر نقل نموده که مشترک بین شش نفر است و هیچ کدام از شاگردان و اصحاب امام جواد علیه السلام نیست<sup>۱</sup> لذا در معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام<sup>۲</sup> از امام محمد باقر علیه السلام و در غیبت نعمانی<sup>۳</sup> از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.

### ۶- ندا در ماه رمضان

در کتاب «یاد مهدی»<sup>۴</sup> در باب روایات امام جواد علیه السلام روایتی نقل شده است:

«نخستین ندای آسمانی در ماه رمضان و در شب جمعه است، آن را گوش دهید و اطاعت کنید و در آخر روز شیطان ملعون بانگ برمی آورد که فلانی مظلوم کشته شد، تا مردم را به شک و تردید وادارد و فتنه برپا کند. آن روز چه قدر از مردم دچار شک و حیرت شده و سرگردان می شوند؟ هنگامی که ندای اولی را در ماه رمضان شنیدید، هرگز شک به خود راه ندهید که آن صدای جبرئیل است و

۱. ر.ک معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ش ۱۴۸۸۸-۱۴۸۹۲.

۲. معجم، ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۷۷۸.

۳. غیبت نعمانی، ب ۱۳، ص ۲۴۵، ح ۳.

۴. یاد مهدی، ص ۲۲۳.



نشانه آن این است که از مهدی به نام خود و پدرش علیه السلام نام می‌برد.

مؤلف، این روایت را از بشارة الاسلام<sup>۱</sup> نقل نموده که ایشان هم از عقدالدرر نقل کرده است، از آنجایی که مؤلف این کتاب، شیعه نمی‌باشد، این گونه اشتباهات زیاد دارد، ضمن آنکه راوی این حدیث ابوبصیر می‌باشد و ایشان امام جواد علیه السلام را درک نکرده است، و این روایت در غیبت نعمانی<sup>۲</sup> و در معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام<sup>۳</sup> از امام محمدباقر علیه السلام روایت شده است.

#### ۷- سنت جدید

در فصلنامه انتظار<sup>۴</sup> روایت از امام جواد علیه السلام آمده است:

«هنگامی که امام مهدی قیام کند، قیام به امر جدید، سنت جدید و قضاوت جدید می‌کند.»

نقل این حدیث از امام جواد علیه السلام صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا در همه کتاب‌های روایی این روایت برای امام باقر علیه السلام است.

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۶۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۸ ب ۱۴، ح ۱۳.

۳. معجم، ج ۳، ص ۲۵۲.

۴. فصلنامه انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۵۶.



ب: مادر امام جواد علیه السلام

در اصول کافی روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی مادر امام جواد علیه السلام نقل شده است ایشان می‌فرماید:

بابی ابن خیرة الاماء ابن النوبية، الطيبة الفم، المنتجة الرحم... و هو الطريد...<sup>۱</sup>

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان، فرزند کنیز نوبی‌نژاد که پاک و خوش‌بو دهن و خوش رحم است... که رها شده است...

در نقل ارشاد<sup>۲</sup> و کشف الغمة<sup>۳</sup> اضافه‌ای دارد و آن این است: «من ولده الطريد» که منظور بسیار روشن می‌شود: یعنی «ابن» امام جواد علیه السلام است «نوبیه» مادر امام جواد علیه السلام است و «طريد» امام زمان علیه السلام است. اما نقل کافی بدون کلمه «من ولده» است لذا سبب شده از این روایت به گونه‌های مختلفی استفاده شود:

الف: «ابن» امام مهدی علیه السلام است و «خیرة الاماء» مادر امام جواد علیه السلام است.<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۱، باب ۱۳۰ «الاشارة و النص علی ابی الجعفر الثانی علیه السلام»  
 ۲. ارشاد، ص ۶۱۶: «بابی ابن خیرة الاماء النوبية الطيبة، يكون من ولده الطريد...»  
 ۳. کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۸۶۴.  
 ۴. علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۳، ص ۲۸۱.

ب: «ابن» امام جواد علیه السلام است و «خیرة الاماء» مادر امام جواد علیه السلام است.<sup>۱</sup>

ج: «ابن» امام مهدی علیه السلام است و «خیرة الاماء» مادر امام زمان علیه السلام است.<sup>۲</sup>

قول اخیر براساس دو روایت در غیبت نعمانی<sup>۳</sup> تأیید می‌شود که «ابن خیرة الاماء» امام مهدی علیه السلام است. خلاصه آنکه در این مورد دقت بیشتر می‌طلبید.

### سفره جود و احسان

حسن ختام این کتاب را نامه‌ای از امام رضا علیه السلام به امام جواد علیه السلام قرار می‌دهم تا ما نیز این گونه تربیت شویم.

امام رضا علیه السلام در نامه‌ای به امام جواد علیه السلام نوشتند: شنیده‌ام هر گاه تصمیم داری از خانه بیرون بروی، غلامان، شما را از در کوچک بیرون می‌برند و این عمل را به خاطر خیرخواهی انجام می‌دهند، بلکه از این راه بخل می‌ورزند تا مبادا کسی از تو بهره‌مند شود، هم اکنون پس از وصول این

۱. آقای کورانی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۵۸.

۲. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۱۵.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۱۰ و ۱۱، ص ۳۲۴.



نامه به حقی که بر تو دارم، ورود و خروج خود را از در بزرگ منزل قرار بده و زمانی که تصمیم داری از خانه بیرون بروی، سگهی طلا و نقره همراه خود بردار و هر کس از شما درخواست کرد، او را از جود و بخشش خود بهره‌مند ساز و به هر یک از عموهایت کمتر از پنجاه دینار عنایت مکن و تشخیص اعطای بیشتر برعهده خود شماست و به هر یک از عمه‌هایت کمتر از بیست و پنج دینار عنایت مکن و اگر خواستی بیشتر ببخشی. با این سفارش می‌خواهم خداوند متعال شما را بلندمرتبه سازد. پس انفاق کن و از تنگ‌دستی و فقر مترس.<sup>۱</sup>

الحمد لله رب العالمین

---

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۲ با کمی تغییر نقل نموده است «... فی کتاب ابی الحسن [الرضا] الی ابی جعفر علیه السلام یا ابا جعفر! بلغنی ان الموالی اذا رکبت اخرجوک من الباب الصغیر، فانما ذلک من بخل منهم، لثلا ینال منک احد خیرا. و اسالک بحقی علیک لایکن مدخلک و مخرجک الا من الباب الکبیر. فاذا رکبت، فلیکن معک ذهب و فضه، ثم لایسالک احد شیئا الا اعطیته و من سالک من عمومک ان تبره فلا تعطه اقل من خمسين دینارا و الکثیر الیک و من سالک من عماتک فلا تعطها اقل من خمسة و عشرين دینارا و لکثیر الیک، انی انما ارید بذلک ان یرفعک الله، فانفق و لاتخش من ذی العرش اقتاراً.»